

چگونه نه
سوابق
آکاشیک
را بخوانیم ؟

دسترسی به آرشیو روح
و سفر به کن

نوشته
لیندا هاو

چگونه

سوابق آکاشیک

را بخوانیم؟

(دسترسی به آرشیو روح و سفر به آن)

نوشته

لیندا هاو

این کتاب ترجمه ای است از :

How to Read the Akashic Records
(Accessing the Archive of the Soul and Its
Journey)

فهرست مطالب

| | |
|--|----|
| پیشگفتار : چگونه سوابق آکاشیک را پیدا کردم..... | ۹ |
| دین اصلی | ۱۲ |
| کاوش در خیابان های جدید..... | ۱۴ |
| سفر شامانی | ۱۹ |
| رکوردهای آکاشیک..... | ۲۱ |
| دریافت گواهی تدریس | ۲۶ |
| دعای مسیر | ۲۹ |
| قدردانی ها..... | ۳۵ |
| نحوه استفاده از این کتاب | ۳۸ |
| شروع با مدیتیشن..... | ۴۰ |
| مدیتیشن افتتاحیه : ستون نور..... | ۴۰ |
| بخش اول : نحوه خواندن سوابق آکاشیک..... | ۴۴ |
| فصل اول : مقدمه ای بر رکوردهای آکاشیک..... | ۴۴ |
| سوابق آکاشیک چیست ؟ | ۴۴ |
| چه کسی از رکوردهای آکاشیک استفاده می کند و چرا؟..... | ۵۲ |
| رشد آگاهی | ۵۴ |
| چگونه مردم به سوابق آکاشیک دسترسی پیدا می کنند؟..... | ۵۵ |
| چگونه به سوابق آکاشیک در این کتاب دسترسی خواهیم داشت؟..... | ۶۰ |
| فصل دوم : دستورالعمل ها و قوانین اساسی برای خواندن سوابق آکاشیک..... | ۶۳ |

| | |
|--|-----|
| چگونه باید برای خواندن سوابق آکاشیک آماده شوم؟..... | ۶۴ |
| رهنمودهایی برای خواندن سوابق آکاشیک..... | ۶۴ |
| رهنمودهایی برای خواندن سوابق آکاشیک برای دیگران..... | ۶۸ |
| توصیه هایی برای سی روز اول..... | ۷۰ |
| به مدت سی روز پس از اینکه خواندن سوابق آکاشیک را یاد گرفتید..... | ۷۲ |
| چه نوع سؤالاتی در سوابق آکاشیک بهتر جواب داده می شود؟..... | ۷۳ |
| چه نوع اطلاعاتی را دریافت خواهم کرد و چگونه آنها را دریافت خواهم کرد؟..... | ۸۱ |
| فصل سوم : فرآیند دعای مسیر..... | ۸۵ |
| درک فرآیند دعای مسیر..... | ۸۸ |
| اربابان رکوردها..... | ۹۱ |
| استادان..... | ۹۲ |
| معلم ها..... | ۹۳ |
| عزیزان..... | ۹۴ |
| فرشتگان و مقدسین..... | ۱۰۲ |
| خواندن سوابق آکاشیک شما برای اولین بار..... | ۱۰۳ |
| تفاوت بین سوابق آکاشیک و شهود..... | ۱۰۵ |
| سوالات و نگرانی های رایج در مورد سوابق آکاشیک..... | ۱۱۴ |
| دریافت کمک اساتید، معلمان و عزیزانتان..... | ۱۱۷ |
| مراقبه..... | ۱۱۸ |
| کاربردهای مختلف برای رکوردهای آکاشیک..... | ۱۲۲ |

| | |
|---|-----|
| خواندن برای افراد..... | ۱۲۲ |
| خواندن سوابق حیوانات یا حیوانات خانگی..... | ۱۲۲ |
| خواندن سوابق یک خانه..... | ۱۲۴ |
| خواندن سوابق آثار عمومی، ساختمان ها، پارک ها، شهرها، شهرک ها یا مناطق زمینی..... | ۱۲۵ |
| خواندن سوابق یک شرکت یا یک بخش در یک شرکت..... | ۱۲۶ |
| خواندن سوابق یک بیمار یا مشتری..... | ۱۲۷ |
| استفاده از رکوردها برای ایجاد..... | ۱۲۷ |
| استفاده از سوابق برای یادگیری..... | ۱۲۸ |
| فصل چهارم : خواندن سوابق آکاشیک برای دیگران..... | ۱۳۰ |
| درک فرآیند دعای مسیر خواندن برای دیگران..... | ۱۳۳ |
| نکاتی در مورد مطالعه برای دیگران..... | ۱۴۰ |
| فرآیند دعای مسیر برای دسترسی به قلب سوابق آکاشیک برای دیگران..... | ۱۴۴ |
| توسعه «بالا بردن وسعت و عمق آگاهی»..... | ۱۴۷ |
| مراقبه..... | ۱۴۹ |
| از آغازگر تا شروع کننده..... | ۱۵۱ |
| بخش دوم : استفاده از سوابق آکاشیک برای شفای خود و دیگران..... | ۱۵۲ |
| فصل پنجم : انرژی درمانی در سوابق آکاشیک..... | ۱۵۲ |
| به عنوان یک خواننده تمرین کننده آکاشیک، نقش ها و مسئولیت های من چیست؟..... | ۱۵۸ |
| سه سطح شفا در سوابق آکاشیک..... | ۱۷۰ |

- چگونه می توانم سه سطح شفا را تشخیص دهم؟..... ۱۷۹
- تمرین: سه سطح شفا (کار در سوابق آکاشیک شخص دیگری)..... ۱۸۶
- فصل ششم : شفای الگوهای اجدادی در سوابق آکاشیک..... ۱۹۲
- اجداد من چه کسانی هستند؟..... ۱۹۳
- چگونه روح ها به خطوط اجدادی می پیوندند؟..... ۱۹۵
- مسئولیت من در قبال اجدادم چیست؟..... ۱۹۷
- چگونه می توانم اجدادم و تأثیرات آنها بر زندگیم را کشف کنم؟..... ۲۰۱
- تمرین: هدف الهی نسب خود را مشخص کنید..... ۲۰۱
- تمرین: فضای بین طول عمر را کاوش کنید..... ۲۰۳
- تمرین: شناسایی و پاک کردن تأثیرات ناخواسته اجدادی در زمان حال..... ۲۰۵
- تمرین : التیام یک پیوند یا گره دشوار..... ۲۰۶
- فصل هفتم : شفای زندگی های گذشته در سوابق آکاشیک..... ۲۰۸
- یگانگی با خالق..... ۲۰۹
- چگونه شفای زندگی گذشته در سوابق آکاشیک رخ می دهد؟..... ۲۱۴
- تمرین: کار در سوابق آکاشیک برای شفای زندگی گذشته..... ۲۱۵
- کاوش در زندگی مثبت گذشته در سوابق آکاشیک..... ۲۲۳
- تمرین: بررسی تجربیات مثبت زندگی گذشته..... ۲۲۵
- فصل هشتم : زندگی با سوابق آکاشیک..... ۲۳۰
- سه نکته..... ۲۳۷
- افکار نهایی در مورد سوابق آکاشیک: گذشته، حال ... و آینده..... ۲۴۱

کار گروهی..... ۲۵۰

راهنمای کار گروهی..... ۲۵۰

درباره نویسنده..... ۲۶۰

پیشگفتار : چگونه سوابق آکاشیک را پیدا کردم

من تجربه نزدیک به مرگ نداشتم. بیشتر شبیه این است که سال ها از نظر روحی در نزدیکی مرگ معلق بودم. اوضاع تلخ بود و من نمی توانستم دلیل آن را بفهمم. همه چیز را درست انجام داده بودم: دختر خوبی بودم، به دانشگاه رفتم، سخت درس خواندم، نمرات خوبی گرفتم. من یک کار خوب داشتم، یک آپارتمان خوب. من زندگی خوبی داشتم. من هر آنچه فکر می کردم می خواهم داشتم و بدبخت بودم. از طریق تلاش محض، توانستم به آنچه می خواستم برسم، اما همه دستاوردهایم نتوانستند فریادی را که از دره ای در روحم می پیچید، خاموش کنند.

مهم نیست که چقدر تلاش کردم، هرگز نتوانستم «به اندازه کافی خوب» باشم. گاهی اوقات به سادگی تسلیم می شدم و به خودم اجازه می دادم تا جایی که می توانم «بد» باشم. ولی همه این ها برای اینکه احساس «خوب بودن»، امنیت با آرامش داشته باشم کافی نبود.

در نهایت، در حال ناامیدی، دعا کردم: «خدایا، اگر هستی، باید به من کمک کنی. من دیگه طاقت ندارم، کمک!! لطفا.»

در عرض شش هفته از آن دعای عاجل، یک اتفاق قابل توجه رخ داد. روی تختم دراز کشیده بودم و برای خودم متاسف بودم و به درختی نگاه می کردم که تا پنجره طبقه سوم من رشد کرده بود. دوباره از خدا درخواست کمک کردم: «به من بگو، چطور زندگی من می تواند اینقدر خوب به نظر برسد اما احساس بدی داشته باشم؟»

سپس همه چیز متوقف شد. تمام سر و صدای درونم متوقف شد و احساس آرامشی جای آن را گرفت. وقتی به درخت نگاه کردم، می دانستم که به هم متصل شده ایم ، می توانم آن را حس کنم. من بیست و سه ساله بودم، در شهر بزرگ شدم، و زمان زیادی را در طبیعت نگذرانده بودم، از این تجربه حیرت زده شدم. برای چند لحظه به وضوح احساس کردم که میتوانم با درخت و با هر چیز دیگری که هست و نمی بینم یکی می شوم. این یک حس بزرگ و عمیق و در عین حال آرامش بخش بود. می دانستم که زندگی من یک تصادف نیست و اینکه خدایی وجود دارد. مهمتر از همه، می دانستم که این خدا مرا دوست دارد. به عشق خدا به خودم هیچوقت تردید نداشتم در آن لحظه معجزه آسا ترسم آرام شد و به سوالاتم پاسخ داده شد. احساس دیده شدن کامل و دوست داشته شدن مطلق ، غیر قابل انکار بود. این تجربه آنقدر قدرتمند و عمیق بود، واقعی و غافلگیر کننده بود

که من هنوز حتی تا به امروز که نزدیک سی سال از آن روز میگذرد در حال رشد در آن هستم.

من یک کاتولیک بودم که در غرب بزرگ شده بودم و درک اولیه من از خدا به عنوان «پیرمرد ریشو در آسمان» بود. احساس ارتباط با درخت این ایده را برای من از بین برد. خدایی که در آن لحظه با آن روبرو شدم بسیار فراتر از مفهوم قدیمی من بود. نسخه جدید و توسعه یافته من از خدا بیشتر یک میدان نیرو بود تا یک شخص. به نظر می رسید که این میدان نیرو حاوی انبوهی از ویژگی های متمایز است که در لحظه به هم نزدیک می شوند. قدرت انرژی بخش آمیخته با حساسیت عالی و شفقت و مهربانی، یک حس متناقض از نظم بدون انقباض وجود داشت.

حالا این خدایی بود که ارزش شناخت داشت. مدتی به نظر می رسید که باید واژه ای بهتر و مدرن تر برای توصیف این قدرت و حضور آن وجود داشته باشد. با این حال، در نهایت به این نتیجه رسیدم که کلمه خدا بهترین واژه برای من است، زیرا تنها واژه ای است که به ماهیت ناشناخته و مرموز این میدان نیرو معنا می دهد. از زمان اپیزود با درخت، لحظات زیادی از هوشیاری بیشتر نصیب من شده است. اما آن اولین تجربه آگاهانه از حضور خدا و جذاب ترین و دگرگون کننده ترین تجربه بود. در یک چشم به هم زدن، همه چیز تغییر کرد (من

تغییر کردم). می دانستم که آن تجربه هر چه بوده است، برای من بسیار بود و جستجوی من شروع شد.

دین اصلی

من با اشتیاق در مسیر معنوی خود قدم برداشتم. من به دنبال این بودم که تجربه اولیه خود را به تصویر بکشم و آن را ماندگار کنم، طولانی تر کنم، آن را تکرار کنم. میل من برای تجربه دوباره آن حس نور، قدرت و حضور، مرا به چند جا برد. ابتدا به کلیساها و معابد رفتم: طیف کاملی از آنها، از کاتولیک کاریزماتیک (که در آن دعا به زبان عادی است) تا معابد بودایی (که در آن مردم مراقبه و جدایی را تمرین می کنند). در مدت کوتاهی متوجه شدم که همه ادیان اساسا خوب بوده و هستند و تا به امروز در فعالیت های مذهبی شرکت می کنم. اما هیچ کدام شامل تجربه من نمی شد. در عوض، با قوانین و فشارهای زیادی برای پیروی از آنها مواجه شدم. مردان مسئول بودند، و زنان نوشیدنی سرو می کردند: این برای من نبود. من در آن زمان برای پذیرش هویت جنسی خودم تلاش می کردم و می ترسیدم که مقامات مذهبی به حقیقت مشکوک شوند و من تبعید شوم. در آن زمان واضح بود: مذهب سنتی راهی نبود که به من اجازه دهد حضور خدا را آن طور که می شناختم عمیقا تجربه کنم.

پس از بیداری روحی ام، آن قدر سرشار از فیض خداوند شدم که به راحتی عادت ها، افکار و رفتارهایی را که مانع رشد روحی من بودند، کنار گذاشتم. در همان زمان، انرژی لازم برای ایجاد الگوهای جدید زندگی به من داده شد. مهمانی مضحک من با تلاش نسبتاً کمی از سوی من از بین رفت. قبلاً سعی کرده بودم معلم را پاک کنم، اما فراتر از توانایی هایم بود. با این حال لمس شدن به این شکل باعث شد که بدون زحمت در مسیر دیگری حرکت کنم. هر کسی که این نوع شفا را تجربه کرده باشد می داند که چقدر مرموز و معجزه آسا است. هیچ تلاش انسانی قابل مقایسه نیست.

برای مدتی، شاید تا زمانی که شش ماه پس از باز شدن نور در درونم، من کاملاً نسبت به دریافت آگاهی باز بودم. احساس می کردم که دارم وارد بعد جدیدی از زندگی میشوم و در واقع همین اتفاق افتاد. هر جا که می رفتم این حس را داشتم که می دانستم هر چه می دیدم خداست (بیانی از خدا) و من با آن یکی هستم. وقتی در صف خواربارفروشی ایستاده بودم، وقتی فهمیدم همه کسانی که در آنجا حضور داشتند، یک نفر بودند، می لرزیدم. با رانندگی به سمت دریاچه ساحلی زیبا در شیکاگو، به راحتی پذیرفتم که هر چیزی که با آن روبرو شدم خدا بود و من بخشی از آن بودم. گذراندن پروژه های مسکن کابرینی گرین دنیای من را تکان داد زیرا آن ضربه آگاهی به من گفت

که این نیز چهره خداست و من با آن مرتبط هستم. کمی احساس بی حوصلگی می کردم، با این حال خیلی بهتر از گیر افتادن و بدبختی بود که با آن همراه شدم.

کاوش در خیابان های جدید

با کشف دین، به سمت سمینارهای خودیاری حرکت کردم. من تعداد زیادی از آنها را شرکت کردم و همه آنها را دوست داشتم. هر کدام چیزی را برایم به ارمغان آورد که به آن نیاز داشتم: گاهی درک، گاهی افراد، گاهی ساختار و سازمان. مهم نیست کجا رفتم، با چیزی که از رشد من حمایت می کرد، برکت داشتم. برخی از کارگاه ها مثبت، اعتباربخش بودند و احساس خوبی را در من ایجاد میکردند. برخی خشن، آزاردهنده و به طرز وحشتناکی ناراحت کننده بودند. همه آنها به گسترش آگاهی من کمک کردند. اما آنچه در این مسیر گم شده بود، شناخت بعد معنوی زندگی بود.

بنابراین من با همراهی دوستان و رفقای بیشماری به جستجوی خود ادامه دادم. من درمان و بدنسازی از انواع مختلف داشتم. البته من خودم را پشت میز بسیاری از فالگیرها دیدم. و مانند بسیاری از راه هایی که کاوش کردم، تجربیات من معمولاً فوق العاده بود.

وقتی بیست و هشت سالم بود با یکی از دوستانم به یک نمایشگاه رُنسانس رفتم که در آنجا یک تاروت خوان به کارت های من نگاه کرد.

این خواندن برای من رویداد مهمی بود، نه به دلیل جزئیات آنچه خواننده به من گفت، بلکه به دلیل احساسی که پس از پایان او داشتم. وقتی اجازه دادم حقیقت سخنان او را درک کنم، احساس شگفت انگیزی از رهایی شخصی را تجربه کردم. اگر فقط می توانستم همین احساس را به دیگران ارائه دهم!

من نمایشگاه را با این تصور ترک کردم که از طریق خواندن تاروت امرار معاش کنم. در آن زمان مسخره به نظر می رسید. خوانندگان تاروت و دیگرانی که در پیشگویی معنوی نقش دارند، همگی بسیار عجیب و غریب به نظر می رسند، (دید تقریباً نامناسب). این ترسناک بود که فکر کنم اگر «تاروت خوانی» انجام دهم، من نیز به آن خرده فرهنگ تعلق خواهم داشت. من هنوز با این تصور که یک فرد معمولی در جهان هستم که اتفاقاً تاروت خوانی می کند، در درون خودم آشتی نکرده بودم. نه، در آن زمان این یک موقعیت یا و یا بود. من می توانستم در دنیای واقعی سفر کنم یا در حومه زندگی کنم.

یک سال یا بیشتر بعد، دوست دیگری به من پیشنهاد داد که یک جلسه با زنی در تگزاس داشته باشم که با آکاشیک رکوردز کار می کرد. هر چه که بود او یک «خواننده» قوی بود. بنابراین من یک قرار تلفنی گذاشتم. به من گفته شد که او می تواند هدف روح من را به من بگوید، و من مطمئن می خواستم بدانم که آن چیست. در آن

زمان، وضعیت مالی و زندگی کاری ام آنقدر آشفته بود که نمی توانستم جایی برای اقامت بیابم. هر شغلی که در آن دوره داشتم چیزی را پیشنهاد می کرد که می خواستم، اما در کل رضایت بخش نبود. من واقعا گیج شدم در ساعت مقرر تماس گرفتم و زن وارد مطالعه شد. رفتار او گرم بود، اما بین لهجه غلیظش و ایده های جدیدی که ارائه می کرد، من کاملا مطمئن نبودم که او به من چه می گوید. چیزی که می دانستم این بود که دوباره آن احساس را داشتم، آن حس متمایز از شناخته شدن و دوست داشته شدن را داشتم. بقیه خواندن واقعا مهم نبود، فکری به ذهنم رسید که دوست دارم بتوانم کاری را که او انجام می دهد انجام دهم. زندگی به جلو ادامه یافت. در سی سالگی بسیاری از مسائل سخت شخصی ام را حل کرده بودم. از طریق عشق و قدرت بی پایان خداوند، از یک اختلال وحشتناک رها شده بودم و با یک شریک زندگی فوق العاده آشنا شده بودم که به سفرم ادامه می دهد. وقتی من و لیزا برای اولین بار با هم آشنا شدیم، او به من نشان داد که چگونه کارت های تاروت را بخوانم. ما ساعت های بی شماری را صرف پرتاب کارت ها کردیم. دوستش استیون به او یاد داده بود که چگونه تاروت را رمزگشایی کند و او به سادگی آن را منتقل کرد. ما خیلی خوشحال بودیم، و برای چند سال بعد در هر فرصتی کارت ها را می خواندم. زمانی که در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه

ایلینویز بودم، زمان زیادی را صرف توسعه مهارت هایم با خواندن برای دانشجویان فارغ التحصیل دیوانه کردم.

من به شیکاگو باز گشتم و روزها با یک شغل معمولی در بیمه نامه کار می کردم و هر فرصتی که داشتم برای مردم کارت می خواندم. از کارم متنفر بودم سعی کردم دوستش داشته باشم. من سعی کردم. من تلاش کردم و تلاش کردم و تلاش کردم... فایده ای نداشت. مجبور شدم کارم را ترک کنم. به خودم گفتم که اگر این کار را بکنم، برای مدرک تحصیلی خود در رشته تاریخ روسیه، شروع به خواندن زبان روسی و اتمام آن می کنم. با اینحال از این میترسیدم که به خودم اعتراف کنم که برای اینکه یک کارت خوان تاروت باشم دست از کار می کشم، خودم را با این توجیه اجتماعی قابل قبول برای ترک یک شغل کاملاً خوب مسلح کردم و خطارم را دادم. اما تلاش برای یادگیری زبان روسی برای چندمین بار کاملاً دردناک بود. به اندازه شغل بیمه عنوان من غیر قابل تحمل بود. پس از جستجوی روحی زیاد، و کمی گریه و دندان قروچه، خودم را از روی صلیب دست سازم پایین آوردم و زبان روسی را ترک کردم. لحظه حقیقت فرا رسیده بود. با خودم اعتراف کردم که می خواهم برای امرار معاش به مطالعه بپردازم. من می خواستم یک کارت خوان حرفه ای تاروت باشم.

برای تحقق رویایم، روزها خانه ها را تمیز می کردم و شب ها در قهوه خانه ها کارت های تاروت می خواندم. خیلی سرگرم کننده بود. بعد از مدتی دفتری در خانه خود راه اندازی کردم و تمرینم شروع به رشد کرد. سپس یک الگوی عجیب و غریب شروع به شکل گیری کرد. من در آن زمان شروع کردم به دیدن (همان طور که امروز می بینم) افرادی که به عنوان مشتری به من مراجعه می کردند عموماً باهوش بودند و در حالی که به کارت هایشان نگاه می کردیم، انواع چیزهایی را می دیدیم که به آنها کمک می کرد تا به شناخت برسند و چیزهای زندگی شان را بفهمند. وقتی آنها را به طرف در می بردم، به خودم تبریک می گفتم ولی بعد از حدود شش تا هشت ماه بعد، آنها دقیقاً با همان مسائل برمی گشتند.

اجازه دهید اصلاح کنم که: برخی از افراد با همان مسائل برمی گردند. در واقع دو گروه مختلف وجود داشت. یک گروه فقط برای حل مشکلات خود یا فراتر رفتن از محدودیت های خود نیاز به درک درستی داشتند. برای آنها مشکل کمبود دانش بود، بنابراین دانش همیشه مشکلات آنها را حل می کرد. اما برای گروه دیگر، ریشه مشکل چیز دیگری بود. برای آنها، دانش لزوماً به قدرت تبدیل نمی شد و بدون قدرت مورد نیاز، افراد این گروه اغلب گیر می کردند. بنابراین آنها به سمت من می آمدند، و ما دوباره به کارت های آنها نگاه می

کردیم و همان روند را تکرار می کردیم. دردناک بود که این خوانش ها هرگز به نظر نمی رسیدند، و من احساس وحشتناکی می کردم.

دعاهای من ناامید کننده شد: «خدایا، باید راهی وجود داشته باشد که مردم به قدرتی که نیاز دارند دسترسی پیدا کنند تا مشکلاتشان را حل کنند. واضح است که دانش کافی نیست. تا آنجایی که پیش می رود عالی است، اما به اندازه کافی پیش نمی رود. کمک!»

در این زمان از زندگی، من به اجابت دعاهای صمیمانه ام توسط خداوند عادت کرده بودم و می دانستم که اجابت در لحظه ی عالی خواهد رسید. نمی دانستم پاسخ چه می شود، با این حال من برای هر راه حل واقعی باز بودم.

سفر شامانی

مدت زیادی از دعای من نگذشته بود که یکی از دوستان مرا به یک محفل شمنی نوازی دعوت کرد. من نمی خواستم بروم؛ فکر نشستن با پای برهنه در یک دایره با دسته ای از افراد با تی شرت های حیوانات قدرتمند وحشتناک به نظر می رسید، نه نیرومند. من در نهایت تسلیم شدم. تصورش را بکنید: من اینجا هستم و برای امرار معاش کارت های تاروت می خوانم، و در عین حال می ترسم که حضور در یک مراسم شمنی خیلی عجیب باشد. مجبور شدم به خودم بخندم!

زنی به نام پت بوتی این جلسه را برگزار کرد. او طولانی ترین و باثبات ترین گروه را در منطقه داشت، بنابراین من احساس امنیت می کردم. او عالی بود. پت به طور خلاصه سفری را که قرار بود آغاز کنیم را توضیح داد. فکر می کردم که به نظرم بد می آید، و فکر می کردم هیچ اتفاقی برایم نمی افتد، اما تصمیم گرفتم مودب باشم و تا جایی که می توانم مشارکت کنم.

در همان چند ضرب اول طبل، من رفته بودم (به بعد دیگری که برای من به اندازه لباس هایم واقعی بود). من آن را احساس کردم: قدرت ایجاد تغییر و نیروی زندگی خالص وقتی از حالت خلسه خارج شدم، فکر کردم: «خوب، خدا، حالا چی؟»

در عرض چند هفته، کلاس های شمنیسم اصلی کلاسیک را در بنیاد مطالعات شمنی شرکت می کردم، جایی که از شانس بزرگی برخوردار بودم که زیر نظر ساندرای اینگرمن (نویسنده کتاب بازیابی روح) آموزش می دیدم. تمرین تاروت من نتیجه داد و شروع به ارائه شفاهای شمنی کردم. این یک راه شگفت انگیز برای آوردن قدرت به افراد نیازمند بود تا آنها را قادر سازد تا نیروی زندگی از دست رفته خود را برای خود بازیابی کنند. به مدت پنج سال بعد به عنوان یک تمرین کننده شمن در جلسات انفرادی و گروهی کار کردم. فوق العاده بود.

ممکن است قبلا حدس زده باشید که چه چیزی در راه است - مسیری که شروع کردم در شرف بسته شدن بود و مسیری جدید در شرف باز شدن بود.

یک روز، در حالی که من یک سفر را هدایت می کردم به مانند یک رهبر (اساسا همه افراد حاضر را فرا می خواند تا آنچه را که نیاز دارند به دست آورند) و خدا را برای محافظت و حمایت صدا می زدم. من طبق عادت ارواح شرق، جنوب، غرب و شمال را نمی خواندم، بلکه به خدا را می خواندم. حال، درست است که جهات و حیوانات (و همه چیزهای طبیعی) تجلی خدا هستند، اما به نوعی خارج از عرف و ساختار شمنی انجام میدادم. بعد، وقتی یک تمرین شفای شمنی با کسی انجام دادم، شنیدم من به خدا می گویم که این فرزند اوست و ما به او نیاز داریم که اوضاع را رسیدگی کند. در نهایت، در یک مراسم طبل نوازی دیگر ایستادم، به دستانم نگاه کردم و نشانه های جسمانی را دیدم که در واقع یک عدم تناسب ناراحت کننده تبدیل شده بود: من یکی از سفید پوست ترین دختران سفید پوست شهر بودم. بهتر است شمنیسم را به دیگران بسپارم.

رکوردهای آکاشیک

وقت آن بود که دوباره دعای ناامیدی خود را بخوانم. این بار چیزی شبیه این بود: «خدایا، باید راهی برای دسترسی به دانش و قدرت

وجود داشته باشد که ساده و آسان باشد. شاید فقط یک دعا. لطفا کمک کنید.» و من شک نداشتم که کمک در راه است.

چند هفته بعد، من در میزگردی بودم و اطلاعاتی درباره شمنیسم ارائه می دادم. زن دیگری آنجا بود تا در مورد رکوردهای آکاشیک صحبت کند. من کاملاً مطمئن نبودم که او در مورد چه چیزی صحبت می کند (این بسیار باطنی بود) اما یک چیز جذاب در آن وجود داشت، بنابراین تصمیم گرفتم در کلاس دو روزه او برای شروع رکوردهای آکاشیک شرکت کنم. در آن، او به ما یاد داد که چگونه با خواندن یک دعای خاص، رکوردها را باز کنیم. وقتی دستورالعمل های او را دنبال کردم. بام! من یک تغییر بسیار مشخص را احساس کردم. و دوباره آن حس، حس شناخته شدن و دوست داشته شدن وجود داشت. این به اندازه تجربه اصلی من سخت نبود، اما آن را تشخیص دادم و احساس کردم که بالاخره در خانه هستم.

چیزی که در مورد این تجربه جدید قانع کننده بود این بود که هیجان انگیز نبود. هیچ پدیده تماشایی وجود نداشت: نه صحبت کردن با صدای خنده دار، نه چشمانی که به سمت سر می چرخند، هیچ کدام. فقط یک تغییر ساده، ظریف و در عین حال قابل تشخیص در من وجود داشت که به من امکان داد به بعد آگاهی که در جستجوی آن بودم دسترسی پیدا کنم. در طول سال ها، این حس عشق ثابت کرده

است که برای من قابل اعتماد است. هر زمان که بخواهم وارد این حالت شگفت انگیز شوم، تنها کاری که باید بکنم این است که دعا بخوانم.

من شروع به خواندن آکاشیک برای مشتریان شمنی خود کردم و برای دو سال بعد با هر دو سیستم کار کردم. تقریباً هر روز برای خودم قرائت می کردم و خواندن آکاشیک را برای هر کسی که اجازه می داد تمرین می کردم. احساس می کردم که توسط نور «گرفته» شده ام و به جهت و سمت دیگری رفته ام. چه برای خودم و چه برای شخص دیگری مطالعه کنم، حسی را که برای یافتن آن تلاش می کردم به دست آوردم. و چیزهای دیگری هم وجود داشت: سال های تحصیل برای من در حال جمع شدن بود. من نوشته های جوئل اس. گلداسمیت و آلیس بیلی و دیگران را بررسی کرده بودم و در نتیجه از نظر ذهنی برای مرحله بعدی سفرم آماده شدم. کلیساهای جدید فکری، علوم دینی و وحدت (همه درهایی که قبلاً باز کرده بودم) نیز کمک زیادی کردند. همه چیزهایی که تجربه کرده بودم و آموخته بودم در قلمرو جدیدم از من حمایت کرد. و همه چیز به حمایت از من ادامه می دهد! در سال ۱۹۹۵، من و لیزا به همراه پسر کوچکمان، مایکل، به شبه جزیره المپیک نقل مکان کردیم، با این باور که این خانه تا آخر عمر ما خواهد بود. ما آن را دوست داشتیم. زیبایی چشمگیر ما را در شهر بندری

ویکتوریایی عجیب پورت تاونسند احاطه کرده بود. آنجا در لبه نقشه در یک شهر هفت هزار نفری، تمرین من گسترش یافت.

جایی بود که مردم برای شفا می رفتند، بنابراین کار من در آنجا مورد استقبال قرار گرفت. اما سازگاری با حرکت و بزرگ کردن کودک نوپا برای من استرس زا بود. از اینکه کارم مورد قدردانی قرار گرفت، احساس خوشبختی کردم، اما لیست مشتریان من به سرعت در حال رشد بود و قابل کنترل نبود. دریافتم که هر هفته افراد زیادی را برای مشاوره می بینم که این موضوع نیز استرس زا شد. در نهایت، با وجود اینکه آن را دوست داشتم، انجام این کار بسیار تاثیر گذار بود و بعد از مدتی احساس کردم که دارم به هزار تکه می افتم. یک بار دیگر به دعا روی آوردم: «خدایا کمکم کن. به من نشان بده اینجا چه کار کنم.»

سپس، یک مکاشفه. من ناگهان فهمیدم که بسیاری از افرادی که برای مشاوره با **Akashic Records** به من مراجعه کردند، می توانند این کار را برای خودشان انجام دهند. هیچ دلیل واضحی وجود نداشت که آنها یاد نگیرند چگونه رکوردها را خودشان بخوانند. آموزش دادن به مردم چگونه این کار را برای خود و دیگران انجام دهند، راه حل روشنی برای معضل من شد. اگر مشتریان من بتوانند دسترسی به سوابق خود را بیاموزند، می توانند به خود کمک کنند تا قدرت معنوی خود را توسعه دهند. آنها می توانند از تکیه بر من به پیروی از راهنمایی های

روحانی خود برسند، که آنها را قادر می سازد رشد کنند و بالغ شوند. سپس آنها می توانستند زمانی که گیر کرده بودند یا به حمایت خارجی نیاز داشتند تا آنها را در سفر خود حرکت دهند، به سراغ من بیایند. هدف من پاس گل دادن بوده و هست دیگران در جست و جوی خود. کمک به آنها برای پیدا کردن راه خود به جای یافتن آن برای آنها. من هرگز به دنبال ایجاد وابستگی غیر ضروری به خودم نبودم و از این که به این راه حل رسیدم خیالم راحت شد.

من معتقدم که در یک جست و جوی معنوی، مسافت هایی وجود دارد که باید به تنهایی طی کنیم، و چالش ما این است که یاد بگیریم چگونه این کار را انجام دهیم. سپس مواقع دیگری وجود دارد که بهتر است از دیگران مشاوره بگیرید. در طول مسیر، از طریق آزمون و خطا، یاد می گیریم که چه زمانی به تنهایی پیش برویم و چه زمانی کمک بگیریم. و ما یاد می گیریم که در نهایت، ما اینجا هستیم تا به یکدیگر کمک کنیم.

پس تمام شد: دعای من مستجاب شد و من راه حل خود را داشتم. آموزش دادن به مشتریانم برای خواندن سوابق آکاشیک خود راهی برای توانمندسازی آنها برای حمایت از خود بود. سپس می توانم روی کار کردن با دیگرانی که به کمک شخص دیگری نیاز دارند، تمرکز کنم. در همان زمان، می توانم از دیدن دانش آموزان آکاشیک خود به

سمت یافتن مرجعیت معنوی خود لذت ببرم. عالی بود. و ... باید صبر کرد.

دریافت گواهی تدریس

اگرچه راهنمایی های درونی من، مرا تشویق می کرد که به سمت آموزش حرکت کنم، قدرت های موجود (چه انسانی و چه فراتر از انسان) بهترین کار را می پنداشتند که صبر کنند. من اهل صبر نیستم! اما من منتظر ماندم، زیرا به معلمی نیاز داشتم که به من کمک کند تا به سطح بعدی برسم، تا مرا در تمرین محکم کند تا بتوانم آن را به طور مؤثر پشت سر بگذارم. برای یک سال کامل دیگر، به مشاوره برای دیگران و شعبده بازی بقیه عمرم ادامه دادم. و در همان سال بود که با معلم مورد نیازم آشنا شدم.

من فهرستی از مدارک تحصیلی داشتم که معلم مناسب باید داشته باشد، و بسیار دقیق و مفصل بود. من از کسی که می ستایم، به او احترام می گذارم و از او لذت می برم، حمایت و راهنمایی می خواستم. همچنین کسی را می خواستم که با او آزاد باشم و صادق باشم و در کنارش احساس امنیت کنم، اما نقاط قوت من را تشخیص دهد.

همچنین در حالت ایده آل، این شخص هر آنچه را که می خواستم داشته باشد و بتواند به من آموزش دهد. یک روز مری پار کر از راه رسید و معلوم شد که او برای من چنین معلمی است.

به محض ملاقات با مری، راه رو به جلو باز شد و همه چیز به سرعت سر جای خودش قرار گرفت. مریم «دعای مقدس» دریافت کرده بود. یکی از راه‌هایی که مردم از سوابق آکاشیک استفاده می‌کنند، استفاده از «دعاهای مقدس» است. این دعاها به عنوان «کدهای دسترسی» به افراد داده شده است که آنها را قادر می‌سازد تا با موفقیت وارد، تجربه و خروج از سوابق شوند. این سنت دعای مقدس مبتنی بر الگوهای ارتعاشی کلمات و عبارات خاص است که با هم یک شبکه نور ارتعاشی (یک پل پرانرژی) به منطقه خاصی از سوابق آکاشیک ایجاد می‌کنند. هر دعا یک سیگنال در سطح روح منتشر می‌کند که با افرادی تماس می‌گیرد که با ارتعاش دعا طنین انداز می‌شوند. از آنجایی که آن افراد از نظر انرژی با آهنگ‌ها، نورها و صداها خاص آن دعا مرتبط هستند، در صورت تمایل می‌توانند از آن برای ارتباط با سوابق استفاده کنند. در حال حاضر افراد زیادی در ارتباط فعال با آکاشیک رکوردها هستند و از دعاهای مقدس مختلف با نتایج شگفت‌انگیز استفاده می‌کنند.

وقتی من و مری تلفنی همدیگر را ملاقات کردیم، بلافاصله یکدیگر را شناختیم و ترتیبی دادم که او به پورت تاونسند بیاید تا کلاس مقدماتی را تدریس کند. حداقل تصور می‌کردم که او تدریس می‌کند - اما نه.

آخر هفته فرا رسید، بیش از سی و پنج نفر در مرکز اجتماع جمع شدند... و او مرا جلوی کلاس گذاشت.

با برکت مری پارکر، گواهینامه تدریس آکاشیک رکوردها را با استفاده از دعای مقدس او دریافت کردم. مردم آمدند؛ کلاس ها اتفاق افتاد؛ و از طریق رکوردهای خودم، کارهای پیشرفته برای من آشکار شد. این زمان در زندگی من نمی توانست هیجان انگیز تر، سخت تر یا افسانه تر باشد. در اینجا راهی برای انتقال چیزی به دیگران وجود داشت که به آنها اجازه می داد به اقتدار معنوی خود دسترسی داشته باشند (روشی ساده، غیر نمایشی و قابل اعتماد برای حمایت از کسانی که به عنوان مسیر رشد آگاهی به این نور فراخوانده شده اند).

برای من بسیار مهم بوده است که به مردم پیاموزم که چگونه از نظر روحی مستقل و در عین حال متکی به خدا شوند. می دانم که مواقعی وجود دارد که باید از دیگران مشاوره بگیریم. در مسیر معنوی، ما با دوگانگی کار برای خود و اجازه دادن به دیگران به ما کار می کنیم. دانستن اینکه چه کاری باید در زمان انجام شود، یک مهارت بلوغ معنوی است. از سوی دیگر، غرق شدن در شک و تردید به خود، ناخوشایند ترین راه برای زندگی است. من اونجا بودم. در آن دوران که گیج و نا آرام بودم. به دنبال هدفم بودم، تلاش می کردم، آرزو می کردم که کسی به من بگوید هدف من چیست، خدا از من چه می

خواهد، کیهان از من چه انتظاری دارد. خیلی بد بود. اساساً من می‌خواستم شخص دیگری، الهام گرفته یا نه، به من بگوید که در این زندگی چه کسی باشم و چگونه باشم. ایده کشف آن چیزها، نور روز را از من ترساند. اگر خودم را اشتباه هدایت کنم چه می‌شود؟ این مسئله یک مسئولیت بود، واقعاً: اگر من به توصیه‌های دیگران عمل می‌کردم و کارها کار نمی‌کرد ... خب، این تقصیر آنها بود، نه من.

دعای مسیر

با گذشت زمان در پورت تاونسند، مشخص شد که خانواده ما برای محیط شهری مناسب تر هستند. با این حال، با اندوه فراوان بارها را جمع کردیم و به سمت غرب برگشتیم. وقتی به منطقه شیکاگو باز گشتم، کارم گسترش یافت. من افراد را دیدم و کلاس برگزار کردم. خواندن سوابق آکاشیک خودم به من امکان دسترسی به منابع گران بها را داد: کلاس‌ها، ایده‌ها و پیشنهادهایی درباره اجرای آنها. یکی از سوالات رانندگی من همیشه این بوده است که چگونه می‌توان هم از نظر روحی آگاه و هم مسئولیت پذیر در زندگی روزمره شرکت کرد، و این سوال هنوز هم نیاز به پاسخ داشت. من افراد بسیار زیادی را دیده بودم که یکی یا دیگری بودند. من به طور شهودی می‌دانستم که نیروی معنوی که پیدا کرده بودم برای دور کردن من از زندگی نیست، بلکه برای بهبود زندگی معمولی‌ام است. با گذراندن زمان در سوابق

خود، به دنبال راهنمایی در مورد این موضوع و همچنین بسیاری موارد دیگر بودم.

پس از چند سالی که در غرب میانه تدریس می کردم، یک تماس غیر منتظره از مری پار کر دریافت کردم. او به من گفت که در حال تغییر ساختار روابط خود با افرادی است که از دعای مقدس او برای آموزش سوابق آکاشیک استفاده می کردند. در حال حاضر من تجربه زیادی با Records داشتم و تغییرات زیادی که او تصمیم گرفته بود اعمال کند برای من منطقی نبود. متوجه شدم که نمی توانم ایده های او را در کارم بگنجانم، زیرا راهنمایی هایی که دریافت می کردم با او متفاوت بود، بنابراین به خاطر احترام به مریم و اصل و نسب او، و به احترام خودم، می دانستم که باید کنار بروم. من تدریس آکاشیک رکوردز را متوقف کردم و فقط به کارم با افراد ادامه دادم. انتقال سختی بود زیرا بخشی از من می خواست به جامعه ای که می شناختم تعلق داشته باشد. با این حال، هزینه تعلق بی احترامی به حقیقت معنوی خودم خواهد بود، و نادیده گرفتن راهنمایی های خودم.

برای هجده ماه بعد، من دعا کردم، گریه کردم، تعجب کردم، و در یک گرداب داخلی بزرگ حرکت کردم. در مرکز طوفان، با رابطه ام با خدای در کم مبارزه کردم. از آن مبارزه پایه و اساس آنچه من «طبقات خدا» نامیدم پدید آمد. اگر چه در ابتدا چیزی که من خلق کرده بودم روشی

سیستماتیک برای حل برخی از ایده های من در مورد خدا ارائه می داد، اما دیدم که این رویکرد می تواند برای دیگران سودمند باشد – و دلیل خوبی هم داشت. در آموزش سوابق آکاشیک، مشاهده کرده بودم که کسانی که با خدای خود راحت بودند، کارهای عمیق و غنی در سوابق انجام دادند. با این حال، کسانی که از خدای خود ناراحت بودند، کار سخت تری در رکوردها داشتند. بنابراین، کلاس های خدا به همه ما کمک کرد.

در تابستان ۲۰۰۱، در حالی که با عصبانیت برای کمک دعا می کردم، پیام مکرری دریافت کردم که باید رکوردهای آکاشیک را آموزش دهم! این جذاب بود. مدام به خدا می گفتم که این موضوع دور از ذهن است، اما این تصور مداوم من را رها نمی کرد. آخر هفته اول شهریور، در بحبوحه عصبانیت روحی، دعایی برایم آمد.

صدای غرغر من را شکست، و ذهنم در حالی که کلمات و ریتم بی سر و صدا بر فضا مسلط بود، ساکن شد. گفتن آن دعا مرا به قلمروی قدرتمند در رکوردها باز کرد، جایی که من قلبم نرم شد و ذهنم برای حمایت از قلبم به صف شد. من با دعای راه به مرحله جدیدی رفته بودم. فوق العاده بود.

بعد از اینکه دعای مقدس خود را از رکوردها دریافت کردم، با دستیارم، کریستینا، قراری گذاشتم تا صبح روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تلفنی

صحبت کنم. تصمیم گرفتم دعا را با او در میان بگذارم و واکنش او را نسبت به آن دریافت کنم. آن روز صبح وقتی صحبت می کردیم، برج های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در شهر نیویورک مورد اصابت قرار گرفت و بعد جدیدی از آگاهی برای میلیون ها نفر گشوده شد. بعداً در مورد این همگرایی شگفت انگیز حرف های بیشتری برای گفتن خواهم داشت، اما دوست دارم به دعای مسیری که دریافت کردم فکر کنم، که به من اجازه داد به قلب رکوردهای آکاشیک دسترسی پیدا کنم، به عنوان بیانی از ارتعاشات بالاتری که در آن روز منتشر شد.

من چیزهای زیادی برای یادگیری داشتم! دعای راه به شدت قلب را درگیر می کند، و این مستلزم آن است که تمرین کنندگان در کار درونی خود بسیار فعال باشند. هرچه قلب آنها شفاف تر و بازتر باشد، پیوند آنها با نور قوی تر است. هنگامی که قلب ها باز است، این دعا یک پورتال قابل دسترسی به سوابق آکاشیک ارائه می دهد. مشتاق بودم راهنمایی هایی را که از سوابق دریافت می کردم دنبال کنم، بنابراین به زودی مرکز مطالعات آکاشیک را راه اندازی کردم و کلاس هایی را در آنجا تدریس کردم (کلاس های زیادی). ایده ها و درک های جدید مدام از رکوردها به من می رسید، و من به بهترین شکل ممکن بر اساس آنها عمل کردم.

آنچه که برای من در مورد این مسیر خاص جالب توجه بوده است این است که شفقت و پذیرش غالب هستند. با هر مطالعه ای که انجام می دهم (برای خودم یا شخص دیگری) مقدار تازه ای از نور و عشق دریافت می کنم. ممکن است عجیب به نظر برسد، اما حقیقت دارد. این انرژی ها به من کمک کردند تا فراتر از طرد شدن از خود و رها کردن خود، به عشق به خود برتر رشد کنم. و با آگاهی بیشتر از عشق موجود در درونم، طبیعی است که بخواهم عشق بیشتری را با دیگران به اشتراک بگذارم.

در طول سال ها، مطالعه های زیادی با تمرین کنندگان از رشته های مختلف داشته ام. اخترشناسان، هاله خوانها، شهودی ها و کانال سازان همگی ایده های مثبت و مفید زیادی ارائه کردند. با این حال، من اغلب با همین مشکل در این قرائت ها مواجه می شدم. مهم نیست چه کسانی این را به من گفتند و از چه روش هایی برای پیشگویی استفاده میکردند. قاطعانه به من گفته می شد که اگر فقط «خودم را دوست داشته باشم» همه چیز خوب می شود. اصرار به انجام این کار، رسیدن به آن مکان در درون خودم را آسان تر نکرد. اگر چه می دانستم که آنها درست می گویند و در تمایلشان برای کمک به من صادقانه است، نمی دانستم چگونه حرف هایشان را به تجربه ای از پذیرش و احترام گذاشتن به خودم در آن زمان تبدیل کنم. اکنون، به لطف خدای بی

نهایت سخاوتمند و دوست داشتنی، امروز بیش از هر زمان دیگری به خودم عشق می ورزم و این را از طریق دسترسی به قلب سوابق آکاشیک که به من حس متمایزی داد. حس درک خوبی خودم، حس درک خوبی دیگران و از همه مهمتر حس دوست داشته شدن. آرزوی صمیمانه من این است که این کتاب شما را به منبع نوری که این ویژگی های شگفت انگیز از آن سرچشمه می گیرد هدایت کند: سوابق آکاشیک.

قدردانی ها

من همیشه همراهان فوق العاده ای در سفرم داشته ام. از تک تک افرادی که لحظه ای یا بیشتر را با من به اشتراک گذاشته اند، از صمیم قلب تشکر می کنم.

من می خواهم نور را بر روی گروه خاصی از افراد بتابانم.

بزرگ ترین تشکر من از جولیت لویه به خاطر هدایای نویسندگی اش، و برای حمایت از من در هنگام کشف چگونگی انتقال عشق و حکمت رکوردها از طریق نوشتن است. استعداد نویسندگی، مهارت های سازمانی، حس سرعت و توجه به جزئیات او شگفت انگیز است. به این هدایا، توانایی او برای لذت بردن از زندگی و تحسین برانگیزی را اضافه کنید. کار کردن ما با هم مایه برکت و ترقی شد.

از کریستینا کراس، دستیار دیرینه و دوست واقعی من، برای پاکی قلب، ذهن باز، صبر بی پایان، و بینش واقعی و همچنین حمایت و تشویق بی پایانش تشکر می کنم. من عمیق ترین قدردانی را از امتیاز و لذت کار مشترکمان دارم.

با تشکر از Jean Lachowicz که همیشه آنجاست، نترس و آماده کمک به هر طریق ممکن است. او پیگیر، مصمم و ثابت قدم است، چه در مواجهه با یک بحران یا ایجاد یک استراتژی بلندمدت. با یک حس شوخ طبعی. من برای همیشه از او تشکر می کنم.

با تشکر از مری براون برای حضور در زمان مناسب و ارائه نصایح منطقی به من.

با تشکر از لورا استایسیوناس برای دنبال کردن نور خود و نقل مکان به کلرادو.

با تشکر از کارول اشنایدمن که با من صادق بود.

با تشکر فراوان از مری و میشل برای کمک کامل در ساعت یازدهم

یک تشکر ویژه از دوست عزیزم، Shelia Leidy، پیامبری در زندگی من، برای حضور در تقاطع های مهم، تابش نور، و ایجاد فشار برای ادامه دادن.

از دوستان دانشجوی فوق العاده ام، به ویژه آن و امی، روندا، هما، تیم اس، کیم، پائولا، جو آن، جنیفر و جسیکا تشکر می کنم. با تشکر از گروه پورت تاونسند و سیاتل با مگی، سیلوان، لیندا، یوهانا و بقیه. به همه کسانی که در این راه قدم گذاشتند و تا زمانی که برایشان خوب بود در آن ماندند. من همه شما را دوست دارم.

برای یک عمر دوستی و حمایت، به لطف شارلوت، جو آن، مارلا، کی دی، گی، جورج اچ، دونا، جولی، مایک، استیون، تیموتی و هریت.

از همه خواهر و برادرهایم، تک تک، تشکر می کنم.

از همکاران باهوش و سخاوتمندم رابرت دوبیل، دیوید پوند، و داوید سیلور، یک میلیون سپاسگزارم.

در نهایت، به جفت روحی و شریک زمینی من، لیزا. عمیق ترین سپاسگزاری را دارم که با قدم گذاشتن در این راه و ماندن در آن، حفظ ایمان و تمرکز، و دانستن اینکه این کار همیشگی من است در کنارم بود. دوستت دارم. و به مایکل، شگفت انگیز ترین پسر جهان: تو یک هدیه بزرگ در زندگی من هستی. دوستت دارم.

با تشکر از همه شما

نحوه استفاده از این کتاب

من خوشحالم که راه خود را به این کتاب در مورد یادگیری خواندن سوابق آکاشیک پیدا کردید. من می توانم با اطمینان به شما بگویم که اگر تجربیات شما در سوابق چیزی شبیه تجربیات من و دانش آموزان من باشد، این اثر شما را غافلگیر خواهد کرد. به معنای واقعی کلمه: تصورات نادرستی که تا این لحظه در مورد جهان داشته اید را از بین خواهد برد. زندگی ترس ها و بهانه هایی که شما را از حرکت به جلو باز داشته اند را از بین می برد. و شما را وارد مکان جدیدی از درک، بینش، عشق و آرامش خواهد کرد. مکانی که به شما امکان می دهد زندگی خود و همه چیز در مورد آن را در آغوش بگیرید.

بنابراین، تبریک می گویم! در مقطعی، تصمیم عمدی گرفتید که ارتباط معنوی خود را عمیق تر کنید و تجربه خود را در این سیاره گسترش دهید. اکنون زمان مناسبی برای شروع است و این کتاب ابزار عالی شماست. این شامل برنامه درسی برای کلاس مقدماتی دو روزه من است و شما را در کل فرآیند یادگیری خواندن سوابق آکاشیک راهنمایی می کند. این کتاب به دو بخش تقسیم شده است: در بخش اول شما یاد خواهید گرفت که چگونه سوابق آکاشیک را بخوانید. بخش

دوم تکنیک ها و تمرین هایی را برای استفاده از رکوردها برای شفای خود و دیگران ارائه می دهد.

همان طور که با این کتاب کار می کنید، احتمالا برخی از بخش ها را فقط یک بار می خوانید. با این حال، بخش های دیگر به مکان هایی تبدیل می شوند که بارها از آن بازدید می کنید. به هر حال شما انتخاب می کنید که از این کتاب چقدر استفاده کنید، انبوهی از این اطلاعات در این کتاب ارائه شده بنابراین لطفا حداقل یک بار آن را تا آخر بخوانید.

من از صمیم قلب امیدوارم که از این کتاب استفاده گسترده ای بکنید. که فرصت معنوی را پیش روی خود قرار دهید تا امتحانی منصفانه داشته باشید. با کتاب به عنوان راهنمای خود، می توانید نور را به روش هایی دنبال کنید که قبلا در خواب هم نمی دیدید.

و اکنون، سفر ما آغاز می شود

شروع با مدیتیشن

مایلم از این فرصت استفاده کنم و ورود شما را به بعد جدید دانش معنوی خوش آمد بگویم به شما خوش آمد . این بعد آنقدر ظریف است (با چنان ارتعاش سبک و سریع) که در واقع باعث تغییر انرژی در آگاهی شما می شود. همان طور که این تغییر رخ می دهد، به شما این امکان را می دهد که از روش عادی و روتین خود خارج شوید تا بتوانید به چیزهای خارق العاده دسترسی پیدا کنید - رابطی با الهی! برای تسهیل این تغییر در آگاهی، هر یک از کلاس های ابتدایی خود را با مدیتیشن شروع می کنم. این مدیتیشن به ما کمک می کند تا خود را در یک ستون پرانرژی از نور مستقر کنیم که با عشق ما را ثابت نگه می دارد تا وارد کارمان شویم. پس لطفا برای خود یک صندلی راحت در یک اتاق ساکت پیدا کنید. صاف بنشینید، پشتتان صاف و پاهایتان روی زمین باشد. سپس مدیتیشن زیر را با سرعتی که برای شما راحت است بخوانید.

مدیتیشن افتتاحیه : ستون نور

همان طور که با پاهایتان صاف روی زمین است و روی صندلی نشسته اید، درک کنید که کجا هستید و بدن شما کجاست....

دستان خود را بهم بمالید . حالا گرندینگ کنید و اجازه دهید انرژی از دل سیاره زمین به بدن شما و به سمت بالا جریان پیدا کند . از طریق پاهایتان وارد شود ... به تنه برود ... به گردن تان ... و در نهایت به سمت جمجمه تان . اجازه دهید انرژی به پوشش جمجمه شما فشار بیاورد.

در حالی که هنوز دستان خود را به هم می مالید، ممکن است متوجه شوید که انرژی از بازوها و دستان شما عبور کرده است. در حال حاضر، دستان شما باید گرم باشد. از آنها برای پاکسازی هاله خود استفاده کنید (میدان انرژی اطراف بدن شما). بدن خود را به طور فیزیکی پاک کنید، هر گونه ارتعاشی را که مال شما نیست از روی خود یا اطرافتان پاک کنید. آن را به زمین بفرستید، جایی که می تواند جذب و تبدیل شود. سپس، وقتی کارت‌تان تمام شد، کف دستانتان رو به بالا در دامن خود یا روی تکیه گاه های صندلی قرار دهید.

اکنون به خود اجازه دهید از منبع بی نهایت قدرتمند و دوست داشتنی نور آگاه شوید که همیشه وجود دارد و حدود هجده اینچ (حدود ۴۵ سانت) بالای سر شما معلق است... هر چه بیشتر از نور آگاه می شوید، فعال تر می شود و و بصورت بارانی به جلو، پشت، در هر دو طرف شما می بارد. نور هر چیزی را که بر روی شما یا اطرافتان است که در توانایی شما برای تجربه خوبی هایتان اختلال ایجاد کند پاک می کند.

همان طور که نور از سر تا پا حرکت می کند، زیر پاهای شما جمع می شود و شروع به متورم شدن می کند. شروع به ایجاد یک سکوی نور برای شما می کند که شما را در این مکان، در این زمان نگه می دارد. پاهای شما را نمی بندد، اما آنها را نگه می دارد و حمایت می کند. سپس نور شروع به پر کردن میدان انرژی شما می کند. این یک فضای تخم مرغی شکل است که در تمام اطراف شما، حدود هجده اینچ در هر جهت (جلو، پشت و در هر دو طرف) گسترش می یابد. نور شروع به پر کردن آن فضا می کند .. تا قوزک پا ... زانو ... باسن ... تا سرشانه ها و بالای سر ، به طوری که اکنون در داخل یک اتاق از ستون نور نشسته اید.

اکنون یک لحظه وقت بگذارید تا نور کار خود را روی شما انجام دهد. اولاً، نور با خاصیت مغناطیسی طبیعی خود، هر چیزی را که از شما پشتیبانی نمی کند، از شما می گیرد: هر درد جسمی، استرس یا ناراحتی که وجود دارد. هرگونه آشفتگی عاطفی، نگرانی، یا هرج و مرج؛ و از ذهن شما، هر فکری که ممکن است شما را بترساند یا شما را ناراحت کند. نور می تواند همه این ها را از شما بگیرد. این می تواند هر چیزی را که در تجربه آرامش درونی همیشه حاضر شما تداخل داشته باشد، از شما بیرون بکشد. شما مجبور نیستید به نور بگویید که چه کاری انجام دهد. نور یک هوش بی نهایت است که دقیقاً می داند

شما در این لحظه به چه چیزی نیاز دارید. فقط بذار کار خودش رو انجام بده.....

و در حالی که نور از طریق ماهیت مغناطیسی خود هرچه متعلق به شما نیست را از شما می کشد، در عین حال با طبیعت تابشی خود، خود را به درون شما می تابد. و همان طور نور از هر زاویه ممکن به شما تابش می کند (از جلو، عقب ، بالا ، پایین ، دو طرف از کنار) و همان طور از مرز پوست شما می گذرد، نور دقیقا همان چیزی می شود که شما نیاز دارید. بنابراین اگر آنچه شما نیاز دارید شجاعت است، نور همان خواهد شد. شاید شما به راحتی نیاز دارید. نور به آن تبدیل خواهد شد. خودتان را باز کنید تا نور را مشاهده کنید زیرا به آنچه نیاز دارید تبدیل می شود و هر نیاز لحظه ای را برآورده می کند. چند لحظه وقت بگذارید تا این اتفاق بیفتد...

در حال حاضر باید در حالت تعادل معقول و آماده برای حرکت رو به جلو باشید. توجه خود را به این لحظه برگردانید و سپس به خواندن ادامه دهید.

بخش اول : نحوه خواندن سوابق آکاشیک

فصل اول : مقدمه ای بر رکوردهای آکاشیک

سوابق آکاشیک چیست ؟

سوابق آکاشیک بُعدی از آگاهی است که حاوی رکورد ارتعاشی از هر روح و سفر آن است. این بدنه ارتعاشی آگاهی در همه جا به طور کامل وجود دارد و در همه زمان ها و مکان ها کاملاً در دسترس است. به این ترتیب، سوابق مجموعه ای از دانش تجربی هستند که شامل هر چیزی است که هر روحی تا به حال در طول وجودش فکر، گفته و انجام داده است، و همچنین تمام احتمالات آینده اش.

بیایید تعریف فوق را به بخش های کوچکتر تقسیم کنیم و با معنای بعد آگاهی شروع کنیم. بعد آگاهی قلمرویی از جهان غیب است که ما انسان ها می توانیم آن را از طریق کیفیت ها، ویژگی ها یا صفات آن شناسایی و تجربه کنیم. به عنوان مثال، حالت رویا بعد از آگاهی شامل سطوح مختلف فعالیت خواب است که انسان می تواند آن را شناسایی و تجربه کند. ابعاد دیگر آگاهی را می توان به عنوان «مناطق» مختلف ذهن ، هشیار و ناخودآگاه، منطقه حافظه، مناطقی از توانایی های موسیقی یا ریاضی و مناطقی از مغز که بر توانایی های فیزیکی ما حاکم است، شناسایی کرد. ابعاد دیگر هوشیاری حالت های مختلف

آرامش است که با فعالیت مغز اندازه گیری می شود. وجه مشترک همه این ابعاد آگاهی این است که اگر چه دیده نمی شوند، اما می دانیم که وجود دارند.

در فرآیند دسترسی، یا «باز کردن» به سوابق آکاشیک، ما از حالت آگاهی معمولی انسانی به حالت آگاهی جهانی الهی که در آن یگانگی خود را با الهی در همه سطوح تشخیص می دهیم، تغییر می کنیم. این حالت هوشیاری به ما امکان می دهد تا تأثیرات و ارتعاشات رکوردها را درک کنیم. به این ترتیب، سوابق در تمام زمان آشکار شدن به بشریت خدمت کرده اند، زیرا حالتی غیر عادی هستند که از طریق آن می توانیم اشراف الهی را با سرعتی قابل کنترل دریافت کنیم و آن را در تجربه انسانی خود ادغام کنیم. به دلیل این ادغام، می توانیم به معنای واقعی کلمه بگوییم که دسترسی به آکاشا به ما اجازه می دهد تا نگاهی اجمالی به بهشت روی زمین داشته باشیم!

حال، به معنای آکاشا. مقدمه ای بر انجیل آکواریایی عیسی مسیح توسط لوی اچ. داوولینگ شاید بهترین توصیف این کلمه را داشته باشد:

آکاشا یک کلمه سانسکریت است و به معنای ماده اولیه است که همه چیز از آن تشکیل شده است. این اولین مرحله از تبلور روح است. این آکاشیک یا ماده اولیه از ظرافت بسیار خوبی برخوردار

است. آنقدر حساس است که کوچکترین ارتعاشات یک اتر در هر مکانی در کیهان تأثیری محو نشدنی بر آن می گذارد.

وقتی در مورد آکاشا، ماده اولیه صحبت می کنیم، به انرژی در اولین و اولیه ترین حالت آن اشاره می کنیم. قبل از اینکه توسط افکار فردی ما هدایت شود و تحت تأثیر احساسات ما در این زندگی قرار گیرد. این انرژی از نظر جسمی و روحی کیفیت نور است. این یک کیفیت از سرزندگی است که منحصر به عنوان روح های خاص فردی است.

اگر چه آکاشا یک کلمه سانسکریت است، سوابق آکاشیک در بسیاری از متون مقدس ذکر شده است. در زیر چندین مرجع ذکر شده است:

- ... سپس گفتم: «اینک، من می آیم. در کتاب از من نوشته شده است: ای خدای من از انجام اراده تو لذت می برم. آره. قانون تو

در قلب من است.» (کتاب مقدس (مزمور ۴۰:۷-۸)

- ... سپس گفتم: «اینک، خدایا، من می آیم تا اراده تو را انجام دهم... تا آنچه را که در کتاب درباره من نوشته شده است، به

انجام برسانم.» (کتاب مقدس / عبرانیان ۷:۱۰)

- شما تمام اعمال من را به دقت بررسی کرده بودید، همه در کتاب شما ثبت شده بود، روزهای من فهرست و تعیین شده بود، حتی قبل از وقوع اولین آنها. (کتاب مقدس اورشلیم جدید / مزمور

(۱۳۹:۱۶)

• ... کتابی که در آن اعمال خوب و بد مردان ثبت شده است، کتاب زندگی. (کتاب مقدس اورشلیم جدید / مکاشفه ۱۲:۲۰)

• و عیسی معنای راه پنهان و نفس مقدس و نوری را که از بین نمی رود، برای شاگردان باز کرد. او به همه آنها درباره کتاب زندگی، رول های گرافائل، کتاب خدا گفت. جایی که تمام افکار و سخنان مردان نوشته می شود. (انجیل دلو عیسی مسیح / ۴-۱۵۸:۳)

سوابق آکاشیک بدن نوری خود آگاهی جهانی است. به این ترتیب، آنها حاوی آگاهی جهانی با سه جزء اصلی آن یعنی ذهن، قلب و اراده هستند. سوابق همچنین شامل ارتعاشات تابشی نور است که همه چیز ایجاد می کند. هر بار که به رکوردها دسترسی پیدا می کنیم، آگاهی ما تحت تأثیر این کیفیت نور قرار می گیرد و ما از آن «روشن» می شویم. وقتی این اتفاق می افتد، تأثیرات نور در افکار و احساسات ما (و در مشتریانمان) آشکار می شود و احساس آرامش و رفاه بیشتری را تجربه می کنیم. رکوردهای آکاشیک توسط گروهی از موجودات نورانی غیر فیزیکی به نام اربابان رکوردها اداره و محافظت می شوند. این موجودات ایمنی و یکپارچگی رکوردها را تضمین می کنند. آنها نه تنها تعیین می کنند که چه کسی می تواند به سوابق دسترسی داشته باشد بلکه تعیین می کنند چه اطلاعاتی را می تواند دریافت کند. Lords

of the Records با استادان، معلمان و عزیزان کار می کند که به عنوان رابط بین قلمروهای آکاشیک و زمینی عمل می کنند. با ارائه و بارگذاری عزیزان منتقل می کنند.

اگر چه ارباب سوابق و اربابان آکاشیک موجوداتی غیر فیزیکی هستند، برخی از معلمان و همه عزیزان به عنوان انسان روی زمین وجود داشته اند. هنگامی که در رکوردهای آکاشیک کار می کنید، هرگز اربابان رکوردها را نخواهید دید، و نه معلمان و عزیزان را همان طور که در قالب انسان وجود داشتند، نمی بینید، اما اگر معلم یا عزیزی مناسب و نیاز ضروری برای ارائه و انتقال اطلاعات خاص باشد ممکن است حضور پر انرژی آنها را احساس کنید. با این حال، معمولاً استادان، معلمان و عزیزان ترجیح می دهند ناشناس بمانند تا ما یاد بگیریم که به انرژی رکوردها تکیه کنیم تا هویت های خاص در رکوردها.

در فصل ۳، من با جزئیات بیشتری در مورد نقش ارباب رکوردها و استادان، معلمان و عزیزان صحبت خواهم کرد. همان طور که ممکن است از توضیحات قبلی حدس زده باشید، با این حال، کار در آکاشیک رکوردها مستلزم درک و پذیرش مفهوم تناسخ است. از دیدگاه سوابق، همه ارواح ابدی هستند. در این سطح از درک، سوابق بایگانی هر روح را نگه می دارند، آن گونه که در طول هر حیات در هر بار در زمین بوده اند. تجسم انسان به عنوان تجلی خاصی از طرح کامل روح رخ

می دهد. ایده تجربه انسانی این است که در جسم فیزیکی به خود کامل تبدیل شود که از قبل در آکاشا در سطح روح وجود دارد. رشد کردن به آگاهی از ماهیت معنوی خود و توانایی تثبیت این آگاهی در جسم و تبدیل شدن به آن خود بهینه در صفحه زمین زمان می برد. (در واقع عمرهای زیادی)

در رکوردها، ما قادریم تجسم های مختلف خود را بینیم و ثبت کنیم. بنابراین، در اصل، سوابق آکاشیک هم طرح کاملی در سطح روح و هم فهرست تجربیات یک روح فردی است که به عنوان یک موجود روحانی، در طبیعت الهی و در عرصه فیزیکی ظاهر می شود، نسبت به خود آگاهی پیدا می کند.

«درمان سنتی اغلب برای یادگیری و مشکلات اساسی مورد نیاز است، اما زمانی که فرد آماده حرکت فراتر از پایه به موارد خارق العاده است، سوابق آکاشیک به مراتب از قدرت درمان سنتی من فراتر می رود. بسیار سپاسگزارم که این ابزار قدرتمند و هیجان انگیز را در اختیار دارم تا شناخت خود را افزایش دهم و به من کمک کند تا تبدیل به فردی شوم که برای آن به دنیا آمده ام.»

کاترین

به راحتی می توان درک کرد که چرا آکاشا اغلب «سوابق» نامیده می شود. آکاشا به گونه ای سازماندهی شده است که به ما انسان ها اجازه می دهد تا با این منبع معنوی تعامل داشته باشیم و در زمان و مکان زمینی بینش، راهنمایی و درک به دست آوریم. برای اینکه سوابق در دسترس ما باشد، آنها با نام های قانونی فعلی سازماندهی شده اند. به این ترتیب، در هر عمری که باشیم، می توانیم وارد شویم و طرح اولیه یا «کارنامه» روح فردی خود را بیاییم و مسیر تحقق آن را بررسی کنیم.

در حالی که این درست است که سوابق آکاشیک هر روح در همه جا به یکباره وجود دارد و کاملاً قابل دسترسی است، دسترسی کامل به سوابق روح در طول یک خواندن آکاشیک مفید نخواهد بود. اطلاعات به قدری گسترده و طاقت فرسا خواهد بود که رمز گشایی آن تقریباً غیر ممکن خواهد بود و می تواند بیشتر از اینکه فایده داشته باشد، ضرر داشته باشد.

هر نامی کیفیت ارتعاشی مشخصی دارد، بنابراین وقتی رکوردهای روح خاصی را باز می کنیم، از نامی استفاده می کنیم که روح در حال حاضر در این زندگی استفاده می کند. سپس ارتعاش آن نام «مجموعه رکوردها» را در اختیار ما قرار می دهد که حاوی اطلاعاتی است که در طول خواندن بیشتر مرتبط هستند. جای تعجب نیست که رکوردهای

آکاشیک به یک «اینترنت کیهانی» تشبیه شده است که به ما امکان می دهد وقتی رکوردهای شخصی را باز می کنیم، اطلاعات خاصی را «گوگل» کنیم.

انرژی رکوردها بر روی کلمه تشکیل شده یا گفتاری حرکت می کند. همان طور که یک خواننده آکاشیک آنچه را که از سوابق دریافت می کند توصیف می کند، روند جریان دارد. کلمات گفتاری حرکت انرژی، ارتباط با داستان در دست، و افکار، احساسات و اقدامات بعدی مشتری را تسهیل می کند. هنگامی که در سوابق خود کار می کنید و کلماتی را به آنچه در حال وقوع است اختصاص می دهید (چه از طریق فکر، نوشتن یا گفتار) جریان انرژی و اطلاعات را تسهیل می کنید.

رکوردهای آکاشیک همیشه در حال تغییر و گسترش هستند. همان طور که روح ما در طول زمان تکامل می یابد، سوابق ما تنظیم می شود تا رشد ما را منعکس کند و در حالت اصلاح مستمر قرار می گیرد زیرا ما با کمال خود هماهنگ می شویم و آن کمال را در زندگی زمینی خود آشکار می کنیم. بنابراین، می توانیم به رکوردها به عنوان بدنه ای واسط همه احتمالات، احتمالات گذشته، حال و آینده نگاه کنیم. از طریق آنها می توانیم درک و جهت به دست آوریم، همان طور که در سفر خود برای تبدیل شدن به خود بهینه خود در دنیای فیزیکی باز می شویم.

رکوردهای آکاشیک غیر مداخله ای و غیر تهاجمی هستند. آنها با شخصیت یا موجودیت خاصی همسو نیستند، و نه تحت اداره یا مالکیت هیچ سازمان یا نهاد انسانی قرار دارند. بنابراین، آنها در انحصار هیچ دین یا مکتب مابعد الطبیعی و حکمتی نیستند، بلکه برای همه در دسترس هستند.

از آنجا که آکاشا ماده اولیه ای است که همه افکار از آن شکل می گیرند، سوابق به روش های مختلف توسط فرهنگ ها، مذاهب و نظام های اعتقادی سازمان یافته متفاوت تفسیر می شوند. آنچه عموماً مورد توافق همه است، خود انرژی آکاشیک است که به صورت عشق، نور، صلح، قدرت، زیبایی، هماهنگی، شادی، قدرت، نظم و تعادل آشکار می شود و به طور کلی شناخته می شود.

چه کسی از رکوردهای آکاشیک استفاده می کند و چرا؟

برای قرن ها، اسناد آکاشیک در انحصار عرفا، قدیسان و علما بود و به درستی هم چنین بود. قدرت و حکمت نامحدود در سوابق موجود است، و آنها به کسانی سپرده شده است که به خوبی برای مسئولیت شناخت عمیق آماده هستند. در سنت های شرقی و غربی، مکاتب اسرار آمیز وجود داشته است که سالکان را برای دانش باطنی آماده می کند. آموزش ها برای اطمینان از قداست کار، سخت گیرانه و دقیق شناخته می شدند و از بعد آگاهی محافظت می کردند.

با این حال، زمان تغییر کرده است. آگاهی جمعی نوع بشر در حال رشد، تکامل و بلوغ بوده است. در این روند، بشریت از عصر وابستگی به «والد» معنوی به استقلال و مسئولیت معنوی حرکت کرده است. این استقلال معنوی توسط افرادی مشخص می شود که بدانند به منبع معنوی خود دسترسی مستقیم دارند و از استقلال خود برای پرورش آن رابطه استفاده کنند. امروزه افراد بیشتری نسبت به قبل به سمت نور خود کشیده می شوند. امروزه، هر کسی که تعهد آگاهانه به جستجو و گسترش نور الهی و شفا دارد، می تواند به این مجموعه حکمت، بصیرت و راهنمایی دسترسی پیدا کند.

در اواسط قرن بیستم، ادگار کیس (۱۸۷۷-۱۹۴۵) تنها کسی بود که اسناد آکاشیک را به طور عمومی مطالعه کرد. او به عنوان «پیامبر خفته» شناخته می شد زیرا روش او برای دسترسی به سوابق این بود که خود را در حالت خواب قرار دهد که به او اجازه می داد آگاهی خود را تغییر دهد و به آکاشا دسترسی پیدا کند. در این حالت، کیس اطلاعات را منتقل می کرد در حالی که شخص دیگری یادداشت برداری می کرد. پس از بیدار شدن، به حالت هوشیاری معمولی خود برگشت و چیزی از آنچه اتفاق افتاده بود به یاد نیاورد.

به مدت چهل و سه سال، کیس روزانه کتاب های Akashic Records را مطالعه می کرد. امروزه این قرائت ها (بیش از چهارده

هزار مورد) در دسترس عموم است و اطلاعات زیادی در مورد خود سوابق آکاشیک و همچنین پاسخ به هزاران سؤال مرتبط با سلامت و معنویت ارائه می دهد. آنچه امروز در مورد کار کیس برای ما مهم است این است که او رکوردهای آکاشیک را محبوب کرد. اگر چه خداشناس H.P. بلاواتسکی (۱۸۳۱-۱۸۹۱) و رودولف اشتاینر، انسان شناس (۱۸۶۱-۱۹۲۵) در نوشته های خود به سوابق آکاشیک اشاره کردند، تا زمانی که کار کیس در اوایل تا اواسط قرن بیستم بود که خواندن سوابق آکاشیک به یک روش آشنا در جنبش تبدیل شد.

رشد آگاهی

امروزه هزاران نفر روابط قدرتمندی با رکوردهای آکاشیک دارند. در حالی که برخی از افراد صرفاً برای رشد و توسعه شخصی خود در پرونده خود کار می کنند، برخی دیگر از سوابق خود برای حمایت از تلاش های هنری مانند عکاسی، سفالگری، نقاشی، نوشتن و آهنگسازی استفاده می کنند. افراد تجاری از سوابق برای کمک در مدیریت شرکت ها با مشاغل خود استفاده می کنند و والدین از سوابق برای راهنمایی و حمایت در فرزندپروری استفاده می کنند.

زمانی که کودک بودم درباره ادگار کیس مطالعه کردم، اما تا زمانی که تجربه ای نزدیک به مرگ داشتم، کسی به من توصیه کرد که کتاب آکاشیک رکوردز را مطالعه کنم. من تجربیات خارج

از بدن را تجربه کرده بودم، و به دنبال چیزی می گشتم که به من لنگر بزند (یک فضای امن). بعد از آن خواندن، خودم خواندن رکوردها را یاد گرفتم. رکوردها مجری کوچک من شده اند.

روندا

چگونه مردم به سوابق آکاشیک دسترسی پیدا می کنند؟

انواع روش هایی که امروزه مردم برای دسترسی به سوابق آکاشیک استفاده می کنند، با انواع روش های ارتباط با منابع معنوی مطابقت دارد. فرآیند دعای مسیری که در این کتاب ارائه می دهیم، بخشی از سنت دعای مقدس دسترسی به سوابق است. در این سنت، افراد از طریق ارتعاشات نور و صوتی کلمات گفتاری راه خود را به سوابق می یابند. دعاهاى مختلفی که مردم ایجاد کرده اند مانند «رمپ های دسترسی» هستند که به مناطق مختلفی از رکوردها منتهی می شوند. در حالی که برخی از مردم از دعا برای دسترسی به سوابق استفاده می کنند، برخی دیگر از طریق هیپنوتیزم به آن دسترسی پیدا می کنند و بعضی دیگر توانسته اند با استفاده از نمادهای شفابخش معروف به ریکی به رکوردها دست یابند. و بله، کسانی هستند که در نتیجه تمرین های مدیتیشن و سایر اشکال رشد آگاهی، توانسته اند به سوابق دسترسی پیدا کنند.

همه راه های ارتباط آگاهانه با سوابق آکاشیک خوب و معتبر هستند. آنچه در مورد روشی که انتخاب می کنید اهمیت دارد این است که با شخصیت شما مطابقت دارد و به شما امکان می دهد تا به راحتی مؤثرترین خواندن ممکن را تجربه کنید. با مطالعه این کتاب، شما به فرآیند دعای مسیر برای دسترسی به قلب سوابق آکاشیک هدایت شدید زیرا این روش خاص می تواند برای شما کارساز باشد. اگر این روش منبع مؤثری برای شما نبود، به این روش هدایت نمی شدید. پس آرام باشید. شما در مسیر درستی هستید. وقتی آماده برداشتن اولین گام های خود برای باز کردن رکوردهای آکاشیک خود هستید، توسط الهی هدایت و حمایت خواهید شد. پس از همه، جهان در کنار شماست و برای موفقیت شما برنامه ریزی می کند!

از طریق کارم به عنوان معلم و خواننده رکوردها، آموخته ام که اکثر افرادی که جذب فرآیند دعای مسیر راه شده اند، در زمان های قبلی تجربیاتی با انرژی سوابق آکاشیک داشته اند. با این حال، این ها ممکن است «تصادفی» بوده باشند و به راحتی قابل تکرار نباشند، بنابراین رکوردها منبع معنوی قابل اعتمادی برای آنها نبوده است. با این حال، استفاده آگاهانه و عمدی از فرآیند دعای مسیر (که در واقع یک رمز معنوی است) به شما اجازه می دهد بر این فرآیند احاطه داشته باشید، بنابراین می توانید هر زمان که بخواهید به سوابق دسترسی داشته

باشید. در اصل، استفاده از Pathway Prayer راهی برای دسترسی آگاهانه خود و دیگران به سوابق می دهد.

مسئولانه، مستقیم و به میل خود و این در تاریخ بشر بی سابقه است. یکی از دوستانم مرا تشویق کرد که سوابق آکاشیکم را بخوانم، اما می ترسیدم. من بالاخره قرار ملاقات گذاشتم زیرا یک سوال بزرگ در مورد کارم داشتم (کار خلاقانه ام). آن خواندن زندگی من را تغییر داد. من اکنون استودیوی خود را دارم و با خلاقیتیم در ارتباط هستم.

هما

در حالی که رکوردهای آکاشیک همیشه در دسترس بوده است، اما همیشه در دسترس همه نبوده است. در عوض، رکوردها مدت هاست که حوزه گروهی بسیار منتخب بوده است که از طرف خود یا از طرف جوامع خود با آکاشا تعامل می کردند. وقتی از عصر جدید در رابطه با سوابق آکاشیک صحبت می کنیم، در مورد این واقعیت صحبت می کنیم که این زمانی است که افراد سکولار منابع خود، از جمله رکوردها را انتخاب می کنند و راه های معنوی خود را طی می کنند. دوران ناپختگی روحی، «قاشق خوری» ظلم معنوی و قربانی شدن به پایان رسیده است. ما در زمان جدیدی هستیم که می آموزیم چگونه با اقتدار

معنوی خود در ارتباط آگاهانه باشیم. صد سال پیش این امکان وجود نداشت. در واقع، این امر می تواند رسوایی تلقی شود. جالب است که حتی امروزه کتاب های زیادی در مورد سوابق آکاشیک در گردش نیست. حتی قابل توجه تر این واقعیت است که این کتاب اولین در نوع خود است، زیرا در واقع روشی صریح برای خواندن سوابق آکاشیک را آموزش می دهد.

در نیمه دوم قرن بیستم، چند کتاب پدید آمد که سوابق آکاشیک را شناسایی و توصیف کرد. ظهور آنها با اولین مرحله آموزش آگاهی توده ها در مورد وجود رکوردها و پتانسیل آنها به عنوان یک منبع معنوی مصادف شد. در مرحله اول من خواندن دو کتاب را توصیه می کنم .

اولین مورد توسط رابرت چانی، بنیانگذار بنیاد آستارا، یک مکتب مابعد الطبیعی حکمت در کالیفرنیا است. کتاب او، سوابق آکاشیک: زندگی های گذشته و مسیرهای جدید، رکوردهای آکاشیک را به یک سیستم کامپیوتری تشبیه می کند و از اصطلاحات کامپیوتری برای بحث در مورد عناصر مختلف رکوردها استفاده می کند.

کتاب دوم توسط کوین تودسکی از انجمن تحقیقات و روشنگری (A.R.E) است، سازمانی که کار ادگار کیس را مطالعه و ترویج می کند. کتاب تودسکی، ادگار کیس در مورد سوابق آکاشیک: کتاب زندگی، چشم انداز روشن کننده ای درباره نحوه کار کیس در رکوردها،

انواع اطلاعاتی که در حین خواندن دریافت می کرد و نحوه استفاده از آن اطلاعات ارائه می دهد.

در میان کتاب هایی که اخیراً منتشر شده اند، من یک کار جدید هیجان انگیز به نام علم و میدان آکاشیک: نظریه ای انتگرال همه چیز توسط فیزیکدان اروین لازلو را توصیه می کنم. این کتاب رویکردی علمی برای شناسایی و تأیید وجود سوابق آکاشیک یا «فیلد A» دارد. دلیل اینکه من این کتاب را در مورد نحوه خواندن سوابق آکاشیک نوشتم این است که ابزاری را در اختیار شما قرار دهم که بتوانید در دستان خود نگه دارید، چیزی که می توانید از آن برای پیشبرد مسیر معنوی خود استفاده کنید. این زمان است. این زمان ما در تاریخ است، و ما مردم هستیم (پیشگامان عصر جدید) افرادی که مسئولیت آگاهی معنوی خود و رابطه آگاهانه خود با خدای درک شده خود را بر عهده می گیرند. این کانال به روش قدیمی نیست. به عنوان خوانندگان آکاشیک، ما با اجازه می دهیم تا انرژی رکوردها در بدن، قلب و ذهن ما، «کانال» شود. ما انرژی و اطلاعات را مستقیماً از آکاشا دریافت می کنیم، نه از موجودات یا شخصیت هایی از ابعاد دیگر.

وقتی برای اولین بار باز کردن رکوردهای خودم را تجربه کردم، احساس کردم کاملاً در نور احاطه شده ام و می دانستم که در

خانه هستم. بسیار قدرتمند بود. یکی دو دقیقه طول کشید تا جا بیفتد.

نانسی

همان طور که قبلا اشاره کردم، اکثر افرادی که برای خواندن یا کلاس های آکاشیک به من مراجعه می کنند در سطحی عمیق، قبلا با رکوردها آشنا شده اند. آنها به یک انگیزه درونی پاسخ می دهند که اکنون زمان آن است که در رشد معنوی خود فعال و آگاه باشند. رکوردها همیشه با مردم در جایی که هستند ملاقات می کنند. تنها زمانی جذب این کتاب خواهید شد که زمان یادگیری خواندن رکوردها فرا رسیده باشد. ممکن است وقتی شروع به خواندن رکوردها می کنید متوجه شوید که آنها برای شما آشنا هستند. خودتان را درست در جایی که نیاز دارید می بینید.

چگونه به سوابق آکاشیک در این کتاب دسترسی خواهیم داشت؟

در این کتاب از فرآیند دعای مسیر برای دسترسی به قلب سوابق آکاشیک استفاده خواهیم کرد. همان طور که در پیشگفتار اشاره کردم، در سپتامبر ۲۰۰۱ توسط استادان، معلمان و عزیزان آکاشیکم دعای راه به من داده شد و من آن را برای اولین بار با دستیارم کریستینا به اشتراک می گذاشتم. من معتقدم که این دعا راهی را به قلب پرونده

ها باز می کند که جایگاه عشق بی قید و شرط درون است. بدن خرد آکاشیک.

چرا از دعا برای دسترسی به سوابق آکاشیک استفاده کنیم؟ از آنجایی که آنها در قلمرو روح وجود دارند، یک موجود «روحانی» در نظر گرفته می شوند، بنابراین این حوزه خاص آگاهی به بهترین وجه از طریق عمل معنوی دعا به دست می آید. به عنوان یک رویکرد معنوی، دعا تمام وجود ما را در بر می گیرد: شامل فرآیند ذهنی هدایت و تمرکز افکارمان، عمل فیزیکی بیان آن ها، و پاسخ عاطفی است که ما نسبت به پیام یا درخواست خود احساس می کنیم. این چیزها با هم ترکیب می شوند تا یک تجربه معنوی ایجاد کنند که از طریق آن به زمان و مکان دسترسی پیدا می کنیم و با روح الهی تماس آگاهانه برقرار می کنیم. بنابراین حتی اگر در هنگام دعا احساس معنویت نکنیم، خود این عمل، تصدیق حقیقت معنوی و تمایل به زندگی و عمل از آن مکان در آن زمان است.

در طی چندین سال گذشته، با آموزش فرآیند دعای مسیر به صدها دانش آموز، مشاهده کرده ام که آنها از آن برای ایجاد یک بعد جدید و بالاتر از آگاهی استفاده می کنند (نه تنها برای خودشان)، بلکه برای کسانی که سوابق شان را می خوانند. این یک روند هیجان انگیز و معجزه آسا بوده است که اثرات آن در سراسر سیاره محسوس است. و

اکنون من هیجان زده هستم که بتوانم فرآیند دعای مسیر را به شما
ارائه دهم.

فصل دوم : دستورالعمل ها و قوانین اساسی برای خواندن سوابق آکاشیک

در این فصل من برخی از دستورالعمل ها را بیان می کنم که کار شما را در دسترسی به سوابق تسهیل می کند. این ها به شما کمک می کنند تا برای روشنگرانه ترین تجربیات ممکن آماده شوید. آنها مهربانی و احترام در ارتباطات، استفاده مسئولانه از زمان و روش های مناسب تر کيب سوابق با سایر سیستم های معنوی را تشویق می کنند. دستورالعمل ها همچنین پیشنهادهایی برای فرمول بندی سؤالات شما قبل از مطالعه ارائه می دهند و انواع اطلاعاتی که ممکن است دریافت کنید و همچنین نحوه دریافت آنها را شرح می دهند.

من این دستورالعمل ها را از چند منبع مختلف، از جمله مری پارکر، گردآوری کرده ام. استادان، معلمان و عزیزان آکاشیک خودم. و تجربیات من در هنگام آموزش خواندن سوابق به دیگران. در طی سال ها دریافته ام که روش هایی برای کار در رکوردها وجود دارد که از خواندن دقیق تر و مؤثرتر پشتیبانی می کند، و این اطلاعات را به شما منتقل می کنم تا بتوانید در عمل خود موفق باشید.

چگونه باید برای خواندن سوابق آکاشیک آماده شوم؟

روشی که برای زندگی انتخاب می کنید هیچ تاثیری بر توانایی شما برای دسترسی به سوابق آکاشیک ندارد. با این حال، تصمیم گیری در مورد بهترین راه برای نزدیک شدن به خواندن سوابق آکاشیک یک موضوع آگاهانه و عمدی است که نیاز به انتخاب های آگاهانه دارد. دستورالعمل های زیر به شما کمک می کند تا انتخاب هایی داشته باشید که به شما امکان می دهد مسئولانه در رکوردها کار کنید. آنها تغییر شما را به میدان آگاهی آکاشیک تسهیل می کنند و از شما در دریافت اطلاعات تا حد امکان واضح و قوی حمایت می کنند. اگر چه من این دستورالعمل ها را به عنوان راهی برای آماده شدن برای مطالعه دنبال می کنم، اما به هیچ وجه از شما نمی خواهم سبک زندگی شخصی خود را تغییر دهید و دستورالعمل ها را روزانه دنبال کنید. برای مثال، اگر دوست دارید الکل بنوشید، این کاملاً انتخاب شماست. من فقط به شما می گویم که بیست و چهار ساعت قبل از خواندن از استفاده از الکل خودداری کنید. اولین دستورالعمل زیر توضیح می دهد که چرا این مهم است.

رهنمودهایی برای خواندن سوابق آکاشیک

۱. به مدت بیست و چهار ساعت قبل از باز کردن رکوردها از مصرف مواد مخدر تفریحی یا الکل خودداری کنید.

درک کلی در مورد داروها این است: اگر داروی تجویزی مصرف می کنید که بدن شما برای تعادل و بهبودی به آن نیاز دارد، آن دارو با توانایی شما در خواندن سوابق تداخلی نخواهد داشت. با این حال، مواد مخدر یا الکل تفریحی در خواندن بر علیه شما کار می کنند، زیرا میدان انرژی شما را به خطر می اندازند و لبه های آن را «لرزنده» یا لرزان می کنند و این باعث تحریف درک شما می شود. به این فکر کنید که وقتی خود را در یک آینه خانه سرگرم کننده می بینید چه اتفاقی می افتد: تصویر دقیقی از خود نمی بینید زیرا آینه درک شما را مخدوش می کند. اگر چه در تحریف شده از واقعیت ممکن است در محیط های خاص قابل قبول باشد، اما مناسب نیست. در طول خواندن سوابق آکاشیک، که در آن هدف خواننده افشای حقیقت است.

۲. هنگام باز کردن سوابق خود از نام قانونی فعلی خود استفاده کنید.

هر نامی یک ارتعاش انرژی منحصر به فرد دارد. استفاده از ارتعاش نام قانونی فعلی شما چیزی است که به شما امکان می دهد به سوابق خود دسترسی داشته باشید. استفاده از نام کامل خود (بطور مثال کسی که اسمش سوزت جوآن بیلی است نباید سوزی بیلی، سوزی جو بیلی، یا سوزی جی بیلی استفاده کند) امکان خواندن عمیق تر و غنی تر را فراهم می کند. هنگامی که نام خود را به طور قانونی تغییر می دهید

(مثلا در مورد ازدواج یا طلاق)، ارتعاش خود را در سوابق آکاشیک تغییر می دهید و همچنین مسیر زندگی خود را تغییر می دهید. بنابراین از نامی استفاده کنید که در اسناد قانونی شما وجود دارد، حتی اگر نامی نباشد که هر روز استفاده می کنید. اگر در این مورد ابهامی وجود دارد، از خود این سوال را بپرسید که «IRS چگونه من را می شناسد؟» این دستورالعمل همچنین زمانی اعمال می شود که شما رکوردهای آکاشیک را برای دیگران می خوانید.

۳. مسئول زمان خود در سوابق باشید.

به خصوص زمانی که برای اولین بار به حضور در رکوردها عادت می کنید، مهم است که زمان کافی را در طول مطالعه صرف کنید تا به آگاهی خود اجازه دهید کاملا تغییر کند. این تغییر به شما این امکان را می دهد که به طور محکم در زمینه آکاشیک «تثبیت» کنید و اطلاعات را تا حد امکان واضح دریافت کنید. بین پانزده دقیقه تا یک ساعت در رکوردها زمان مناسبی برای صرف کردن است. هر چیزی کمتر از پانزده دقیقه کمتر شبیه به خواندن آکاشیک است و بیشتر شبیه یک اوراکل سریع در قلمرو یک سوال بله یا خیر است. (به بخش چه نوع سؤالاتی در سوابق آکاشیک بهترین جواب می دهد؟» مراجعه کنید تا انواع سؤالاتی را که در طول خواندن آکاشیک به بهترین نحو

کار می کنند و توضیحی در مورد اینکه چرا سؤالات بله یا خیر به اندازه «چگونه» مؤثر نیستند، مراجعه کنید.)

۴. پس از هر مطالعه گرندینگ کنید.

هنگامی که از سوابق آکاشیک خارج می شوید، یا «به آن نزدیک می شوید»، آگاهی شما به دیدگاه انسانی تان باز می گردد. برای اینکه با این تغییر کنار بیایید باید کاری انجام دهید: یک لیوان آب بنوشید. صورتت را بشوی. یه لقمه بخور برو بیرون و درختی را در آغوش بگیر. با پای برهنه راه بروید یا هر چیزی که برای شما بهتر است و با شرایط شما سازگار است. دلیل گرندینگ این است که آگاهی خود را به لحظه حال برگردانید و خود را کاملاً از محیط اطراف خود آگاه کنید. دو تکنیک زمینی که برای من خوب جواب می دهد، بردن سگم به پیاده روی و بیرون آوردن سطل زباله است. هر دوی این روش ها از من می خواهند که خواندن را رها کنم و در کاری که انجام می دهم حاضر باشم.

۵. هنگام ترکیب رکوردهای آکاشیک با هر سیستم دیگری، همیشه هر دو روش را رعایت کنید.

و برعکس، اگر دستورالعمل ها و رویه های یک سیستم خاص با دستورالعمل های خواندن سوابق آکاشیک مغایرت دارد، از این دو

سیستم با هم استفاده نکنید. در اینجا یک مثال آورده شده است: شما به فکر باز کردن رکوردهای خود در حین شرکت در Ritual Z هستید که باید قارچ های توهم را بخورید. اما شما می دانید که قبل از باز کردن درب باید بیست و چهار ساعت قبل از این کار از الکل و مواد مخدر خودداری کنید. از آنجایی که رویه های Ritual Z با این دستورالعمل ها در تضاد است، این سیستم ها را جداگانه تمرین کنید.

رهنمودهایی برای خواندن سوابق آکاشیک برای دیگران

۱. قبل از باز کردن سوابق یک شخص، اجازه او را بگیرید.

رکوردهای شخص دیگر را فقط زمانی باز کنید که او از شما این کار را بخواهد. همیشه توجه داشته باشید که قرائت آکاشیک «فقط با دعوت» است، بنابراین به مردم نگوئید که به خواندن نیاز دارند یا وقتی از این ایده ناراحت هستند، آنها را مجبور به رضایت نکنید. بدانید که این به هر شخص بستگی دارد که تصمیم بگیرد آیا مطالعه داشته باشد یا نه. حتی زمانی که به نظر می رسد که روح یا خود برتر شخص مشتاق مطالعه است، اگر آن انسان نتواند یا نخواهد درخواست مطالعه کند، در این صورت زمان بندی مناسب نیست و انجام خواندن نیز درست نخواهد بود.

۲. محرمانه نگه داشتن اطلاعات اشخاص دیگر را حفظ کنید.

اگر علاقه مند به خواندن آکاشیک برای افراد دیگر هستید، احتمالا از قبل نسبت به نیازهای آنها حساسیت طبیعی دارید به خصوص نیاز به حریم خصوصی. بنابراین مطمئنا شما به ماهیت محرمانه این اثر احترام می گذارید و در مورد خواننده های دیگران بحث نمی کنید. مانند همه چیز، قانون طلایی در اینجا نیز صادق است: با دیگران همان کاری را بکنید که دوست دارید با شما انجام دهند. اگر همیشه در حال مطالعه هستید، به ویژه از این دستورالعمل قدردانی خواهید کرد.

۳. تمام اطلاعاتی را که به دست می آورید تا حد امکان مثبت، مهربانانه و محترمانه ارائه دهید.

هدف از هر مطالعه، عزت و تعالی شخص خواننده شده برای آشکار کردن خود واقعی و پتانسیل آن شخص است. با ملایمت و با احترام همه چیزهایی را که استادان، معلمان و عزیزان یک فرد آشکار می کنند به اشتراک بگذارید حتی اگر باعث ناراحتی شما شود، بی اهمیت به نظر برسد یا برای شما منطقی نباشد. گاهی اوقات چیزی که شما از گفتن آن خودداری می کنید دقیقا همان چیزی است که یک شخص بیشتر به شنیدن آن نیاز دارد.

۴. سوابق افراد کمتر از هجده سال را باز نکنید.

هر فرهنگی تعریف خاص خود را از بزرگسالی کودک دارد. در ایالات متحده، بزرگسالی به طور کلی به عنوان سن هجده سال شناخته می شود. روند دعای مسیر به هنجارهای فرهنگی ایالات متحده احترام می گذارد زیرا این مکان منشاء این سیستم است. تا زمانی که فرزندان به سن هجده سالگی نرسند، مسئولیت قانونی بر عهده والدین یا قیم آنها است و مجاز به انتخاب برای خود نیستند. از آنجایی که خواندن آکاشیک مستلزم آن است که افراد مسئولیت اعمال خود (و کارما) را بپذیرند، کودکان باید تا هجده سالگی صبر کنند تا مطالعه کنند. با این حال، این بدان معنا نیست که والدین نمی توانند پرونده خود را باز کنند و در مورد تربیت فرزندان خود سؤال بپرسند. اطلاعات ارزشمندی در مورد اینکه چرا فرزندان ما در زندگی ما هستند، چگونه می توانیم به بهترین شکل از رشد آنها حمایت کنیم و چه درس هایی می توانیم از روابط خود با آنها بیاموزیم، در دسترس است. (گاهی از من می پرسند که آیا باز کردن سوابق یک نوجوان هفده و نیم ساله «بلوغ» اشکالی ندارد؟ صبر کنید تا هجده ساله شوند.)

توصیه هایی برای سی روز اول

هنگامی که شما متعهد می شوید که فرآیند دعای مسیر را یاد بگیرید، دوره شروع شما شروع می شود و وارد یک «دوره مهلت سی روزه انتقالی» می شوید. بنابراین، اگر به سادگی این کتاب را باز کنید، دعا

را بخوانید و شروع به استفاده از آن کنید، ممکن است به نتایج آنی که می خواهید نرسید. با این حال، اگر برای خواندن کل کتاب وقت بگذارید و تصمیم بگیرید که طبق دستورالعمل ها و قوانین اصلی آن کار کنید، مطمئناً وارد منطقه لطف خواهید شد که از تلاش شما حمایت پرانرژی خواهد کرد.

پس از خواندن دستورالعمل ها و قوانین اساسی، ممکن است تصمیم بگیرید که هنوز آماده باز کردن رکوردهای Akashic خود نیستید. اشکالی ندارد انتقال سی روزه زمانی شروع می شود که تصمیم بگیرید رکوردها را امتحان کنید. شما می دانید که تلاش منصفانه برای شما چه معنایی دارد، و این تصمیم شماست. گاهی زندگی شما به توجه کامل شما نیاز دارد و نمی توانید تمرینات را ادامه دهید. نگران نباشید به سادگی تمرینات را رها کنید تا زمانی که مجدداً احساس آمادگی کردید. و فکر کردید می توانید برای شروع دوباره آماده شوید. آن موقع مهلت سی روزه شما نیز دوباره آغاز خواهد شد. در طول این مدت، اربابان رکوردها به آرامی شما را راهنمایی می کنند تا راه خود را در این قلمرو معنوی جدید هیجان انگیز باز کنید.

در همان روزهای اولیه، هنگامی که شروع به خواندن برای دیگران می کنید، دستورالعمل های زیر به کاهش اضطراب شما کمک می کند.

به مدت سی روز پس از اینکه خواندن سوابق آکاشیک را یاد گرفتید

۱. خواندن آکاشیک را به دیگران ارائه دهید.

هنگامی که یاد گرفتید به رکوردهای آکاشیک دسترسی پیدا کنید، سریع ترین راه برای راحت خواندن این است که تا آنجا که می توانید تمرین کنید. بنابراین، در این مدت سی روزه، به جای اینکه منتظر بمانند که از او سؤال شود، فقط خواندن کتاب جایز است. به مردم بگویید که به تازگی خواندن رکوردها را یاد گرفته اید و بپرسید که آیا می توانید روی آنها تمرین کنید. اگر موافق باشند که مطالعه کنید، عالی است. اگر تردید کردند یا نه گفتند، این را به عنوان نشانه خود در نظر بگیرید: توقف کنید. آنها را به حال خود رها کنید. از یکی دیگه بپرس.

۲. برای خواندن آکاشیک خود پول نگیرید.

ارائه خواندن رایگان برای سی روز اول به شما این امکان را می دهد که هنوز در حال یادگیری هستید و خواندن شما ممکن است کامل نباشد. این رویکرد به شما عرض جغرافیایی برای کشش و رشد می دهد و هر گونه «فشار برای عملکرد» را کاهش می دهد. وقتی شروع به دریافت هزینه برای خواندن خود کردید، حتما از استادان، معلمان و عزیزان خود بپرسید که چه هزینه ای برای شما مناسب است.

۳. خواندن خود را با سیستم ها یا رشته های دیگر مخلوط نکنید.

قبل از اینکه کار آکاشیک خود را با هر سیستم دیگری ترکیب کنید، مهم است که بدانید رکوردها چیست و همچنین چه کاری انجام می دهند. در غیر این صورت، ممکن است نتوانید تشخیص دهید کدام تمرین کدام نتیجه را ایجاد می کند. (یعنی، «قبل از اینکه نوشیدنی را مخلوط کنید، باید بدانید در هر بطری چه چیزی وجود دارد» پس اول به خواندن با یک روش کاملاً آشنا شوید سپس ترکیب با روش های دیگر را انجام دهید).

چه نوع سؤالاتی در سوابق آکاشیک بهتر جواب داده می شود؟

یکی از مهم ترین کلیدهای خواندن دقیق و قدرتمند این است که بدانید چه نوع سؤالاتی باید بپرسید. برخی از سؤالات اطلاعات زیادی از سوابق به دست می آورند، در حالی که برخی دیگر اطلاعات کمی دارند یا اصلاً اطلاعاتی در اختیار شما قرار نمی دهند یا اطلاعات مورد نظر شما را به دست نمی آورند. بنابراین وقتی شروع به فرمول بندی سؤالات خود می کنید، در اینجا سه دستورالعمل وجود دارد که باید دنبال کنید.

۱. از سؤالاتی که با کی شروع می شوند خودداری کنید.

زمان در رکوردها مهم نیست زیرا رکوردها جاودانه هستند. آنها در همه جا، به یکباره، و همیشه در اینجا و اکنون وجود دارند. بنابراین استادان، معلمان و عزیزان آکاشیک شما به پارامترهای مکان و زمان زمینی مقید نیستند. بنابراین، پرسیدن یک سوال پیش بینی کننده در مورد اینکه چه زمانی اتفاقی می افتد، پاسخی را که می خواهید به شما نمی دهد و حتی ممکن است در نهایت احساس ناامیدی کنید، مانند سؤال زیر که توسط داستان خیالی امری مارگارت» مطرح شده است.

مری مارگارت: استادان، معلمان و عزیزان، چه زمانی عشق زندگی خود را پیدا خواهم کرد؟

البته، پاسخی که مری مارگارت می خواهد و انتظارش را می کشد، چیزی قابل اندازه گیری و قطعی است، مانند: «در سه ماه آینده عشق زندگی تان را خواهید یافت.» با این حال، از آنجایی که استادان، معلمان و عزیزان در زمان زمینی کار نمی کنند، آنها پاسخی قابل اندازه گیری و قطعی به او نخواهند داد. در عوض، آنها ممکن است اینگونه پاسخ دهند:

MTLOs: مری مارگارت، بعد از اینکه شوهر سابق خود را ببخشید و یک بار برای همیشه او را آزاد کنید، عشق زندگی خود را خواهید یافت.

روی کاغذ شما الان سه سال است که از شوهر سابقتان طلاق گرفته اید . شوهر سابقتان رفت و شخص دیگری را پیدا کرد. ولی شما در ذهن و قلبتان هنوز آن رابطه را از طریق خشم و عصبانیت خود حفظ می کنید، و این باعث گیر کردن شما میشود. لطفا همه کسانی که درگیر هستند را ببخشید و به جلو حرکت کنید. هر چه زودتر بتوانید این کار را انجام دهید، زودتر آزاد خواهید شد و زودتر می توانید عشق و رابطه جدیدی پیدا کنید که شما را پرورش دهد و بر آورده کند.

اما مری مارگارت اصلا از این جواب راضی نیست!

مری مارگارت: چی؟ نه !!! این جوابی که من پرسیدم نیست! این چیزی نیست که من می خواهم بشنوم. من در مورد خودم نپرسیدم از عشق زندگیم پرسیدم و اینکه کی قراره پیداش کنم....

شما این ایده را دریافت می کنید: سؤالات مربوط به زمان و پیش بینی در آکاشیک رکوردها به خوبی کار نمی کنند به خصوص زمانی که حل مسئله مورد نظر ممکن است بیش از یک عمر طول بکشد!

۲. از سؤالاتی با پاسخ بله یا خیر اجتناب کنید.

سؤالاتی که نیاز به پاسخ بله یا خیر دارند نیز در سوابق به خوبی کار نمی کنند زیرا نتیجه در نهایت به شما بستگی دارد. این با انتخاب ها و شرایط زندگی شما تعیین می شود. در اینجا مثال دیگری است، این بار با داستان تخیلی «توماس».

توماس: این هفته یک کار جدید به من پیشنهاد شد. باید بپذیرم؟

توماس اکنون انتظار یک پاسخ ساده تک کلمه ای دارد: بله یا خیر. با این حال، اساتید، معلمان و عزیزان پاسخ متفاوتی در ذهن دارند. این بر اساس دانستن آنها است که برای اینکه توماس واقعا راضی باشد، تصمیم باید با او باشد، نه آنها. توماس باید به درونش نگاه کند تا مشخص کند که او کیست، و همچنین اینکه چه نوع کاری را دوست دارد. سپس او باید مزایا و معایب ذاتی شغل فعلی و آینده جدید خود را در نظر بگیرد. سپس او باید تصمیم بگیرد که کدام شغل با اهداف و نیازهای او مطابقت دارد. پس از بررسی دقیق همه آن عوامل، توماس در نهایت پاسخ خود را خواهد داشت و در آن نقطه، او برای دانستن اینکه چه کاری باید انجام دهید نیازی به کمک خارجی نخواهد داشت. بنابراین، توماس به جای اینکه از استادان، معلمان و عزیزانش بله یا نه بشنود، ممکن است چیزی شبیه به این را بشنود:

MTLOS: خوب ... چرا در وهله اول به این شغل فکر می کنید، و اگر آن را انتخاب کنید چه اتفاقی می افتد؟ بیایید فرصت های شغل جدید را برای مدتی بررسی کنیم و سپس آنها را با واقعیت های شغل فعلی خود بسنجیم. اول، در مورد شغلی که به شما پیشنهاد شده است: برخی از مزایای استفاده از آن چیست؟ برخی از معایب چه خواهد بود؟ الزامات شغلی چگونه با توانایی ها و علایق فعلی شما مطابقت دارد؟ آیا آنها با نیازهای فعلی شما مطابقت دارند؟ آیا با آنها از اهداف آینده خود حمایت کنید؟ حالا بیایید به شغل فعلی شما نگاه کنیم..

این کلمات بسیار بیشتر از بله یا نه است. با این حال، دوباره این ایده را دریافت می کنید: سوالات بله یا خیر در رکوردها به خوبی کار نمی کنند. آنها با سپردن فرآیند تصمیم گیری و در نهایت، نتیجه در دستان دیگران، قدرت مردم را کاهش می دهند. اما سوابق آکاشیک با کمک به افراد در بررسی یک موقعیت، دیدن آنچه درست است، و سپس تصمیم گیری برای خودشان، قدرت می دهد. به عبارت دیگر، هیچ باید در سوابق وجود ندارد. استادان، معلمان و عزیزان شما دیدگاه شما را گسترش می دهند و به شما کمک می کنند تا گزینه های خود را بسنجید، اما آنها به جای شما نمی گیرند یا به شما نمی گویند که چه

کاری باید انجام دهید. مثل همیشه، آنها مسئولیت را در جایی که به آن تعلق دارد با شما می گذارند.

چالش ما به عنوان انسان در این سیاره این است که تا جایی که می توانیم در لحظه حال زندگی کنیم. وقتی روی نقطه ای در آینده تمرکز می کنیم یا به شخص دیگری اجازه می دهیم به ما بگوید اوضاع چگونه باید پیش برود، نه در لحظه ای خاص حضور داریم و نه مسئول خودمان هستیم. اما وقتی به دنبال دیدگاه استادان، معلمان و عزیزان هستیم، آنها به ما کمک می کنند خودمان را قدرتمند کنیم تا در هر لحظه آن چیزی باشیم که باید باشیم. ارائه حقیقت، اطلاعات و پشتیبانی نقش سوابق آکاشیک است. بنابراین اگر واقعا به یک پاسخ مربوط به زمان نیاز دارید، پیشگویی هایی مانند روشن بینان، کارت خوان ها و اخترشناسانی وجود دارند که می تواند کمک کند. و اگر به پاسخ بله یا خیر نیاز دارید، شاغول به خوبی کار می کند.

۳. به سؤالاتی بچسبید که به چیستی، چرایی یا چگونه پاسخ می دهند.

سؤالاتی که در رکوردها بهترین کار را دارند معمولا با چه، چرا یا چگونه شروع می شوند. به عنوان مثال، به جای اینکه بپرسید «جفت روح من چه زمانی ظاهر می شود؟» یا «آیا باید با شریک زندگیم بمانم؟» یک یا چند سوال زیر را امتحان کنید:

- چرا من و شریکم با هم هستیم؟
- قرار است چه چیزی را بیاموزیم؟
- مزایا و یا معایب با هم بودن ما در این زمان چیست؟
- رابطه ما تیره / شکسته غیر قابل جبران است. چه اتفاقی افتاد که اینطور شد؟

- چه چیزی را نمی بینم و چرا آن را نمی بینم؟
- چگونه می توانم دیدگاه خود را تغییر دهم و آنچه را که باید ببینم ببینم؟

- در حال حاضر برای یافتن آرامش، بخشش و شفا چه کاری می توانم انجام دهم؟
- وقتی برای اولین بار رکوردهای آکاشیک خود را باز می کنم چه انتظاری باید داشته باشم؟

هیچ دو نفر هنگام باز کردن رکوردهای خود برای اولین بار تجربه یکسانی ندارند، بنابراین بهتر است با کمترین انتظارات ممکن وارد تجربه خود شوید. حالا، با گفتن این موضوع، اجازه دهید در مورد چند چیز به شما بگویم که می توانید انتظار داشته باشید!

اولین چیزی که در حین دسترسی به سوابق خود اتفاق می افتد این است که در حالی که دعای مسیر را می گوئید، از آگاهی عادی انسانی خود خارج شده و به آگاهی جهانی الهی منتقل خواهید شد. هنگامی

که رکوردهای خود را برای اولین بار باز می کنید، ممکن است به هیچ وجه این تغییر را احساس نکنید. اما مطمئن باشید تا زمانی که دعا را تمام کردید، جابجایی اتفاق افتاده است. همان طور که در مقدمه نوشتم، این تغییر دراماتیک نخواهد بود، و شامل پدیده های عجیب و هیجان انگیز نخواهد بود. بدون صحبت با صدای خنده دار، هیچ چشمی در سر نمی چرخد، هیچ موجودی وارد نمی شود و مسئولیت را به دست نمی گیرد، نه اینکه خود را در این فرآیند رها کنید. این فقط شما خواهید بود، همان طور که همیشه هستید، همان طور که همیشه صحبت می کنید. تنها تفاوت در چیزی است که شما می گوئید، زیرا شما اطلاعاتی را از میدان آکاشیک دریافت خواهید کرد که یک بعد انرژی متفاوت است.

در این مرحله، ممکن است تعجب کنید که آیا انرژی «منفی» یا موجودات «تاریک» می تواند وارد آگاهی شما شود یا در حالی که شما در رکوردهای آکاشیک هستید به شما متصل شود. پاسخ من به شما بی هیچ تردیدی منفی است. همان طور که وقتی دعا را توضیح می دهم متوجه خواهید شد، شما فقط نیروهای نور را فرا می خوانید و فقط روح القدس خدا را دعوت می کنید. پس این قدرت آن نور الهی و روح القدس است که شما را از هر چیزی که به شدت از نور نیست حمایت و محافظت می کند. آیا نور را احساس خواهید کرد؟ شایدم

نه. اما باز هم، مطمئن باشید که در فرکانس شتاب دار و نادر آن محکم نگه داشته شده اید و مطلقاً چیزی برای ترس ندارید.

چه نوع اطلاعاتی را دریافت خواهیم کرد و چگونه آنها را دریافت خواهیم کرد؟

هنگامی که افراد به رکوردهای آکاشیک دسترسی پیدا می کنند، انواع اطلاعات را دریافت می کنند. با این حال، همیشه یک وجه اشتراک مهم وجود دارد. هیچ گاه پاسخ هایی که شما را تحقیر کند باعث به سخره گرفتن شما شود و یا شما را قضاوت کند بدست نمی آورید. اگر زمانی که در سوابق هستید شروع به احساس قضاوت کردید، بدانید که این قضاوت از جانب شما می آید و از اساتید، معلمان و عزیزان کمک بخواهید تا جوهر واقعی روح خود را به عنوان یک موجود روحانی الهی به شما نشان دهند.

در مورد نحوه به دست آوردن اطلاعات، ممکن است متوجه شوید که وقتی برای اولین بار پرونده های خود را باز می کنید، اطلاعات را تنها به یک روش دریافت می کنید. مثلاً ممکن است فقط رنگ ها را ببینید با کلماتی را بشنوید. با این حال، پس از قرار گرفتن مکرر در رکوردها، توانایی شما برای ثابت ماندن در نور خواهد بود افزایش خواهد یافت و می توانید اطلاعات را به یکی از روش های زیر دریافت کنید:

- ممکن است اطلاعاتی را در ذهن خود «بشنوید». این ممکن است شامل کلمات، عبارات یا یک روایت طولانی تر باشد که یکی از دانش آموزان من آن را «جریان های صوتی» می نامد. و این جرین های صوتی برای هر کس منحصر به فرد است. و از فردی به فرد دیگر تغییر می کند. حتی لحن آن نیز متفاوت است بنابراین گاهی اوقات لحن آنها رسمی است و گاهی اوقات غیر رسمی. گاهی لحن آنها جدی است و گاهی طنز. گاهی اوقات آنها با استعاره صحبت می کنند و گاهی اوقات بسیار تحت اللفظی هستند. و گاهی اوقات آنها از روش سقراطی استفاده می کنند (به سؤالات شما با سؤالات بیشتری پاسخ می دهند تا زمانی که به پاسخی برای خود برسید). با این حال، همیشه دلسوز هستند. آنها با عدم قضاوت عینی خدمت می کنند و در عین حال رشد و شفای روح شما را تسهیل می کنند.
- ممکن است چیزها را در چشم ذهن خود «بینید». ممکن است رنگ ها، هاله ها یا میدان های انرژی را ببینید. تصاویر، نمادها یا اشکال؛ یا «استریم ویدئو» از یک رویداد خاص.
- ممکن است احساسات عاطفی یا فیزیکی مختلفی را در بدن خود تجربه کنید. مثلاً این ها ممکن است شامل گزگز، هیجان، گرما یا سرما باشد. اگر احساس ناخوشایندی را تجربه کردید، فقط آن

را تصدیق کنید. بدانید که نمی تواند به شما آسیب برساند یا بر شما تأثیر بگذارد، و در اطرافتان نخواهد ماند. از اساتید، معلمان و عزیزان تشکر می کنیم که این اطلاعات را در اختیار شما قرار دادند. به آنها اطلاع دهید که پیام را دریافت کرده اید؛ و از آنها بخواهید که این احساس را متوقف کنند.

در حال حاضر شما یک نمای کلی از دستورالعمل ها و قوانین اساسی برای باز کردن رکوردهای آکاشیک، و همچنین برخی اطلاعات در مورد راه هایی که ممکن است از آنها اطلاعات دریافت کنید، دارید. اکنون به فصل ۳ می رویم که حاوی توضیح کاملی از فرآیند دعای مسیر برای دسترسی به قلب سوابق آکاشیک است. همچنین حاوی اطلاعات بیشتری در مورد آنچه که باید هنگام باز کردن رکوردهای خود برای اولین بار انتظار داشته باشید. اما قبل از شروع خواندن این فصل، لطفاً چند لحظه به آنچه تاکنون خوانده اید توجه کنید و تصمیم بگیرید که آیا این کار برای شما مناسب است یا خیر.

اگر فکر می کنید که کار کردن در رکوردها هرگز برای شما مناسب نخواهد بود، لطفاً این کتاب را به شخص دیگری که مایل به کشف رکوردها است بفرستید. اگر می خواهید روزی در Records کار کنید اما احساس می کنید که زمان مناسبی نیست، کتاب را کنار بگذارید تا برای شروع دوباره آماده شوید. اگر در حال حاضر احساس آمادگی

می کنید که در رکوردز کار کنید، از شما دعوت می کنم با قلبی باز و ذهنی باز به خواندن ادامه دهید. همان طور که اشاره کردم، کار در Records یک تصمیم کاملا شخصی است. فقط شما می دانید که چه نوع تمرین هایی به بهترین وجه از رشد معنوی و اقتدار شما حمایت می کند و چه زمانی برای آنها آماده هستید. Lords of the Records این را کاملا درک می کنند و به تصمیمات شما احترام می گذارند.

فصل سوم : فرآیند دعای مسیر

فرآیند دعای مسیر برای دسترسی به قلب سوابق آکاشیک روشی است که به شما امکان می دهد در رابطه آگاهانه با سوابق آکاشیک باشید تا آگاهی معنوی خود را توسعه دهید. همان طور که از نام آن پیداست، یک «مسیر» ارتعاشی است که توسط کلمات و صداهای دعا ساخته شده است. این دعای مسیر به عنوان یک پل پرانرژی، یک مسیر مستقیم برای دسترسی به قلب رکوردهای آکاشیک عمل می کند.

همان طور که دعای افتتاح را به زبان می آورید، ارتعاشات پرانرژی ناشی از صداهای کلمات و عبارات خاص آن، پلی از نور می سازد که به شما امکان می دهد با خیال راحت از آگاهی عادی انسانی خود به آگاهی جهانی الهی تغییر مکان دهید. سپس بعد، همان طور که دعای پایانی را به زبان می آورید، آگاهی شما به عقب برمی گردد تا زمانی که دوباره «خود قدیمی خود» شوید.

از روزی که دعای مسیر را از سوابق آکاشیک خود دریافت کردم، هرگز نترسیدم. من هیچ ترسی از کاوش یا آزمایش دعا یا فرآیند دعای مسیر بر روی خودم یا دانش آموزان آکاشیکم نداشته ام. من همیشه تعهد عمیقی برای به اشتراک گذاشتن هرگونه منابع معنوی که برای من، دانش آموزان و مشتریانم مفید بوده است داشته و دارم. من معتقدم

که دعای راه به من رسید، زیرا حاضرم آن را تا جایی که می توانم ببرم تا ببینم چه خیری از آن حاصل می شود. من می دانم که ترکیب شخصی من از کنجکاوی و تمایل به خدمت، من را به یک نامزد احتمالی تبدیل می کند. با این حال، من همچنین می دانم که اگر فرصت را رد می کردم، دعا به شخص دیگری داده می شد، زیرا اکنون زمان رشد بشریت است که قلب جهانی و روح جهانی باز شود. (روح جهانی از طریق باز شدن قلب هر فرد و اتحاد و اعتلای همه رشد می کند).

وقتی دعای راه را می خوانید، متوجه می شوید که زبان آن به طور سنتی مسیحی است. از آنجایی که ممکن است این موضوع برای برخی حساس باشد.

من می خواهم یک لحظه وقت بگذارم و کلمات و زمینه آنها را توضیح دهم. دعا برای من در غرب میانه ایالات متحده، در نیمکره غربی جهان آمد. کلمات منعکس کننده آشناترین زبان و فهم این منطقه هستند تا دعا را تا حد امکان برای عموم مردم قابل دسترس کند. خدا یک کلمه شناسایی مشترک برای حضور الهی در این بخش از جهان است. و هنگامی که من از کلمات روح القدس استفاده می کنم، به روح خدا اشاره می کنم، در مقابل هر شخصیت فردی یا تجسم نیروی خدا.

در زیر یک نسخه مشروح از Pathway Prayer را خواهید دید که از آن برای دسترسی و خواندن سوابق خود استفاده خواهید کرد. حاشیه نویسی ها نه تنها معنای دعا را توضیح می دهند، بلکه در هنگام گفتن هر خط چه اتفاقی می افتد. به بخش «روند دعای مسیر برای دسترسی به قلب سوابق آکاشیک هنگام خواندن برای خودتان» مراجعه کنید، نسخه ای از این دعا را خواهید دید که بدون یادداشت تجدید چاپ شده است. این نسخه ای است که می توانید برای باز کردن رکوردهای خود در آینده بوکمارک کنید و از آن استفاده کنید. با این حال، در حال حاضر، برای شما مفیدتر است که ابتدا نسخه مشروح را بخوانید. (در فصل بعدی به دعایی که برای خواندن آکاشیک برای دیگران استفاده خواهید کرد نگاه خواهیم کرد. این دعا فقط کمی با دعای زیر متفاوت است.) پس از خواندن و درک دعا، برای اولین بار آماده خواهید بود که سوابق خود را باز کنید. در آن زمان هیچ سوالی نخواهید پرسید؛ شما به سادگی چند دقیقه در انرژی می نشینید، به این احساس عادت می کنید و مشاهده می کنید. سپس، پس از بستن رکوردهای خود، من شما را از طریق تمرینی راهنمایی می کنم که در طی آن دوباره رکوردهای خود را باز می کنید و یک سوال می پرسید.

درک فرآیند دعای مسیر

خواندن برای خودتان

فرآیند دعای مسیر برای دسترسی به قلب سوابق آکاشیک

دعای افتتاح

وقتی خودتان مطالعه می کنید، این قسمت را با صدای بلند بگویید:

- ۱. ما نیروهای نور را تصدیق می کنیم.
- ۲. درخواست راهنمایی، هدایت و شجاعت برای شناخت حقیقت داریم.
- ۳. همان طور که برای عالی ترین خیر نازل شده است.
- ۴. همه به ما متصل هستند.

در خط اول دعا، هم وجود محدود شما (کسی که در این زندگی هستید) و هم وجود نامتناهی شما (روح ابدی شما) در حال فراخوانی و همسویی با قلمروهای برتر نور هستند. با انجام این کار، شما از طریق یک ستون عمودی نور با رکوردهای آکاشیک ارتباط برقرار می کنید. این اتصال حدود هجده اینچ بالاتر از تاج شما، در چاکرای هشتم شما شروع می شود. این چاکرا که به نام چاکرای روح نیز شناخته می شود، نقطه واسطه بین سطح روح و سطح فیزیکی است. همان طور که نور از چاکرای هشتم شما

عبور می کند و به چاکرای هفتم شما فرود می آید، شروع به متراکم شدن می کند و شکل می گیرد. زمانی که نور به چاکرای هفتم شما می رسد، ارتعاش آن به اندازه کافی متراکم است که می توانید آن را به عنوان رکورد ارتعاشی منحصر به فرد روح فردی خود تشخیص دهید.

در شماره های ۲ تا ۴، شما سه چیز می خواهید: راهنمایی، هدایت، و شجاعت برای دریافت بی ترس و میل به حقیقت (نه پیش بینی ها)، تا جایی که می توانید و به نفع همه باشد.

- ۵. ای روح القدس خدا،
- ۶. مرا از هر گونه خود محوری محافظت کن،
- ۷. و توجه من را به کاری که در دست دارم معطوف کنید.

ترس، اهمیت دادن به خود، و خودخواهی (جستجوی تایید و تایید برای تقویت خود ضعیف) بزرگترین مخالفان شما در رکوردها هستند. حواس پرتی ها توانایی شما را برای ثابت ماندن در نور و دریافت اطلاعات کاهش می دهند. همان طور که در ردیف های ۵ تا ۷ را می بینید، روح القدس به شما کمک می کند توجه خود را از خود و عملکرد خود دور کنید و به شما کمک می کند تا روی خواندن تمرکز کنید. اجازه ندادن به خودت جهت حواس پرت شدن توسط نگرانی های شخصی در واقع به

محافظت ذکر شده در ردیف ۶ تبدیل می شود، زیرا اگر تمرکز شما در حین حضور در رکوردها مناسب باشد، هیچ شانسی وجود ندارد که طعمه تأثیرات خارجی شوید. تا زمانی که در حالت خدمت به شخصی که سوابق او را می خوانید، از هر چیزی که از نور نیست مصون خواهید بود. (در حال حاضر، شما برای خودتان می خوانید. اما در آینده می توانید برای شخص دیگری مطالعه کنید.)

متمرکز نگه داشتن تمرکز بر خواندن، شما را در زمان حال ثابت نگه می دارد، که شما را در ستون نور ثابت نگه می دارد و اجازه می دهد تا اطلاعات و خواندن جریان یابد.

- ۸. به من کمک کن تا خودم را در پرتو سوابق آکاشیک بشناسم،
- ۹. برای دیدن خود از چشمان اربابان سوابق،
- ۱۰. و مرا قادر ساز تا خرد و شفقت که اساتید، معلمان،
- ۱۱. و عزیزان من برای من دارند را درک نمایم .

همان طور که خطوط ۸ تا ۱۱ را با صدای بلند می گوید، از روح القدس می خواهید که به شما کمک کند تا خود را آن گونه که در سوابق آکاشیک دیده می شوید، شناخته شده و دوست دارید ببینید. شما از کلمات من و من استفاده می کنید زیرا هر روز در بعد فیزیکی از خود به عنوان فردی یاد می کنید که هستید.

مهم است که در حین پیمایش در سوابق، ایده روشنی از اینکه با چه کسی سروکار دارید داشته باشید. این زمان خوبی در روند ما برای بررسی اینکه چه کسانی ارباب رکوردها، استادان، معلمان و عزیزان هستند، و همچنین نقش و مسئولیت آنها در آکاشا است.

اربابان رکوردها

اربابان رکوردها گروهی از موجودات نورانی هستند که در سطح جهانی کار می کنند، نه با روح های فردی. موجودات نوری موجوداتی غیر فیزیکی هستند که در هر سطحی از آگاهی درگیر هستند. آنها انرژی و کیفیت بالاتری از نور را در هر گوشه از جهان ما تولید می کنند. با گذشت زمان، این کیفیت بالاتر نور تبدیل به یک بهبود کیفیت زندگی برای همه انسان ها همچنین پتانسیل بیشتری برای درک حقایق برتر در مورد خود و دیگران فراهم می کند.

Lords of the Records مسئول حفظ یکپارچگی و فساد ناپذیری رکوردهای آکاشیک هستند. به این ترتیب، آنها تصمیم می گیرند که چه کسی می تواند به سوابق دسترسی داشته باشد یا نمی تواند. آنها همچنین تصمیم می گیرند که در طول یک مطالعه خاص چه اطلاعاتی فاش شود. هنگامی که آنها این تصمیم را می گیرند، اطلاعات را به استادان، معلمان و عزیزان روحی که به دنبال راهنمایی هستند

می دهند. یا گاهی اوقات اطلاعاتی را در صورتی که سودمند نباشد یا زمان بندی مناسب نباشد، پنهان می کنند. به همین دلیل است که گاهی اوقات وقتی سؤالات خاصی می پرسیم، پاسخی دریافت نمی کنیم. (اگر تا اینجا برای خواندن کتاب اقدام کردید، اربابان رکوردها تعیین کرده اند که شما بخوانید و اکنون زمان آن است که به رکوردهای آکاشیک دسترسی داشته باشید.)

استادان

استادان نیز گروهی از موجودات نورانی هستند. آنها مانند اربابان رکوردها هرگز در بدن فیزیکی نبوده اند. اما برخلاف لردها که در سطح جهانی کار می کنند، آنها با روح های فردی کار می کنند. استادان خاص شما از زمان پیدایش روح شما با شما بوده اند و مسئول رشد و توسعه مداوم روح شما هستند. به عبارت دیگر، آنها مسئول هستند که شما را در مسیر قرار دهند و شما را در آنجا نگه دارند. در آغاز روح خود، همراه با اربابان خود، طرحی را برای روح خود در طول زمان انتخاب کردید: «روح من وقتی از خود به عنوان خدا آگاه شود، این درس های خاص را خواهد آموخت.» بر اساس درسی که روح شما برای تجربه کردن انتخاب کرده است، استادان شما از معلمان و عزیزان خاصی می خواهند تا از تسلط شما بر آن درس ها در موقعیت ها و زندگی های مختلف حمایت کنند. بنابراین، بسته به درسی که در هر

زمان روی آن کار می کنید، هنگامی که سوابق خود را برای بحث در مورد آن باز می کنید، استادان شما فقط از معلمان و عزیزان مناسبی که برای بهترین کمک به شما مناسب هستند، دعوت می کنند. همان طور که شما می توانید بیش از یک استاد داشته باشید، یک استاد نیز می تواند بیش از یک روح را در اختیار داشته باشد.

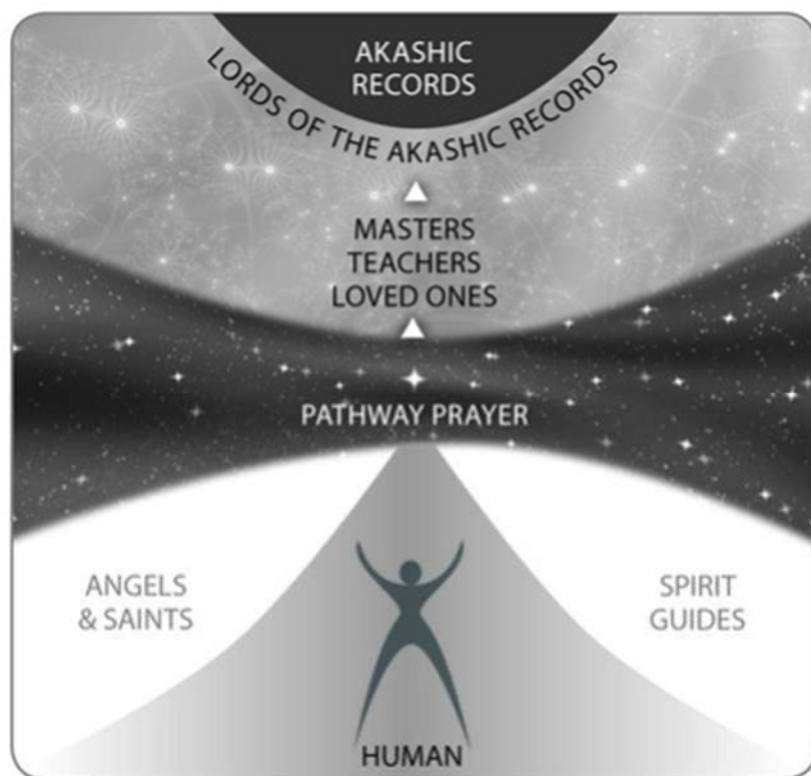
معلم ها

ممکن است معلمان قبلا در بدن فیزیکی بوده باشند یا نباشند. برخلاف استادان شما، معلمان شما در سراسر وجود روح شما با شما نیستند. در عوض، آنها مختص درس ها هستند: هر یک فقط تا زمانی که برای یادگیری یک درس خاص و ادغام آگاهی آن معلم از شما صرف می شود، با شما می ماند. خواه این دوره معینی در طول یک زندگی واحد باشد یا دوره ای از چندین تجسم. هنگامی که درس را آموختید و آگاهی آن معلم یا معلمان را ادغام کردید، به کار با روح های دیگر ادامه خواهد داد. اگر معلمان شما همیشه در فرم فیزیکی بوده اند، ممکن است زمانی که روی زمین زندگی می کردند «مردم عادی» بوده باشند. یا ممکن است «بزرگ» بوده باشند، مانند عیسی یا بودا یا مادر ترزا. در هر صورت، معلمان آکاشیک شما ترجیح می دهند ناشناس بمانند، زیرا نمی خواهند وابستگی شما به آنها یا هویت زمینی شان را تقویت کنند.

همان طور که در ادامه خواهید خواند، این برای عزیزان نیز صادق است. از آنجایی که سوابق آکاشیک مسیری برای بلوغ روحی و عاطفی است، وظیفه استادان، معلمان و عزیزان شما این است که به شما کمک کنند تا به جوهر الهی و انرژی سوابق تکیه کنید، نه به یک موجود یا هویت خاص.

عزیزان

عزیزان افرادی هستند که شما در این دوران می شناختید اما اکنون در گذشته اند. اگر چه آنها به رشد و تکامل روح شما متعهد هستند، عزیزان شما لزوماً در سطح عاطفی با شما مرتبط نیستند. در عوض، آنها ممکن است از اقوام یا آشنایان دور باشند که تا زمانی که زنده بودند شما را از دور تماشا می کردند، اما پس از مرگ، تصمیم گرفتند فعالانه از شما حمایت کنند و به شما خدمت کنند. مانند معلمانتان، عزیزانتان ترجیح می دهند که شناسایی نشوند، بنابراین شما به عنوان شخصیت هایی که در این زندگی می شناختید به آنها وابسته نشوید. با این حال، اگر احساس کنند که دانستن شما در اطراف شما در آن لحظه از شما حمایت خواهد کرد، در حین مطالعه خود را نشان خواهند داد. با این حال، حتی وقتی جلو می آیند، هرگز خواندن را انجام نمی دهند. بیشتر شبیه این است که آنها فقط برای سلام کردن به جلو قدم می گذارند و دوباره به عقب برمی گردند. (تصویر ۱)



تصویر ۱

هر فردی در آکاشیک عزیزانی دارد حتی روح هایی که بدن های زمینی آنها در بدو تولد مرده یا فقط برای مدت بسیار کوتاهی زندگی کرده اند. در چنین مواردی، اعضای سابق فوت شده از نسل اجدادی آن روح (برای مثال یک پدربزرگ و مادربزرگ) نقش محبوب آن شخص را ایفا می کنند.

اکنون که می دانیم چه کسانی را در مطالعه سوابق ملاقات خواهید کرد، به دعا برگردیم.

این قسمت را در سکوت برای خود بخوانید:

• ۱۲. به من کمک کنید تا (نام قانونی فعلی شما را در پرتو سوابق آکاشیک بدانم،

• ۱۳. برای دیدن (نام قانونی فعلی شما) از چشم اربابان سوابق،

• ۱۴. و مرا قادر ساز تا خرد و شفقت که اساتید، معلمان،

• ۱۵. و عزیزان (نام قانونی فعلی شما برای (او) دارند را بدانم.

• ۱۶. در پرتو سوابق آکاشیک به من کمک کنید (نام قانونی فعلی شما را بدانم،

• ۱۷. برای دیدن (نام قانونی فعلی شما) از چشم اربابان سوابق،

• ۱۸. و به من این امکان را بدهید تا خرد و شفقت که استادان، معلمان،

• ۱۹. و عزیزان (نام قانونی فعلی شما برای (او) دارند را بدانم.

همان طور که شما در سکوت خطوط ۱۲ تا ۱۹ را برای خود می خوانید، به حالت هوشیاری گسترش یافته منتقل می شوید. این حالت در بعد فیزیکی ثابت است، اما می تواند تأثیرات و ارتعاشات ظریف تری را از بعد رکوردهای آکاشیک ثبت کند. همچنین به طور همزمان رخ می دهد:

• ارتعاش نام قانونی فعلی شما، سوابق روح شما را فرا می خواند.

سوابق شما سپس توسط اربابان سوابق ارائه می شود و به اساتید،

معلمان و عزیزان شما داده می شود. آنها به نوبه خود، اطلاعات

خاصی را که برای این مطالعه خاص نیاز دارید، «برایتان بارگذاری می‌کنند»

● انرژی از قلب رکوردهای آکاشیک از طریق تاج شما به سمت پایین حرکت می‌کند و ارتعاش خود را در اعماق مرکز قلب شما ثبت می‌کند. مرکز قلب شما «سایت گیرنده» شما برای اطلاعات و سوابقی است که از آن دریافت خواهید کرد وقتی این لنگر انداختن پرانرژی کامل شد، تغییر در آگاهی شما نیز کامل خواهد شد.

در ردیف‌های ۱۵ و ۱۹، شما از کلمه او با او به جای من استفاده می‌کنید، زیرا اطلاعاتی درباره شخصی که در این زندگی هستید و همچنین هر و همه هویت‌هایی که روح شما در طول وجود خود داشته است، می‌خواهید. بنابراین برای مدت زمان خواندن، تفاوت جزئی بین وجود متناهی شما به عنوان خواننده / ناظر و روح نامتناهی که سوابقش خوانده می‌شود وجود دارد.

با گفتن این قسمت با صدای بلند، افتتاح رکوردها را اعلام کنید:

● ۲۰. رکورد ها اکنون باز هستند.

تغییر هوشیاری شما کاملاً کامل شده است. اکنون به سوابق آکاشیک و اساتید، معلمان و عزیزان خود دسترسی دارید.

دعای خاتمه

هنگامی که برای پایان دادن به جلسه خود در رکوردها آماده شدید، این قسمت را با صدای بلند بگویید:

- ۲۱. از استادان و اساتید و عزیزان تشکر می کنم
 - ۲۲. برای محبت و شفقت آنها.
 - ۲۳. مایلم از لردهای رکوردهای آکاشیک به خاطر دید گاهشان تشکر کنم.
 - ۲۴. و من می خواهم از روح القدس نور برای همه دانش و شفا تشکر کنم.
 - ۲۵. رکوردها اکنون بسته شده است. آمین
 - ۲۶. رکوردها اکنون بسته شده است. آمین
 - ۲۷. رکوردها اکنون بسته شده اند. آمین
- اجازه دسترسی به سوابق آکاشیک هم یک افتخار و هم یک امتیاز است و نباید آن را سهل انگاری کرد. مطمئن می خواهید از همه موجودات نورانی که تجربه شما را ممکن کردند تشکر کنید.

همان طور که مدتی طول کشید تا شما از حالت هوشیاری معمولی خود خارج شوید، مدتی طول می کشد تا دوباره به عقب برگردید. این جابجایی یا گذار، نوعی سفر است. و هر سفری آغاز و میانه و پایانی دارد. گفتن خط ۲۵ نشان دهنده شروع شیفت است، گفتن خط ۲۶ علامت وسط و گفتن خط ۲۷ نشان دهنده پایان است.

پس از بستن رکوردها، فراموش نکنید که خودتان را به هر روشی که برای شما بهتر است، گرندینگ کنید.

**فرآیند دعای مسیر برای دسترسی به قلب سوابق آکاشیک
هنگام خواندن برای خودتان**

دعای افتتاح

وقتی خودتان مطالعه می کنید، تمام این قسمت را با صدای بلند بگویید:

- ما نیروهای نور را تصدیق می کنیم،
- درخواست راهنمایی، هدایت و شجاعت برای شناخت حقیقت همانگونه که برای عالی ترین خیر ما و عالی ترین خیر هر کس که به ما متصل است، آشکار شده است.
- ای روح القدس خدا،

- از من در برابر هر گونه خود محوری محافظت کنید و توجه من را به کار در دست متمرکز کنید.
- به من کمک کن تا خود را در پرتو سوابق آکاشیک بشناسم، تا خود را از چشم اربابان سوابق ببینم، و به من کمک کن تا خرد و شفقتی را که اساتید، معلمان و عزیزانم نسبت به من دارند، به اشتراک بگذارم.

این قسمت را در سکوت برای خود بخوانید:

- به من کمک کنید (نام قانونی فعلی شما) را در پرتو سوابق آکاشیک بدانم،
- برای دیدن (نام قانونی فعلی شما) از چشمان لردهای رکوردها،
- و مرا قادر ساز تا در خرد و شفقت استادان سهیم شوم،
- معلمان و عزیزان (نام قانونی فعلی شما) برای (او یا او).
- به من کمک کنید (نام قانونی فعلی شما) را در پرتو سوابق آکاشیک بدانم،
- برای دیدن (نام قانونی فعلی شما) از چشمان لردهای رکوردها،
- و مرا قادر ساز تا در خرد و شفقت استادان سهیم شوم،
- معلمان و عزیزان (نام قانونی فعلی شما) برای (او با او).

• با گفتن این قسمت با صدای بلند، افتتاح رکوردها را اعلام کنید:

• رکوردها اکنون باز هستند.

دعای ختم

این قسمت را با صدای بلند بگویید:

- مایلم از محبت و محبت اساتید، معلمان و عزیزان تشکر کنم.
- من می خواهم از لردهای رکوردهای آکاشیک به خاطر دیدگاهشان تشکر کنم.
- و من می خواهم از روح القدس نور برای همه دانش و شفا تشکر کنم.
- رکوردها اکنون بسته شده است. آمین رکوردها اکنون بسته شده است. آمین رکوردها اکنون بسته شده است. آمین

در این مرحله، ممکن است تعجب کنید که فرشتگان، قدیسان، راهنمایان روح، و سایر موجودات نوری که ممکن است درباره آنها شنیده باشید یا تجربه کرده باشید، چگونه با سوابق آکاشیک ارتباط دارند. از آنجایی که آکاشا همان چیزی است که هست (جوهر اولیه ای که همه چیز از آن سرچشمه می گیرد) موجودات نورانی مانند فرشتگان و مقدسین در آکاشا وجود دارند. با این حال، آنها در قلمرویی

متفاوت از سوابق آکاشیک ساکن هستند و توسط آنها حمایت می شود. اگر چه انرژی آنها در آکاشا وجود دارد، این موجودات نوری خاص مستقیماً از طریق سوابق آکاش قابل دسترسی نیستند. این به این دلیل است که کار آنها با کار اساتید، معلمان و عزیزان متفاوت است.

همان طور که قبلاً گفتم، نقش استادان، معلمان و عزیزان این است که از ما در مسئولیت شخصی برای زندگی خود حمایت کنند. همان طور که ما در رکوردهای آکاشیک کار می کنیم، قدرت و انرژی رکوردها از طریق ما حرکت می کند. سپس اطلاعات و وضوحی که دریافت می کنیم را می گیریم و از آن برای مراقبت از خود استفاده می کنیم. بنابراین به یک معنا، ما در سوابق کار می کنیم تا یاد بگیریم که خودمان را «والد» کنیم. برعکس، وقتی از فرشتگان، مقدسین و سایر موجودات نورانی دعوت می کنیم تا از آنها کمک و حمایت کنند، قدرت و مسئولیت را به آنها می سپاریم و آنها مراقبت را برای ما انجام می دهند. هر کدام را که انتخاب کنیم، یک موقعیت برد-برد است، زیرا فکر می کنید چه چیزی از کل قلمرو فرشتگان و سایر موجودات نورانی پشتیبانی می کند؟ درست است: آکاشا (همه آنچه هست!)

فرشتگان و مقدسین

فرشتگان و مقدسین از چه جهت با اساتید، معلمان و عزیزان آکاشیک تفاوت دارند؟ فرشتگان شبیه استادان آکاشیک هستند که هر دو گروه

مستقیماً با افراد کار می کنند. با این حال، تفاوت بین این دو گروه این است که در حالی که استادان آکاشیک هویت فردی ندارند، فرشتگان دارای هویت، شخصیت و قدرت بسیار خاصی هستند. بنابراین یک فرد می تواند با یک فرشته خاص مانند مایکل یا رافائل یا آریل تماس بگیرد و از آن فرشته بخواهد که از قدرت منحصر به فرد خود برای کمک به یک نیاز خاص استفاده کند. در حالی که هر کسی می تواند در هر زمانی از فرشتگان کمک بخواهد، برخی از افرادی که بسیار روشن بین هستند می توانند به قلمرو فرشتگان دسترسی داشته باشند و آنچه را که ما می توانیم آن را «مکالمه دو طرفه» با فرشتگان بنامیم داشته باشند.

مقدسین بسیار شبیه معلمان آکاشیک عمل می کنند. در حالی که معلمان ممکن است بدن فیزیکی داشته باشند یا نداشته باشند و اغلب در سوابق غیر قابل شناسایی هستند، همه مقدسین زمانی روی زمین زندگی می کردند و دارای هویت و نقش های خاصی بودند. همان گونه که مردم از فرشتگان خاص کمک می گیرند، از اولیای خاص نیز کمک می گیرند.

خواندن سوابق آکاشیک شما برای اولین بار

اکنون که فرآیند دعای مسیر را درک کردید، آماده باز کردن سوابق خود هستید. ابتدا خود را با پیدا کردن یک مکان آرام آماده کنید.

جایی که مطمئن هستید چیزی مزاحمت برای شما ایجاد نخواهد کرد بعد، خود گرندینگ کنید و به سیاره زمین متصل شوید. مدیتیشن ستون نور را انجام دهید. این مدیتیشن خاص شما را به یک حالت تعادل معقول در درون خود و به یک حالت جامد از تعادل در محیط خود می‌رساند.

وقتی مدیتیشن را تمام کردید، چند نفس عمیق بکشید و تمرکز خود را بر روی کاری که در دست دارید متمرکز کنید. دعای آغازین را در ادامه بخوانید، طبق دستورالعمل به بخش تحت عنوان «فرایند دعای مسیر برای دسترسی به قلب سوابق آکاشیک هنگام خواندن برای خودتان» مراجعه کنید. بلافاصله بعد از اینکه گفتید: «سوابق اکنون باز هستند» هیچ سوالی نپرسید. در عوض، فقط کمی بنشینید و متوجه آنچه اتفاق می‌افتد باشید. از آنجایی که اولین تجربه شما در رکوردها کاملاً جدید و منحصر به فرد خواهد بود، سعی کنید آن را قضاوت نکنید. بدانید که بر اساس اینکه چه کسی هستید و چه چیزی در لحظه به آن نیاز دارید، تجربه کاملی خواهید داشت. به یاد داشته باشید که اربابان رکوردها از زمانی که روح شما متولد شده است شما را می‌شناسند و دوست داشته‌اند. بنابراین، اطمینان داشته باشید که آنها دقیقاً بهترین راه را برای استقبال از شما به رکوردها به استادان، معلمان و عزیزانتان گفته‌اند.

پس از گذراندن حدود پنج یا ده دقیقه در سوابق خود، دعای ختم را طبق دستور بخوانید. ممکن است بخواهید بعد از آن خود را گرندینگ کنید. سپس کمی وقت بگذارید و به تجربه خود فکر کنید و یا چند یادداشت در مورد آن بنویسید.

تفاوت بین سوابق آکاشیک و شهود

پس از دسترسی به سوابق آکاشیک خود برای اولین بار، دانش آموزان جدید اغلب در مورد تفاوت بین دریافت اطلاعات در سوابق و گوش دادن به شهود خود سؤالاتی دارند. سوالات متداول عبارتند از:

- آیا تفاوتی بین باز کردن رکوردهای من برای دریافت اطلاعات و درخواست اطلاعات از شهود من وجود دارد؟
- اگر تفاوتی وجود دارد چیست؟
- آیا یک راه بهتر از دیگری است؟

پاسخ کوتاه این است که بله، تفاوت وجود دارد. در تمرین زیر می توانید آن را به طور مستقیم تجربه کنید.

تمرین: سوابق و شهود آکاشیک

بخش ۱: به شهود خود دسترسی پیدا کنید

- به سوالی فکر کنید که اخیرا بسیار در ذهن شما بوده است (چیزی مرتبط و «زنده» در زندگی شما در حال حاضر) همان

طور که سوال خود را فرموله می کنید، به یاد داشته باشید که پرسیدن چگونه، چیست یا چرا شما را پاسخ شما را کامل تر می کند به جای پرسیدن یک سوال بله یا خیر.

- سؤال خود را روی یک کاغذ تمیز بنویسید و فضای زیادی در زیر آن برای ثبت پاسخ باقی بگذارید.

- اکنون، به شهود خود دسترسی پیدا کنید و سوال خود را پرسید. (اگر کلمه شهود شما را می ترساند، پس آن را چیز دیگری بنامید. آن را به عنوان خود برتر، خرد درونی، صدای درونی، احساس درونی خود در نظر بگیرید) هر چیزی که شما را قادر می سازد «مطمئن شوید» و پاسخی برای سوال خود دریافت کنید. هر دو پاسخ را همان طور که به دستتان می رسد بنویسید یا ابتدا جواب خود را بگیرید و بعد بنویسید.

بخش ۲: به سوابق آکاشیک خود دسترسی پیدا کنید

- هنگامی که پاسخ از شهود شما کامل شد، به بخش با عنوان «فرایند دعای مسیر برای دسترسی به قلب» مراجعه کنید.

- سوابق آکاشیک هنگام خواندن برای «خودتان» و برای دسترسی به سوابق آکاشیک خود، دعای مسیر را بخوانید. بعد از اینکه گفتید: «سوابق اکنون باز هستند»، همان سوالی را که از شهود خود پرسیدید، از استادان، معلمان و عزیزان خود پرسید. مجدداً

با جواب را همان طور که دریافت می کنید بنویسید یا اول جواب خود را بگیرید و بعد بنویسید.

• وقتی نوشتن را تمام کردید، به عقب برگردید و هر دو پاسخ را با هم مقایسه کنید. آیا آنها تقریباً یکسان هستند؟ تفاوت محسوسی دارد؟ آیا هر کدام از این پاسخ ها شما را شگفت زده می کند؟

چرا و چرا نه؟

پس از انجام این تمرین در کلاس، دانش آموزان من داستان های جالبی را به اشتراک می گذارند. برخی از آنها می گویند که از شهود و سوابق خود پاسخ های مشابهی دریافت کرده اند. با این حال، بسیاری از آنها می گویند که پاسخ های متفاوتی دریافت کرده اند (تفاوت، اما متضاد نیستند). برای کمک به توضیح این نکته، در اینجا پاسخ های واقعی زندگی جولی را با هر بار پرسیدن سوال خود آورده ایم.

جولی: وقتی شوهرم، آدریان، برای اولین بار تیراندازی با کمان را شروع کرد، فکر می کردم که خیلی جالب است. این ورزشی است که نیاز به تمرکز، دقت و مهارت دارد و همینطور است. به نظر می رسید چیزی است که او در آن خوب است. خوب، او در این کار خوب شد (خیلی سریع). با این حال، به زودی او فقط به پرتاب تیرهایش به چشمان گاو نر کاغذی بسنده نکرد. می خواست به شکار آهو برود. من شوکه، وحشت زده، ناباورا بودم که او چگونه می تواند این حیوان زیبا را شکار

کند. چه کسی دوست دارد آهوئی را بکشد، چه رسد به اینکه او را بپزد و بخورد؟ خیلی احساس تعارض کردم من نمی خواستم شوهرم را دلسرد کنم، اما «وجدانا مخالفت کردم».

آدریان این آخر هفته اولین سفر شکار خود را انجام داد. همان طور که او دور می شد، من با گفتن اینکه او آنقدر ماهر نیست که در اولین بار بیرون از خانه یک آهو بیاورد، احساس بهتری به خودم کردم.

سوال: من از شکار آهو شوهرم خیلی ناراحتم. پشت ناراحتی من چیست؟

طبق دستور، جولی سؤال خود را یادداشت کرد. سپس او از شهود خود برای پاسخ پرسید، و این چیزی است که او به دست آورد.

شهود جولی: دلیل ناراحتی شما از شکار آهو توسط شوهرتان این است که هرگز نمی توانید حیوانی را برای ورزش بکشید. شما حیوانات را به عنوان موجوداتی مقدس می بینید که هر کدام مکان و هدف خاص خود را در این سیاره دارند. چگونه کسی می تواند ساعت ها در میان درختان که منتظر عبور یک آهو است پنهان شود و سپس در یک لحظه جانش را بگیرد؟

... آدریان می گوید انگیزه او نه بدخواهانه بود و نه خودخواهانه: او آهو را برای گوشتش گرفت و همان طور که از حیوان برای دادن جانش

تشکر کرد، قول داد که آن را هدر ندهد. او همچنین معتقد است که کمک کرده است. جمعیت آهو را کنترل کنید تا صدها آهو را از گرسنگی نکشند.

علاوه بر این، قبلا گوشت گوزن نمی خوردید و مطمئنا از الان شروع نمی کنید.

جولی پس از تشکر از شهود خود، رکوردهای آکاشیک خود را باز کرد. سپس همان سؤال را از استادان، معلمان و عزیزانش پرسید.

جولی: من از شکار آهو شوهرم خیلی ناراحتم. پشت ناراحتی من چیست؟

در حالی که جولی نشسته بود و به سخنان استادان، معلمان و عزیزانش گوش می داد، آنها توضیح دادند که چه خبر است در اینجا چیزی است که آنها گفتند.

جولی های MTLO: بله، این همان چیزی است که شما عشق به آن را از دست خواهید داد.

زندگی تو. حالا می توانید ببینید که پشت ناراحتی شما چیست؟ شما احساس می کنید که آدریان سرگرمی ها و علایق زیادی دارد که او را از شما دور می کند، و حالا او یک سرگرمی دیگر پیدا کرده است که در آن خود را گم کرده است. او را در معرض خطر قرار دهید، بنابراین

این ترس شما را تقویت می کند: اگر او در حالی که این همه مسافت را رانندگی می کند تصادف کند چه؟ اگر از روی درخت بیفتد و به شدت به خودش آسیب برساند چه؟ اگر کسی او را پیدا نکرد و تلفنش را نداشت چه؟ چه می شود اگر یک شکارچی دیگر با یک تیر به او شلیک می کند و او را معلول می کند - یا بدتر؟ ... آن را میبینی؟ جولی؟ ناراحتی شما خیلی کم به آهو ربط دارد و خیلی بیشتر با ترس خود کار کنید. شما نمی خواهید آدریان «عزیز» خود را از دست بدهید، حتی برای یک آخر هفته. شما نمی خواهید زمان خود را دور از یکدیگر تلف کنید، به خصوص در مورد یک «اشتیاق بی معنی جدید» که می تواند امنیت همسران را تهدید کند.

و صحبت از احساسات جدید بی معنی: این مرد از شما حمایت می کند، جولی. از هر نظر ممکن، او بزرگترین طرفدار و تشویق کننده شماست. او در تمام علایق و سرگرمی های شما پشتیبان شماست، حتی زمانی که آنها او را ناراحت می کنند. پس چرا از او همان طور که از شما حمایت می کند حمایت نمی کنید؟ شما همیشه مجبور نیستید با کاری که او انجام می دهد موافق باشید. اما کاری نکنید که او نسبت به این علاقه جدید احساس بدی داشته باشد پس بهتر است در مورد نگرانیت با او صحبت کنی و از او بخواهی که تلفن همراه خود را در جیبش نگه دارد و از شارژ آن مطمئن باشد. و علاوه بر به اشتراک

گذاشتن نگرانی های خود، حقیقت پشت همه آن را تصدیق کنید. شما او را از صمیم قلب دوست دارید و زمانی که با هم هستید را دوست دارید، و زمانی که او نیست دلتان برای او تنگ می شود. شما این را نیز می دانید: هیچ سر گرمی یا علاقه ای که هر یک از شما دارید هرگز بر اشتیاق شما نسبت به یکدیگر سایه نمی اندازد. به خصوص اگر هر دوی شما به عنوان فردی شاد باشید، زوج بسیار خوشبختی خواهید بود. بعد از همه چیزهایی که شما دو نفر برای با هم بودن پشت سر گذاشته اید، هیچ کس به جایی نمی رسد، و این حقیقت است. فقط آن را بدانید و ریلکس باشید.

بنابراین شما آنها را دارید: دو نمونه بسیار واضح از پاسخ هایی که جولی از شهود خود دریافت کرد و رکوردها. توجه کنید که چگونه پاسخ دوم او با پاسخ اول در تضاد نیست. فقط از منطری متفاوت به وضعیت پرداخته و جزئیات بیشتری را پر کرده است. در حالی که شهود جولی از منطری محدودتر و فوری تر به این سؤال پاسخ می دهد، پاسخی که او از سوابق خود دریافت کرد، از یک زمینه گسترده تر و تاریخی « بود. (اگر لازم بود، آن بافت تاریخی می توانست یک عمر دیگر باشد. اما برای این پاسخ خاص، بافت تاریخی چند دهه بود.)

بیایید به دو روش جداگانه نگاه کنیم، با شهود شروع کنیم. اطلاعات شهودی در درون خود ذاتی است. در جرقه درونی الهی زندگی می

کند. این شما هستید که با آن جرقه در درون خود تماس برقرار می کنید، و پاسخ ها و اطلاعاتی که دریافت می کنید به آنچه در یک لحظه خاص تجربه یا احساس می کنید مربوط می شود. از آنجایی که شما فقط می توانید چیزها را از منظر محدود انسانی خود ببینید، آنچه دریافت می کنید در اینجا و اکنون – در این لحظه و در این زندگی است. بنابراین، پاسخ هایی که دریافت می کنید، مشکلات فوری را حل می کنند یا به شما کمک می کنند تا آن «احساسات درونی» یا افکاری را که مانند «رعد و برق های آبی» به سراغتان می آیند را درک کنید. اما بسته به اینکه چقدر به شهود خود تکیه می کنید، این پاسخ ها ممکن است گاهی نامشخص و نامنظم باشند یا حتی وجود نداشته باشد. و زمانی که آنها وجود داشته باشند، ممکن است ندانید از کجا آمده اند، بنابراین لزوماً بر اساس دانش بزرگتر، تغییرات پایداری ایجاد نمی کنند.

با این حال، مکان بسیار مهمی برای شهود وجود دارد. این شهود شماست که شما را وادار می کند برای جلوگیری از تصادف یا ترافیک به اینجا پیچید. یا می گوید، هنوز خانه را ترک نکنید، تا بتوانید یک تماس تلفنی مهم بگیرید. یا گاهی اوقات احساسی دارید که می گوید، موشکافانه نگاه کنید. این اکنون به توجه شما نیاز دارد! و به شما کمک می کند از شخص یا موقعیتی که به نفع شما نیست دوری کنید. حالا

بیایید به رکوردها نگاه کنیم. خرد آکاشیک از بیرون یا فراتر از خود می آید. این شما هستید که به آگاهی الهی ضربه می زنید، بنابراین پاسخ ها و اطلاعاتی که دریافت می کنید از منظری است که جهان را در بر می گیرد و تمام عمری را که روح شما تا به حال زندگی کرده است، پوشش می دهد. بنابر این هنگامی که در مورد چیزی که دلیل آن ممکن است واضح نباشد یک «ضربه» شهودی دریافت می کنید یا در عوض، اگر اصلاً یک ضربه شهودی دریافت نکردید می توانید برای وضوح به سوابق خود دسترسی داشته باشید. وقتی این کار را انجام می دهید، استادان، معلمان و عزیزان شما اطلاعاتی را ارائه می کنند که به شما کمک می کند موضوع یا سؤالتان را از زوایای مختلف بینید. و با این اطلاعات و دیدگاه جدید، می توانید افکار خود را تغییر دهید و به طور مؤثر تری با مسائل رفتار کنید، و در بسیاری از موارد، آنها را به طور چشمگیری و برای همیشه تغییر دهید. یکی از راه های فکر کردن به شهود و رکوردها این است که تصور کنید یک بازیگر روی صحنه هستید. وقتی از شهود خود استفاده می کنید، در پرتو یک نور متمرکز ایستاده اید. اگر چه پر تو در طول زندگی فعلی شما را روشن می کند، اما بقیه صحنه را روشن نمی کند (یعنی زندگی های دیگر روحتان). با این حال، هنگامی که به رکوردهای آکاشیک خود دسترسی پیدا می کنید، «Divine Director» یک سوئیچ را باز می

کند و آنچه در اطراف شما است را روشن می کند. ناگهان، شما می توانید خیلی بیشتر ببینید! شما می توانید ببینید چه کسی در یک «صحنه» خاص (مسئله کارمایی) دخیل است، و چگونه کلمات و اعمال آنها بر شما تأثیر گذاشته است (چه در این زندگی فعلی و چه در سایرین در صورت امکان) در آن لحظه روشنایی، شما آزاد هستید که تصمیم بگیرید آیا می خواهید صحنه را با تغییر خطوط و اقدامات بعدی خود تغییر دهید یا خیر.

همان طور که قلمرو آکاشیک از فرشتگان، مقدسین و سایر موجودات نورانی که نقش ها و اهداف خاص خود را دارند پشتیبانی می کند، سوابق آکاشیک نیز از شهود شما پشتیبانی می کند که نقش و هدف خاص خود را نیز دارید. به عبارت دیگر، اگر رکوردهای آکاشیک اقیانوسی از اطلاعات بود، تصورات شهودی شما مانند قطره های تکی آب از آن اقیانوس عمیق و گسترده بود که از اقیانوس می آید و حاوی همان محتویات اقیانوس است، اما از نظر اندازه و وسعت بسیار کوچکتر است.

سوالات و نگرانی های رایج در مورد سوابق آکاشیک

هنگامی که مردم برای اولین بار شروع به کار در آکاشیک رکوردها می کنند، گاهی اوقات در مورد خود و همچنین در مورد روند کار شک می کنند. «آیا واقعا می تواند به این سادگی باشد؟» می پرسند. «چگونه

می توانم مطمئن شوم که در رکوردها هستم؟ آیا من حتی حق حضور در سوابق را دارم؟ آیا من به اندازه کافی لیاقت دارم؟ به اندازه کافی استعداد دارید؟ به اندازه کافی شهودی؟ آیا اطلاعاتی که من به دست می آورم واقعا از استادان، معلمان و عزیزان می آید... یا فقط من چیزهایی را درست می کنم؟» بیاید برخی از این سوالات را یکی یکی مطرح کنیم.

آیا واقعا می تواند به این سادگی باشد؟

اول از همه، بله. بخش شما از این فرآیند (خواندن دعای مسیر با نیت آگاهانه) واقعا به همین سادگی است. اما فراموش نکنید که دسترسی به Akashic Records یک تلاش انفرادی نیست. این شامل شما، نیروهای نور، روح القدس خدا، اربابان سوابق، اساتید، معلمان و عزیزان می شود. وقتی ظاهر می شوید و نقش خود را انجام می دهید، همه این موجودات نورانی نیز ظاهر می شوند. و آنها به معنای واقعی کلمه بهشت و زمین را حرکت می دهند تا به شما کمک کنند تا آگاهی خود را تغییر دهید و به سوابق آکاشیک دسترسی پیدا کنید. بنابراین، تمایل خالصانه شما برای راهنمایی، با پشتیبانی انبوهی از یاوران بهشتی، این اطمینان شماست که به محض اینکه بگویید: «رکوردها اکنون باز هستند» هر بار در سوابق خواهید بود. واقعا به همین آسونیه. آیا من حق حضور در سوابق را دارم؟ آیا من به اندازه کافی لیاقت دارم؟

باز هم پاسخ ها بله و بله هستند. هر شخصی در این سیاره حق دسترسی به سوابق را دارد زیرا هر فرد فرزند مقدس خدا است که نامش در کتاب زندگی خدا (سوابق آکاشیک) نوشته شده است. با این حال، همه افراد علاقه یا تمایلی برای دسترسی به رکوردهای آکاشیک ندارند. همان طور که قبلا اشاره کردم، اگر شما به این کتاب کشیده شده اید (و اکنون، اگر تا اینجا خوانده اید) به این دلیل است که اربابان رکوردها شما را «جمع آوری، از راه دور» نامیده اند و شما این اتهام را پذیرفته اید. پس آن را دعوتنامه حکاکی شده خود در نظر بگیرید.

یا من به اندازه کافی با استعداد یا شهود هستم؟

همان طور که از مثال جولی یاد گرفتید، اطلاعاتی که از سوابق به دست می آورید از یک آگاهی الهی می آید که فراتر و بزرگتر از شهود شماست، بنابراین واقعا مهم نیست که خود را شهودی می دانید یا خیر. این به این معنی نیست که بعد از اینکه در آن کار کردید و برای مدتی تداوم در ثبت کردید، شهود شما خیلی قوی تر نمی شود. معمولا انجام می شود، زیرا کار در رکوردها به شما کمک می کند ارتباط خود را با نور تقویت کنید، که پذیرش شما را برای هدایت الهی در داخل و خارج از رکوردها افزایش می دهد. می توان گفت که توانایی شهودی یا یک هدیه خاص پیش نیاز کار در رکوردها نیست و لزوما شما را خواننده قوی تری نخواهد کرد. چیزی که شما را به یک خواننده قوی

تر تبدیل می کند توانایی شما برای دور کردن خودتان از عوامل حواس پرتی است ، بنابراین می توانید تمام توجه خود را روی مطالعه و راهنمایی هایی که دریافت می کنید معطوف کنید. وقتی بتوانید اجازه دهید این راهنمایی بدون هیچ مانعی در شما جریان یابد، این بهترین هدیه ای است که می توانید بدهید یا داشته باشید.

دریافت کمک اساتید، معلمان و عزیزانتان

اگر دعای راه را با نیت آگاهانه و عمدی خوانده اید، در سوابق هستید. اگر ذهن خودتان را از قضاوت ها و افکار شخصی دور کردید آن وقت می توانید راهنمایی های محبت آمیز دریافت کنید و اطلاعات خود را از سوابق دریافت می کنید. واقعا به همین سادگی است اما فقط در صورت نیاز به اطمینان بیشتر، در اینجا چند سؤال وجود دارد که می توانید همین الان از استادان، معلمان و عزیزان خود بپرسید. دعای مسیر را بخوانید و رکورد ها را باز کنید سپس این سوالات را یکی یکی بپرسید:

- چه چیزی به من کمک می کند تا از رکوردهای آکاشیک بیشتر استقبال کنم؟
- چه چیزی به من کمک می کند که بیشتر پذیرای اساتید، معلمان و عزیزانم باشم؟

• در حال حاضر چه چیزی مانع پذیرش من شده است، و چگونه می توان آن را آزاد کرد؟

باز هم می توانید پاسخ های خود را به محض دریافت بنویسید یا می توانید ابتدا پاسخ های خود را دریافت کرده و بعد بنویسید. سپس وقتی نوشتن را تمام کردید، می توانید بلافاصله رکوردهای خود را ببینید یا می توانید آنها را باز بگذارید و مراقبه زیر را انجام دهید تا تجربه حضور در سوابق آکاشیک خود را تقویت کنید.

همان طور که برای مدیتیشن ستون نور انجام دادید، برای خود یک صندلی راحت در یک اتاق ساکت پیدا کنید. صاف بنشینید و پشتتان را صاف و پاهایتان را روی زمین بگذارید و دستانتان را به سمت بالا در دامن خود یا روی بازوهای صندلی قرار دهید. سپس مدیتیشن زیر را با سرعتی که برای شما راحت است بخوانید.

مراقبه

از استادان، معلمان و عزیزان خود بخواهید که به شما کمک کنند تا تجربه حضور در رکوردهای آکاشیک خود را داشته باشید... همان طور که رکوردهای خود را وارد می کنید، شروع به اسکن فضای اطراف خود کنید ... از چپ به راست و سپس راست چپ ... از بالا به پایین، سپس از پایین به بالا حرکتی جزئی با بدن فیزیکی خود انجام دهید تا

حسی از بدن نوری که شما را در سوابق خود احاطه کرده است به دست آورید.

همان طور که در سوابق خود می نشینید، حضور اساتید، معلمان و عزیزان خود را ثبت کنید. گاهی اوقات حضور آنها یک احساس است، مانند عشق یا آرامش یا سکون. بعضی اوقات این احساس گرما یا نرمی است. گاهی اوقات این کیفیت نور روشن است. و گاهی اوقات این یک کیفیت پشتیبانی است که می تواند قوی یا ظریف باشد

آگاهی شما از خودتان در سوابقتان، بعد جدیدی را می گشاید و فضا را گسترش می دهد تا فضای زیادی برای شما وجود داشته باشد. کمی زمان بگذارید تا این بعد را اسکن کنید: از تاج سر خود به داخل سفر کنید و به سمت پایین حرکت کنید ... از چشم سوم خود عبور کنید ... از گلوی خود عبور کنید ... و تا قلب خود را پایین بیاورید.

در حالی که بدن فیزیکی خود را اسکن می کنید، نور آکاشا در شما حرکت می کند. از تاج تا ریشه شما گسترش می یابد، بنابراین می تواند به عنوان یک میدان نیرو عمل کند که انرژی را در جای خود نگه می دارد.

اگرچه آکاشا تمام بدن فیزیکی شما را پر می کند، منطقه اصلی آن بین تاج و قلب شما است. خود را روی تاج قرار دهید و به کف مرکز

قلب خود نگاه کنید. این یک دریاچه شفاف (یک سکوی آینه ای) نقطه
لنجر آکاشا در درون شما است. همان طور که نور آکاشا با این پلت فرم
تماس برقرار می کند، به دروازه ای تبدیل می شود. قلمروهای درونی
شما نور روح فردی شما از این پلت فرم منعکس می شود و از طریق
ستون نور به سمت بالا حرکت می کند... ببینید که نور شما توسط نور
آکاشا تشدید و تقویت می شود.

بلافاصله پس از گذراندن اولین کلاس آکاشیک، متوجه شدم که
آثار آکاشیک رکوردهای من پایه و اساس همه کارهای من خواهد
بود. در طی چندین سال گذشته، با کمک استادان، معلمان و
عزیزانم (که من با محبت آنها را BFF های خود می نامم، بهترین
دوستان من برای همیشه)، در رکوردهایم کار کرده ام تا برای
خودم و دیگران خواندن انجام دهم و تجزیه و تحلیل کنم. انرژی
شویی صدها خانه و کسب و کار و نوشتن یک کتاب فنگ شویی
و تقریباً پنجاه کتاب برای کودکان.

جولی

چاکرای گلوی شما نور را نگه می دارد اما با آن تداخل نمی کند یا به
آن حمله نمی کند. نور در دسترس است اما تهاجمی نیست. همان
طور که در چاکرای گلوی شما می ماند، به عنوان یک منبع بی نهایت
برای تشویق بیان کلامی روح شما در جهان عمل می کند.

سپس جریان نور پشت چشم سوم شما ادامه می یابد و آن را نگه می دارد و از آن پشتیبانی می کند. اگر این مرکز بدن شما خسته است، می تواند برای حمایت در نور آکاشا استراحت کند.

همین الان چند لحظه وقت بگذارید و از استادان، معلمان و عزیزانتان راهنمایی بخواهید که می توانند برای کار شما ارائه دهند. این فرصتی است برای توسعه مشارکت آگاهانه خود با استادان، معلمان و عزیزانتان. اگر در حال حاضر سؤالی از آنها دارید، می توانید همین الان آن سؤالات را بپرسید.

اگر احساس می کنید که دید شما تاریک است، یا احساس می کنید چیزی به سمت شما نمی آید، وضعیت خود را تنظیم کنید و شانه های خود را به عقب برگردانید تا مرکز قلب شما باز شود و اجازه دهید نور به عمق آن فضا حرکت کند.

همان طور که برای بستن سوابق خود آماده می شوید، بدانید که مسیری ایجاد شده است و شما ستون درونی خود را از نور پاک کرده اید. شما به عنوان عامل و ابزار سوابق آکاشیک، روشن هستید. و شما اکنون این منبع بی نهایت را برای حمایت از شما در کارتان در دسترس دارید.

اکنون توجه خود را به این لحظه و این کتاب برگردانید و رکوردهای آکاشیک خود را ببندید.

کاربردهای مختلف برای رکوردهای آکاشیک

راه های ارزشمند زیادی وجود دارد که افراد از آنها برای سود بردن در زندگی خود از رکوردها استفاده می کنند. برخی از راه ها برای برخی افراد بسیار خوب کار می کنند، در حالی که راه های دیگر برای آنها چندان خوب کار نمی کنند. مثال های زیر ایده هایی برای نحوه کار در رکوردها ارائه می دهند. فراموش نکنید که تا زمانی که دوره مهلت سی روزه انتقالی شما به پایان برسد، ترکیب خوانش های آکاشیک خود با سایر سیستم ها یا رشته ها مفید نیست.

خواندن برای افراد

همان طور که می دانید، می توانید سوابق آکاشیک خود با سوابق افراد دیگر را بخوانید. هنگام باز کردن سوابق شخص دیگری، باید رضایت او را داشته باشید. از نام حقوقی فعلی آن شخص استفاده کنید.

خواندن سوابق حیوانات یا حیوانات خانگی

خواندن سوابق یک حیوان یا حیوان خانگی می تواند اطلاعات مفیدی در مورد خلق و خو و نیازهای آن به دست آورد. اما چگونه می توان

مجوز خواندن سوابق حیوان را دریافت کرد؟ فقط آن را بپرس، و به شما خواهد گفت! لحظه ای با حیوان بنشینید و به او بگویید که دوست دارید چه کار کنید. اگر حیوان نمی خواهد سوابقش خوانده شود، ممکن است از شما دور شود یا اتاق را ترک کند یا چشم هایش را ببندد. با این حال، اگر موافقت کند که اجازه بدهد، ممکن است به چشمان شما نگاه کند، نزدیک تر شود یا نزدیک شما یا روی پاهای شما بنشیند. اگر حیوان نزدیک نباشد، صاحبش می تواند به شما اجازه دهد تا رکوردهایش را باز کنید. اگر حیوان دارای اسنادی است که یک نام ثبت شده را نشان می دهد. برای مثال (هارولد جیمیسون تروتر) از آن نام برای باز کردن رکوردهای آن استفاده کنید. با این حال، اگر حیوان مدارک رسمی ندارد، از نام آن استفاده کنید که ممکن است Max Sweetie Pie یا «راکون در حیات خلوت من» باشد.

اغلب هنگامی که شخصی برای امرار معاش با حیوانات کار می کند یا تمایل زیادی به آنها دارد، آن شخص می تواند سوابق حیوانات را بسیار راحت تر از افراد دیگر بخواند. اگر خواندن سوابق حیوانات برای شما مناسب نیست، مشکلی نیست. برای آشنایی با چندین روش دیگر که از طریق آنها می توانید در رکوردها کار کنید، ادامه مطلب را بخوانید.

خواندن سوابق یک خانه

اگر از شخصی که نام او در رهن یا اجاره نامه است اجازه دارید، می توانید سوابق آن خانه را بخوانید تا در مورد مواردی مانند تاریخچه، هدف و انرژی آن مطلع شوید. در مورد خانه ای که برای فروش است، اگر مالک آن را در بازار عرضه کرده باشد و با یک مشاور املاک قراردادی امضا کرده باشد، آن مالک اساساً می گوید: «این خانه برای مشاهده در هر سطحی باز است.» بنابراین، می توانید بدون کسب اجازه، رکوردهای آکاشیک خانه را باز کنید. با این حال، اگر فهرست منقضی شده باشد یا خانه به مالک جدیدی فروخته شده باشد، «مشاهده عمومی» دیگر امکان پذیر نیست، و باید یک بار دیگر مجوز مالک را برای باز کردن سوابق آن خانه دریافت کنید. هنگام باز کردن پرونده یک خانه، از آدرس کامل آن، از جمله خیابان، شهر یا شهرک، ایالت و کد پستی استفاده کنید. در حالی که برای بسیاری از ما منطقی است که یک حیوان در اسناد آکاشیک «فهرست» داشته باشد، زیرا دارای نیروی حیاتی آشکار است، ممکن است خواندن سوابق یک خانه که در مقایسه بی حرکت و بی جان به نظر می رسد، چالش برانگیز تر باشد. هر خانه ای انرژی و حضور خاص خود را دارد، اما بیشتر شبیه انرژی یک منطقه از زمین است تا انرژی یک انسان یا حیوان. با این

حال، انرژی هر خانه را می توان در سوابق آکاشیک خواند و رمزگشایی کرد.

اگر رکوردهای یک خانه را باز کنید، ممکن است بتوانید برخی از ایده آل ها، پتانسیل ها و احتمالات آن را شناسایی کنید. همچنین ممکن است ایده ای داشته باشید که چگونه آن خانه می تواند از ساکنان خود حمایت کند و چه چیزی را نمی تواند در خود جای دهد. با این حال، اگر به نظر نمی رسد که نمی توانید رکوردهای آکاشیک خانه را بخوانید، نگران نباشید. خواندن سوابق یک خانه در واقع ثانویه برای پرسیدن در مورد آن خانه در سوابق صاحب آن است.

خواندن سوابق آثار عمومی، ساختمان ها، پارک ها، شهرها، شهرک ها یا مناطق زمینی

اطلاعات مربوط به اشیاء، ساختمان ها، یا مکان هایی با نام های عمومی ثبت شده (یادبود و اشنگتن، استون هنج، کلیسای سیستین، کوه سنت هلن، گالن، ایلینوی، پارک ملی اور گلیدز، فلوریدا، جنگل ملی آرا پاهو، کلرادو) را می توان آزادانه در دسترس قرار داد. سوابق یکی از شاگردانم اغلب از خود می پرسید که چرا بارها از شهر بانف دیدن کرده و احساس می کند که در خانه است. پس از باز کردن رکوردهای Akashic Banff در آلبرتا، کانادا، او متوجه شد که زندگی گذشته ای را در آنجا زندگی کرده است که سرشار از عشق و هدف بوده است. به دلیل این

اطلاعات، سفر بعدی او به بنف حتی از همه سفرهای قبلی خاص تر بود.

خواندن رکوردهای آکاشیک سنگ بنای گذار من از مدیریت غیرانتفاعی و نوشتن کمک هزینه به تولد یک فروشگاه لحاف در می سی سی پی بوده است. داشتن چنین سطحی از اعتماد و اطمینان به آنها برای من بسیار مفید بود. گویی می توانم راهنمایانم را واضح تر بشنوم و احساس کنم. وقتی *Records* باز است، من در وضعیت گوش دادن هستم. آنها قدرتمند، کاربردی، واقعی، معقول و بسیار ساده هستند.

آن

خواندن سوابق یک شرکت یا یک بخش در یک شرکت

اگر صاحب یک کسب و کار هستید، باز کردن سوابق آکاشیک آن می تواند اطلاعاتی در مورد نحوه انتخاب و حمایت از کارمندان، نحوه ایجاد بهترین محیط کاری آنها و اقداماتی که در یک زمان خاص برای شرکت مفیدتر است به دست دهد. برای باز کردن سوابق شرکت خود، از نام ثبت شده عمومی آن استفاده کنید. اگر صاحب شرکتی نیستید اما رئیس رسمی یکی از بخش های آن هستید، می توانید فقط سوابق آن بخش را باز کنید. از نام شرکت و بخش خاص خود استفاده کنید - به عنوان مثال: بخش صورتحساب دفتر فروش منطقه ای.

GreenGrow International, Midwest

Illinis Deerfield

خواندن سوابق یک بیمار یا مشتری

برخی از افرادی که کار انرژی انجام می دهند دوست دارند سوابق مشتریان خاص را باز کنند تا بهترین راه ها را برای کمک به آنها درخواست کنند. مثل همیشه، پزشکان باید اجازه و نام قانونی فعلی هر مشتری را قبل از باز کردن سوابق او داشته باشند. به عنوان یک جایگزین، زمانی که دریافت مجوز امکان پذیر نیست، پزشکان می توانند سوابق خود را باز کنند و بپرسند چگونه از یک مشتری یا مشتریان خاص به بهترین شکل پشتیبانی کنند. همین کار را می توان توسط معلمان، کارفرمایان با رهبران گروه انجام داد که در حال برنامه ریزی یک کلاس یا جلسه هستند و می خواهند این تجربه را به بهترین نحو انجام دهند.

استفاده از رکوردها برای ایجاد

برخی از افراد از باز کردن رکوردهای خود قبل یا در حین یک کار خلاقانه لذت می برند. به عنوان مثال، برخی افراد از Records برای نوشتن شعر، کتاب با موسیقی استفاده می کنند. دیگران مجسمه سازی می کنند، طراحی می کنند یا نقاشی می کنند. هنوز دیگران می رقصند. این روش استفاده از رکوردها با توجه به نیازها و شخصیت

های فردی متفاوت است. به عنوان مثال، برای برخی افراد دشوار است که برای مدت طولانی در رکوردها بمانند. بنابراین برای آنها راحت تر است که رکوردها را باز کنند، الهام و راهنمایی دریافت کنند، رکوردها را ببندند، و سپس ایجاد کردن. برای دیگران، باز کردن رکوردها، درخواست کمک و الهام گرفتن، و سپس سوار شدن به آن سودمندتر است!

استفاده از سوابق برای یادگیری

برخی از افراد دوست دارند از رکوردها برای یادگیری در مورد چیزها در سطوح عمیق تر استفاده کنند. برای مثال، دانش آموزانی که می خواهند یک متن مقدس یا پیچیده را به درستی درک کنند، آن را با باز کردن سوابق خود می خوانند. این می تواند کاملاً روشنگر باشد. خواندن با استادان، معلمان و عزیزانتان مانند خواندن کتابی است که در آن شخصی مفاهیم کلیدی را برجسته کرده و ده یادداشت عالی در حاشیه آن نوشته است (همه برای پیشرفت شما!)

همچنین مطالعه یک نقاشی، شرکت در یک مراسم مذهبی با گوش دادن به موسیقی در حالی که رکوردهایتان باز است، سرگرم کننده است. فقط مطمئن شوید که موسیقی مانند موسیقی کلاسیک ملایم یا آرامش بخش است، نه مانند راک. همچنین، به یاد داشته باشید که پس از پایان مطالعه با گوش دادن، رکوردهای خود را ببندید.



یادگیری کار در رکوردها کشف احتمالات است. من شما را تشویق می کنم که سوابق افراد، مکان ها و چیزهای مختلف را بخوانید تا بفهمید چه چیزی برای شما بهتر است. سعی کنید تجربیات خود را با تجربیات سایر خوانندگان آکاشیک مقایسه نکنید، زیرا هر فردی هنگام کار در رکوردها دارای نقاط قوت و علایق متفاوتی است.

اکنون که در مورد چندین روش استفاده افراد از رکوردها خوانده اید، وقت آن است که از استادان، معلمان و عزیزان خود بپرسید که کدام روش می تواند برای شما بهترین کارایی را داشته باشد. پس از باز کردن رکوردها، در اینجا چند سوال وجود دارد که می توانید بپرسید:

- بهترین راه (یا راه ها) برای استفاده من از فرآیند دعای مسیر در این زمان چیست؟

- مواهب، استعدادها و توانایی های منحصر به فرد من چیست و بهترین راه برای استفاده از آنها در رکوردها چیست؟

پاسخ هایی را که دریافت می کنید با گوش جان دریافت کنید و آنها را در کار شخصی خود با رکوردهای آکاشیک بگنجانید.

فصل چهارم : خواندن سوابق آکاشیک برای دیگران

گاهی اوقات ما انسان ها با دیدگاه های محدود خود حقیقت خود را فراموش می کنیم. وقتی خود را در آینه می بینیم، فراموش می کنیم که در حقیقت ما موجودات نورانی ابدی هستیم که جوهر آن تمامیت و سلامتی و خوبی است.

وقتی رکوردهای آکاشیک دیگران را می خوانید، در موقعیت منحصر به فرد و شگفت انگیزی قرار می گیرید که به آنها یاد آوری می کنید که چه کسانی هستند. به آنها اجازه می دهند که خودشان را همان طور که توسط خدا و اربابان، معلمان و عزیزانشان دیده، شناخته شده و دوست دارند، نگاه کنند. هنگامی که مردم شروع به دیدن نور در خود و همچنین در دیگران می کنند می توانند باورها و ادراکات دیرینه را کنار بگذارند و آنها را با بخشش و شفا جایگزین کنند.

همان طور که ممکن است قبلا استنباط کرده باشید، اگر بخواهید سوابق دیگران را بخوانید، تجربیات شما هر بار متفاوت خواهد بود. نه تنها برای هر فرد اطلاعات متفاوتی دریافت خواهید کرد، بلکه روش های دریافت و تحویل اطلاعات نیز هر بار متفاوت خواهد بود. این به این دلیل است که استادان، معلمان و عزیزان یک فرد دقیقا می دانند که چه چیزی بگویند و چگونه آن را بگویند تا آن شخص آن را به

بهترین شکل دریافت کند. بنابراین اگر «جین» بسیار بصری است، برای مثال، استادان، معلمان و عزیزان او ممکن است تصویر یا صحنه ای را به شما نشان دهند که بتوانید برای او توصیف کنید. آن تصویر یا صحنه ممکن است برای شما منطقی باشد یا نباشد، اما تعجب نکنید اگر جین بگوید: «من متوجه شدم! آره! همه این ها کاملا منطقی است.» موارد مهمی که در این مورد باید به خاطر بسپارید این است که اطلاعات را قضاوت نکنید و آن را به روشی که دریافت می کنید ارائه دهید. هنگامی که این کار را انجام دادید، شخص دیگر آزاد خواهد بود تا تصمیم بگیرد که چه معنایی دارد و چگونه از آن استفاده کند.

رکوردها با ما ملایم هستند و حتی وقتی اطلاعاتی را دریافت می کنیم که واقعا نمی خواهیم بشنویم، عمیقاً احساس آرامش می کنیم و از وضوح و سادگی که به ما ارائه می شود احساس تشکر می کنیم. رکوردها مکانی امن و راحت هستند. چه در حال خواندن باشم، فرآیند دعای مسیر به نحوی هر گونه اضطراب عملکردی را که ممکن است در مورد دادن یا گرفتن احساس کنم، از بین می برد. لحظه این درک بزرگ به طور طبیعی و بدون هیاهو به دست می آید.

ژان

در برخی موارد به خصوص اگر اطلاعاتی که در طول مطالعه به اشتراک می گذارید حساس یا ناراحت کننده باشد ممکن است متوجه شوید که یکی یا هر دوی شما شروع به ایجاد نوعی مقاومت می کنید. اشکالی ندارد این فقط ترس از صحبت کردن است و گاهی اوقات اتفاق می افتد. (به همین دلیل است که ما در دعای افتتاحیه «شجاعت برای شناخت حقیقت» می خواهیم). اولین چیزی که هر دو باید به خاطر بسپارید این است که استادان، معلمان و عزیزان موجودات نورانی دوست داشتنی هستند که فقط حقیقت را می گویند و تنها وظیفه در طول خواندن آکاشیک حمایت از رشد و روشنگری روح است. با این حال، می توانید از استادان، معلمان و عزیزان آن شخص بخواهید که هم به شما و هم به طرف مقابل کمک کنند تا احساس امنیت کنید تا در ارائه اطلاعات و راهنمایی های شما آزاد باشد (و او نیز آزاد است که بپذیرد). دریافت کاملاً مناسب است که در حین مطالعه مکث کنید و مجدداً دعای افتتاح را در سکوت بخوانید تا ترس و عدم اطمینان را از بین ببرید و ارتباط خود را با نور تقویت کنید. همچنین مناسب است که مقداری آب برای خود بریزید یا چند نفس عمیق با هم بکشید تا هر گونه تنش فیزیکی یا عاطفی را که احساس می کنید کاهش دهید. هر کاری که تصمیم دارید انجام دهید، هدف از این مکث کوتاه این

است که الگوی پرانرژی ترس را قطع کنید و آن را به حالت ایمنی و راحتی تبدیل کنید.

هنگام باز کردن سوابق شخص دیگری، از فرآیند دعای مسیر استفاده می کنید، با این حال دعا را کمی متفاوت می خوانید و این روند کمی تغییر می کند تا شخص دیگر را نیز شامل شود. من این تفاوت ها را در دعای مشروح زیر توضیح خواهم داد.

درک فرآیند دعای مسیر خواندن برای دیگران

فرآیند دعای مسیر برای دسترسی به قلب سوابق آکاشیک
برای دیگران
دعای افتتاح

وقتی برای شخص دیگری مطالعه می کنید، این قسمت را با صدای بلند بگویید:

- ۱. ما نیروهای نور را تصدیق می کنیم،
- ۲. درخواست راهنمایی، هدایت و شجاعت برای شناخت حقیقت داریم.
- ۳. همان طور که برای عالی ترین خیر ما و عالی ترین خیر نازل شده است.

• ۴. همه به ما متصل هستند.

در سطر اول دعا، شما از طرف خود و شخص مقابل، با قلمروهای بالاتر نور دعوت می کنید و همسو می شوید. همان طور که شما نیروهای نور را تصدیق می کنید، شما (خواننده) از طریق یک ستون عمودی نور با سوابق آکاشیک ارتباط برقرار می کنید، به همان روشی که وقتی برای خودتان مطالعه می کنید انجام می دهید.

در ردیف های ۲ تا ۴، شما همان سه چیزی را می خواهید که هنگام مطالعه برای خودتان می خواهید: راهنمایی، جهت گیری، و شهامت برای دریافت بی ترس و میل حقیقت (نه پیش بینی ها) تا جایی که می توانید و برای بالاترین حد ممکن. شما اکنون از طرف خود و شخصی که برایش می خوانید این مطالب را می خواهید.

این قسمت را با صدای بلند بگویید:

• ۵. ای روح القدس خدا،

این قسمت را در سکوت برای خود بخوانید:

• ۶. مرا از هر گونه خود محوری محافظت کن،

• ۷. و توجه من را به کاری که در دست دارم معطوف کنید.

خطوط ۵ تا ۷ وقتی برای شخص دیگری می خوانید متفاوت خوانده می شود. چه برای خود و چه برای دیگران، همیشه خط ۵ را با

صدای بلند بخوانید. با این حال، وقتی برای شخص دیگری مطالعه می کنید، خطوط ۶ و ۷ را در سکوت برای خود بخوانید. این دعای کوتاه و بی صدا فقط برای «شنیدن» توسط اساتید، معلمان و عزیزان شما ساخته شده است. این درخواستی است که آنها شما را از هر چیزی که از نور نیست مصون نگه دارند، و شما را در حالت خدمت به شخصی که برایش می خوانید نگه دارند. همچنین به اطلاعات و خواندن اجازه می دهد تا روان تر و موثرتر جریان پیدا کنند.

این قسمت را یک بار با صدای بلند بخوانید:

- ۸. به من کمک کنید (نام یا نام مستعار شخص) را در پرتو سوابق آکاشیک بدانم،
- ۹. برای دیدن (نام یا نام مستعار شخص) از چشم اربابان سوابق،
- ۱۰. و مرا قادر ساز تا در خرد و شفقت که اساتید، معلمان،
- ۱۱. و عزیزان (نام یا نام مستعار شخص) برای (او) دارند.

در خطوط ۱ تا ۷، شما شروع به ایجاد یک ستون عمودی نور برای اتصال شما به رکوردهای آکاشیک کردید. اکنون که خطوط ۸ تا ۱۱ را با صدای بلند می گوئید، یک ارتباط افقی بین خود و شخص مقابل برقرار می کنید، به طوری که شما دو نفر در نوعی حباب یا پیله نور نگه داشته و محافظت می شوید. ارتباط افقی زمانی برقرار

می شود که نور از قلب رکوردهای آکاشیک به چاکرای هشتم شما پایین می آید، سپس از طریق تاج شما پایین می آید و سپس از طریق مرکز قلب شما به طرف شخص دیگر می رسد.

هنگام گفتن خطوط ۸ تا ۱۱ از نام کوچک با نام مستعار شخص استفاده می کنید زیرا هر روز به آن شخص اشاره می کنید که او هست.

در بعد فیزیکی این نام نیز همان چیزی است که فرد هر روز خود را صدا می کند، بنابراین شنیدن با صدای بلند راحت و آشنا است و آزاردهنده نیست. (این امر به ویژه در صورتی مهم است که فردی در مورد مطالعه احساس اضطراب می کند. شنیدن نام آشنای او می تواند به فرد کمک کند تا آرام شود.) این قسمت را در سکوت برای خود بخوانید:

• ۱۲. در پرتو سوابق آکاشیک به من کمک کنید (نام قانونی فعلی شخص) را بدانم،

• ۱۳. برای دیدن (نام قانونی فعلی شخص) از چشم اربابان سوابق،

• ۱۴. و مرا قادر ساز تا در خرد و شفقت که اساتید، معلمان،

• ۱۵. و عزیزان (نام قانونی فعلی شخص) برای او یا او).

• ۱۶. در پرتو سوابق آکاشیک به من کمک کنید (نام قانونی فعلی شخص) را بدانم،

- ۱۷. برای دیدن (نام قانونی فعلی شخص) از چشم اربابان سوابق،
- ۱۸. و به من این امکان را بدهید که در خرد و شفقت که استادان،
معلم،
- ۱۹. و عزیزان (نام قانونی فعلی شخص) برای (او یا او).

همان طور که خطوط ۱۲ تا ۱۹ را بی سر و صدا برای خود می خوانید، به خود اجازه می دهید که به حالت هوشیاری گسترش یافته منتقل شوید. این حالت در بعد فیزیکی ثابت است، اما می تواند تأثیرات و ارتعاشات ظریف تری را از بعد رکوردهای آکاشیک ثبت کند. این موارد نیز به طور همزمان رخ می دهند:

- ارتعاش نام قانونی فعلی فرد، سوابق روح او را فرا می خواند. آن سوابق سپس توسط اربابان سوابق ارائه می شود و به استادان، معلم و عزیزان شخص داده می شود. آنها به نوبه خود اطلاعاتی را که در طول این مطالعه خاص با فرد به اشتراک می گذارید، را ارائه می کنند.

- درست مانند زمانی که برای خودتان مطالعه می کنید، انرژی از قلب رکوردهای آکاشیک به سمت پایین حرکت می کند و ارتعاش خود را در اعماق مرکز قلب شما ثبت می کند. مرکز قلب شما «سایت گیرنده» شما برای اطلاعاتی است که از سوابق دریافت خواهید کرد، چه برای خود یا شخص دیگری. وقتی این

لنجر انداختن پرانرژی کامل شد، تغییر در آگاهی شما نیز کامل خواهد شد.

با گفتن این قسمت با صدای بلند، افتتاح رکوردها را اعلام کنید:

• ۲۰. رکوردها اکنون باز هستند.

تغییر هوشیاری شما کاملاً کامل شده است. اکنون به سوابق آکاشیک شخص و اساتید، معلمان و عزیزان وی دسترسی دارید.

دعای ختم

هنگامی که برای پایان دادن به جلسه خود در Akashic Records آماده شدید، این قسمت را با صدای بلند بگویید:

• ۲۱. از استادان و اساتید و عزیزان تشکر می کنم.

• ۲۲. برای محبت و شفقت آنها.

• ۲۳. مایلم از لردهای رکوردهای آکاشیک به خاطر دیدگاهشان تشکر کنم.

• ۲۴. و من می خواهم از روح القدس نور برای همه دانش و شفا تشکر کنم.

• ۲۵. رکوردها اکنون بسته شده است. آمین

• ۲۶. رکوردها اکنون بسته شده است. آمین

• ۲۷. رکوردها اکنون بسته شده اند. آمین

اجازه دسترسی به سوابق آکاشیک این شخص یک افتخار و هم یک امتیاز بود. مطمئنا شما می خواهید از همه موجودات نورانی که این تجربه را ممکن کردند تشکر کنید. همان طور که مدتی طول کشید تا شما از حالت هوشیاری معمولی خود خارج شوید، مدتی طول می کشد تا دوباره به عقب برگردید. این جابجایی یا گذار، نوعی سفر است. و هر سفری آغاز و میانه و پایانی دارد.

خط ۲۵ شروع شیفت را نشان می دهد، با گفتن خط ۲۶ وسط و گفتن خط ۲۷ نشان دهنده پایان است.

بخش بزرگی از رکوردها خواندن افراد دیگر است. بخشی از چیز فوق العاده این است که با شخص دیگری کار کنید و در مورد آنچه که به دنبال آن هستند صحبت کنید. این تجربه به همان اندازه برای خواننده مفید است که برای کسی که مطالعه می کند.

جسیکا

هنگامی که سوابق شخص را بستید، فراموش نکنید که خودتان را به هر روشی که برای شما بهترین است، گرندینگ کنید.

نکاتی در مورد مطالعه برای دیگران

به یاد داشته باشید، هیچ کس نباید مجبور به خواندن آکاشیک شود. با این حال، اگر از شما دعوت شده است که مطالعه کنید، در اینجا مواردی وجود دارد که باید بدانید با انجام دهید تا آن خواندن (و هر مطالعه را به بهترین شکل ممکن انجام دهید).

قبل از ...

- اگر می خواهید مطالعه خود را شخصا انجام دهید، فضایی آرام در خانه یا محل کار خود ایجاد کنید که در آن شما و مشتریان احساس امنیت و راحتی کنید. اطمینان حاصل کنید که همکاران، اعضای خانواده، حیوانات خانگی با سایر عوامل حواس پرتی مزاحم نشوند. اگر مطمئن نیستید که چه نوع محیطی به بهترین وجه از خواندن های شما پشتیبانی می کند، در اینجا سؤالی وجود دارد که می توانید در سوابق خود پرسید: «چگونه می توانم محیطی امن برای کار در رکوردها ایجاد و حفظ کنم؟»
- اگر می خواهید خواندن خود را با تلفن انجام دهید، مطمئن شوید که باتری تلفن شما کاملا شارژ شده است و تجهیزات ضبط را از قبل تنظیم کنید. (برخی از خوانندگان آکاشیک دوست دارند جلسات خود را ضبط کنند و سپس نوار یا فایل دیجیتالی را برای

مشتریان خود ارسال کنند. ضبط یا عدم ضبط کاملاً به شما بستگی دارد.)

- اگر برای مطالعه هزینه ای دریافت می کنید، مطمئن شوید که پرداخت از قبل انجام شده است تا در زمان مقرر بتوانید تمام انرژی و توجه خود را روی مطالعه و شخص خوانده شده قرار دهید.

- به عنوان راهی برای اطمینان از اینکه خواندن شما متمرکز است و اطلاعات به آرامی جریان می یابد، از مشتریان خود بخواهید که سؤالات خود را از قبل آماده کنند. (آنها مجبور نیستند سؤالات خود را از قبل به شما ارائه دهند، فقط باید آنها را برای خود آماده کنند.) اگر از شما می پرسند که چه نوع سؤالاتی بهترین کار را انجام می دهند، توضیح دهید که سؤالات چگونه، چه و چرا بیشترین اطلاعات را دارند. و پرسش های پیش بینی کننده مرتبط با زمان یا سؤال هایی که به پاسخ های بله یا خیر نیاز دارند، در صورت وجود، کمترین اطلاعات را ارائه می دهند.
- به خود یاد آوری کنید که هدف از هر مطالعه، بالا بردن منزلت و شخص خوانده شده برای آشکار کردن خود واقعی، پتانسیل و شفای آن شخص است.

در حین...

• خواندن برای افراد دیگر امتیازی است که با مسئولیت همراه است. مخصوصا وقتی برای کسی که می شناسید مطالعه می کنید، از این فرصت برای حمایت از آن شخص استفاده کنید و خرابکاری، قضاوت یا آسیب نزنید. (به عبارت دیگر، نظر شما در مورد دوست پسر خواهرتان اهمیتی ندارد.) افکار و نظرات خود را برای خود نگه دارید و فقط اطلاعاتی را که استادان، معلمان و عزیزان خواهرتان ارائه می دهند، ارائه دهید. اینکه بتوانید تفاوت بین احساسات شخصی خود و سوابق را تشخیص دهید، مهارتی است که با تمرین آن را توسعه خواهید داد. با این حال، یکی از واضح ترین نشانه هایی که نشان می دهد شما درگیر مسائل خود هستید این است که اصرار کنید که شخصی آنچه را که پیشنهاد می کنید انجام دهد و سپس در صورت مقاومت عصبانی می شوید. شاخص دیگر زمانی است که شما تمرکز خود را از فرد خارج می کنید و شروع به اشتراک گذاری اطلاعات در مورد خودتان و نحوه مدیریت یک موقعیت مشابه می کنید. در لحظه ای که خواندن در مورد شما به هر نحوی می شود، شما از رکوردها خارج شده اید. اگر این اتفاق افتاد، فقط مکث کنید و در سکوت دعای افتتاح را دوباره بخوانید. این وضعیت را اصلاح می کند و شما می توانید به خواندن ادامه دهید.

- اگر شخصی شروع به پرسیدن سوال در مورد افراد دیگر کرد (شاید بخواهد افکار و انگیزه های آنها را بداند یا اینکه چگونه آنها را متقاعد کند که رفتار خاصی داشته باشند) مکث کنید و به شخص یاد آوری کنید که شما در سوابق روح فردی او هستید. بنابراین، اگر «تریکسی» اطلاعاتی درباره «ترودی» بخواهد، تنها اطلاعاتی که به دست خواهید آورد، اطلاعات مربوط به نقش تریکسی در رابطه او با ترودی خواهد بود.
- اگر احساس کردید که در هر نقطه ای از رکوردها خارج شده اید یا اینکه با وجود خواندن دعا هرگز دسترسی کامل به آن به دست نیاورده اید. به درستی در سکوت از اساتید، معلمان و عزیزان حمایت بخواهید. یا همان طور که قبلا اشاره کردم، می توانید دعای افتتاح را به عنوان راهی برای تغییر جهت تمرکز و تقویت ارتباط خود با نور برای خود بخوانید.
- همان طور که قبلا نیز اشاره کردم، در حالی که شما در حال مطالعه برای شخص دیگری هستید، شما دو نفر در یک «پيله» محافظ نور با هم نگه داشته شده اید. بنابراین غیر عادی نیست که شما متوجه انرژی احساسات فرد شوید از آنجایی که موقعیت را از منظر رکوردها مشاهده خواهید کرد، فوراً متوجه خواهید شد که قرار نیست آن احساسات و عواطف را تجربه کنید یا نگه

دارید. شما صرفاً باید آنها را درک کنید تا بتوانید از شخص در پردازش و رهاسازی آنها حمایت کنید. با خواندن دعای ختم، بار عاطفی نیز از بین خواهد رفت. و این ارتباط پر انرژی با شخص هرگز سبب نخواهد شد که شما مسائل شخص را عهده بگیرید.

فرآیند دعای مسیر برای دسترسی به قلب سوابق آکاشیک برای دیگران دعای افتتاح

وقتی برای شخص دیگری مطالعه می کنید، این قسمت را با صدای بلند بگویید:

ما نیروهای نور را تصدیق می کنیم، درخواست راهنمایی، هدایت و شجاعت برای شناخت حقیقت همانگونه که برای عالی ترین خیر ما و عالی ترین خیر هر کس که به ما متصل است، آشکار شده است.

این قسمت را با صدای بلند بگویید:

ای روح القدس خدا،

این قسمت را در سکوت برای خود بخوانید:

از من در برابر هر گونه خود محوری محافظت کنید و توجه مرا به در این لحظه فقط به این کار معطوف کنید.

این قسمت را یک بار با صدای بلند بخوانید:

به من کمک کنید (نام یا نام مستعار شخص) را در پرتو سوابق آکاشیک بدانم،

برای دیدن (نام یا نام مستعار شخص) از چشم اربابان رکوردها،
که من را قادر می سازد تا در خرد و شفقت که استادان، معلمان، و
عزیزان (نام یا نام مستعار شخص) برای (او یا او) دارند آگاه شوم.

این قسمت را در سکوت برای خود بخوانید:

در پرتو سوابق آکاشیک به من کمک کنید (نام قانونی فعلی شخص)
را بدانم،

برای دیدن (نام قانونی فعلی شخص) از چشم اربابان سوابق،
و من را قادر می سازد تا در خرد و شفقت که استادان، معلمان،
و عزیزان (نام قانونی فعلی شخص) برای (او) دارند.

در پرتو سوابق آکاشیک به من کمک کنید (نام قانونی فعلی شخص)
را بدانم،

برای دیدن (نام قانونی فعلی شخص) از چشم اربابان سوابق،

و من را قادر می سازد تا در خرد و شفقت که استادان، معلمان، و عزیزان (نام قانونی فعلی شخص) برای (او) دارند. با گفتن این قسمت با صدای بلند، افتتاح رکوردها را اعلام کنید:

رکوردها اکنون باز هستند.

دعای ختم

این قسمت را با صدای بلند بگویید:

از محبت و همدردی اساتید، معلمان و عزیزان تشکر می کنم.

من می خواهم از لردهای رکوردهای آکاشیک به خاطر دیدگاهشان تشکر کنم.

و من می خواهم از روح القدس نور برای همه دانش و شفا تشکر کنم.

رکوردها اکنون بسته شده است. آمین

رکوردها اکنون بسته شده است. آمین

رکوردها اکنون بسته شده است. آمین

بعد از...

• گاهی اوقات ممکن است احساس کنید که هنوز در حال دریافت اطلاعات هستید. این مانند موقعی است که شیر آب را مبندید در حالیکه هنوز مقداری آب در لوله ها هست . شما کار را تمام

کردید ولی هنوز مقداری انرژی اطلاعات در خط لوله انرژی باقی مانده است . دعای ختم را با صدای بلند تکرار کنید . اطلاعات به طور کامل متوقف می شود.

• اگر تا مدت ها پس از پایان خواندن متوجه شدید که در مورد شخصی فکر می کنید یا نگران آن هستید، دعای ختم را با صدای بلند تکرار کنید تا خیالتان راحت شود.

توسعه «بالا بردن وسعت و عمق آگاهی»

هنگام خواندن آکاشیک برای دیگران، هدف شما این است که عاشق تک تک روح ها شوید! این امر مستلزم ایجاد «بالا بردن آگاهی» است که به شما امکان می دهد فردی را که در مقابل شما نشسته است از طریق دیدگاه عالیترو گسترده تر استادان، معلمان و عزیزان مشاهده کنید. به عبارت دیگر، اگر در حین دریافت اطلاعات درباره شخص، همچنان به دنبال نور بگردید و آن را دنبال کنید، نور همچنان که شما را از حقیقتی به حقیقت دیگر منتقل می کند، تقویت و گسترش می یابد.

اگر در حین مطالعه در تلاش برای حفظ بالا بردن هوشیاری خود هستید، می توانید از استادان، معلمان و عزیزان فرد کمک بگیرید و بپرسید: «نور اینجا کجاست؟ لطفا به من نشان بدهید. مرا به نور متصل

نگه دار تا بتوانم به ارتقای این روح به بهترین نسخه بعدی خود کمک کنم (به بالاترین سطح خوبی از خودش).» سپس در حالی که استادان، معلمان و عزیزان آنچه را که باید ببینید، به شما نشان می دهند، آرام باشید.

البته، حفظ بالای سطح هوشیاری فقط در مورد زمانی که برای دیگران مطالعه می کنید صدق نمی کند. حفظ این دیدگاه زمانی که خودتان مطالعه می کنید به همان اندازه مهم است. وقتی رکوردهای آکاشیک خود را باز می کنید، انتقاد، کنایه یا قضاوت می شنوید؟ آیا اطلاعات کمتر شبیه اساتید، معلمان و عزیزان شماست و بیشتر شبیه خود گویی شماست؟ سپس بخواهید که حقیقت را در مورد خودتان و پاسخ هایی که به دنبال آن هستید را نشان دهید. باز هم، اگر احساس مقاومت می کنید یا اگر آن افکار منفی ادامه پیدا می کنند، بدانید که چیزی برای ترس وجود ندارد. شما توسط نور و عشق احاطه شده اید، و با شهامت شناخت حقیقت آغشته شده اید که همیشه، در نهایت، مفید و مثبت است.

در اینجا مدیتیشنی وجود دارد که می توانید از آن برای تقویت سطح هوشیاری خود استفاده کنید. قبل از شروع مراقبه، رکوردهای آکاشیک خود را باز کنید. سپس کلمات زیر را به آرامی بخوانید و بین پاراگراف

ها مکث کنید تا چشمان خود را ببندید و هر صحنه یا ایده را تجسم کنید.

مراقبه

آگاهی خود را به رابطه خود با سوابق آکاشیک خود باز کنید.

خود را به حضور اساتید، معلمان و عزیزان خود باز کنید... تا جایی که می توانید به روی واقعیت خرد و شفقت آنها نسبت به شما باز باشید. این گروهی است که تعهدشان به شما آنقدر عمیق و تزلزل ناپذیر است که هیچ کاری نمی توانید برای ترساندن یا دور کردنشان انجام دهید. آنها همیشه در کنار شما هستند.

از استادان، معلمان و عزیزان خود بخواهید که به شما نشان دهند که چگونه آنها شما را به عنوان عاملی برای رکوردهای آکاشیک می بینند چگونه آنها رابطه شما با رکوردها را درک می کنند و چگونه در کار در رکوردها از شما حمایت می کند.

شما در این مرحله به خاطر شخصیتی که هستید به آکاشا فراخوانده شده اید. از استادان، معلمان و عزیزانتان بپرسید: «چرا حالا؟ چرا این شخصیت؟ چرا این تجسم؟» آنها در مورد نقش آکاشیک رکوردها در تغییر شکل سیاره در این زمان چه می گویند؟ آنها مشارکت شما را از

طریق رکوردها در تغییر و التیام نیروی حیات در این سیاره در این زمان چگونه می بینند؟

به خود اجازه دهید از ستون نوری که در اطراف شما می بارد آگاه شوید. تک تک ستون نور خود را بردارید و اجازه دهید با ستون نوری که توسط همه دانشجویان آکاشا ایجاد شده است، ادغام شود. اینجاست ... حالا ... لنگر انداخته است و تا جایی که آگاهی شما را می برد ... و سپس از آنجا بیرون می رود.

وارد ستون نور شوید و رو به بیرون بروید. همان طور که به بیرون نگاه می کنید، می توانید نقاطی از نور را ببینید که در سراسر جهان پخش می شوند. نور ارواح در حال بیدار شدن و دیدن نور خود و دیدن آن در دیگران. نورها را در حال گسترش ببینید ، یک روح در یک زمان ببینید.

یک انبساط، یک تقویت، یک تسریع نور وجود دارد . به قدری که کل قاره پر از نقاط نور است ... با سایر نقاط نور متصل می شود . و در سراسر جهان پخش می شود ... تا زمانی که آشکارترین نیروی غالب در این سیاره نور روح ابدی است. بگذار باشد.

اکنون توجه خود را به این لحظه و این کتاب برگردانید و رکوردهای آکاشیک خود را ببندید.

از آغازگر تا شروع کننده

تبریک می گویم. پس از رسیدن به این حد در کتاب، اکنون می دانید که چگونه از فرآیند دعای مسیر برای دسترسی به قلب سوابق آکاشیک استفاده کنید. اکنون که این دانش را دارید، می توانید از اطلاعات قسمت دوم برای تقویت کار خود در رکوردها استفاده کنید، در حالی که یاد می گیرید به عنوان یک خواننده، تمرین کننده آکاشیک با دیگران کار کنید.

بخش دوم : استفاده از سوابق آکاشیک برای شفای خود و دیگران

فصل پنجم : انرژی درمانی در سوابق آکاشیک

به سطح بعدی کار خود در Akashic Records خوش آمدید. این سطح شامل تعمیق درک شما از نحوه کمک سوابق به افراد برای دستیابی به شفا است. همان طور که ما شروع به کشف انرژی درمانی در سوابق می کنیم، ممکن است مفید باشد که معنای کلمه «التیام» را مرور کنیم :

برای غلبه بر یک وضعیت نامطلوب؛

برای بازگرداندن خلوص یا یکپارچگی اصلی؛

برای بازگشت به حالت مبدا.

این اشکال شفا به طور طبیعی در سوابق اتفاق می افتد، زیرا هر خوانش آکاشیک به ما امکان می دهد خودمان را آن گونه ببینیم که توسط استادان، معلمان و عزیزانمان دیده می شویم، می شناسند و دوست دارند: اساساً خالص و سالم. هنگامی که ما خلوص و سلامت خود را در حین مطالعه می بینیم و شروع به دانستن این حقیقت در مورد خود می کنیم، شناخت ما اولین قدم در شفای ما می شود. این به ما کمک

می کند تا شروع به باز گرداندن خود به خلوص و یکپارچگی اولیه، به حالت اولیه خود کنیم و به این ترتیب شفای ما آغاز می شود. در این مرحله ممکن است از خود بپرسید، اگر برای شروع درمان، دیدن خودم متفاوت است، پس چرا خودم نمی توانم این کار را انجام دهم؟ چرا به سوابق آکاشیک نیاز دارم تا به من بگوید من کیستم؟ من از قبل می دانم که هستم. پاسخ هم ساده و هم پیچیده است. وقتی ما انسان ها به زندگی خود نگاه می کنیم، ادراکات ما هم توسط بدن فیزیکی فعلی ما و هم به آن محدود می شود، که تجربیات زمینی کنونی خود را در این زندگی بشری فعلی داریم. بنابراین از دیدگاه انسانی خود، ما بیماری و نقص را می بینیم. ما اغلب احساس می کنیم که چیزی اشتباه است یا گم شده است. با این حال، زمانی که ما فرصتی برای مشاهده ماهیت واقعی خود از منظر رکوردها داشته باشیم، تصویر متفاوتی را می بینیم. ماهیت ما به عنوان مظاهر منبع الهی، جوهر واقعی ما تمامیت ابدی، سلامت ابدی و خیر ابدی است. همان طور که اغلب گفته می شود، ما موجودات الهی در بدن فیزیکی هستیم که تجربیات انسانی در این سیاره را داریم. سوابق آکاشیک این حقیقت را روشن می کند و به ما کمک می کند آن را به خاطر بسپاریم و درونی کنیم، بنابراین مجبور نیستیم در توهم بمانیم.

زمانی که برای یک معاینه پزشکی عمومی معمولی رفتم ،
تشخیص داده شد که به یک اختلال قلبی شدید مبتلا هستم.
من خودم یک پزشک هستم و این تشخیص برایم کاملاً عجیب
بود. می دانستم که باید راهی برای درمان قلبم پیدا کنم. آن
زمان بود که کشف کردم چگونه از رکوردهای آکاشیک برای
بهبودی خود استفاده کنم. یادگیری انجام آن دیالوگ جدیدی را
با قلبم باز کرد. قلب من برای شفا گشوده شد و نور شفابخش
دریافت کرد.

لورا

یکی از پارادوکس های بزرگ سفر معنوی این است که در سطح روح
شما از هر نظر بی نقص هستید، اما در شکل فیزیکی فعلی تان ممکن
است از محدودیت های بسیار واقعی مانند بیماری روحی یا جسمی،
بیماری مزمن، مشکلات مالی یا مشکلات روابط و تعاملات اجتماعی
دیگر رنج ببرید. همان طور که در مسیر معنوی خود قدم می گذارید،
از شما خواسته می شود که این حقایق به ظاهر متضاد را در درون
خود نگه دارید: بنابراین در حالی که روح نامتناهی شما کامل و بی
عیب است، خود انسانی محدود شما ممکن است از یک بیماری لاعلاج
رنج ببرد. یکی از راه های آشتی دادن این تناقض این است که تشخیص
دهیم این دو حقیقت به طور همزمان در دو بعد متفاوت وجود دارند.

حقیقت کمال سطح روح در بعد نامرئی درون وجود دارد، در حالی که حقیقت جسمانی بیماری در بعد ظاهری وجود دارد. اما این دو حقیقت یکدیگر را نفی نمی کنند. آنها صرفاً تا زمانی که بدن فیزیکی خود را ترک کنید و در پایان این عمر فعلی کاملاً روح و یک کل شوید، همزیستی می کنند. درک این پارادوکس معنوی به ما امکان می دهد تشخیص دهیم که بیماریها و بلایا از هر نوعی که باشند، نه ادعایی هستند و نه بیانگر وضعیت روح. در عوض، آنها تجربیاتی هستند که ما به عنوان انسان با هدف یادگیری دوست داشتن خود و دیگران علیرغم (یا اغلب، به دلیل) آن بیماری ها یا بلایا با آنها روبرو می شویم. چگونه انرژی درمانی در سوابق آکاشیک رخ می دهد؟ چگونه به مشتریان خود کمک می کنید تمامیت اساسی خود را به خاطر بسپارند؟ خوب، برخلاف سایر انرژی درمان ها، به عنوان یک تمرین کننده آکاشیک، شما انرژی مشتری را در طول مطالعه ارسال، هدایت، حذف یا دستکاری نمی کنید. در عوض، سوابق مشتری را باز می کنید و از نور آکاشا می خواهید جوهر واقعی آن روح را آشکار کند، به طوری که در طول مدت خواندن (و تا حدودی بعد از آن)، آن شخص بتواند خود را از سطح بالاتر تجربه کند. آگاهی که سوابق ارائه می کنند. به عنوان خواننده، شما فقط «سوئیچ را می چرخانید» که اجازه می دهد این روشنگری شروع شود. سپس همان طور که در حین خواندن

حقیقت را می گوئید، نور سوابق تشدید و شتاب می گیرد و اطلاعات بر اساس انرژی کلمات گفتاری شما به مشتری شما منتقل می شود. هنگامی که انرژی و اطلاعات به اندازه کافی در آگاهی و وجود فیزیکی مشتری شما ثبت شود، باعث تغییر، انبساط و گشایش می شود که باعث می شود شفا در هر سطحی که لازم است رخ دهد (ذهنی، جسمی، عاطفی، معنوی، پرانرژی. ، روح یا هر ترکیبی از آنها).

من بخش اعظم زندگی ام را گذراندم و احساس می کردم که یک فرد خارجی هستم و دائما به دنبال جایی بودم که به آن تعلق دارم. در تلاشم برای تناسب، کتاب های خودیاری و معنوی خواندم، خوانده شدم و شفا داشتم و روش های معنوی مختلف را آموختم. همه این ها کمک کرد، اما تمایل من به احساس تعلق و آرامش درونی را به طور کامل برطرف نکرد. مثل بستن پانسمان روی یک زخم باز بود (زخمی که التیام نمی یابد و با توجه به شرایط جدید مدام پاره می شود). من در ابتدا برای یادگیری دسترسی آگاهانه به سوابق آکاشیک مردد بودم زیرا به طور شهودی احساس کردم که تغییر عمیقی در انتظارم است. با این حال، با دسترسی به رکوردها برای اولین بار، بلافاصله با احساس تعلق و آرامش کامل پر شدم. برای اولین بار احساس کردم که در خانه هستم. امروز من همچنان آکاشیک رکوردها را خانه می

نامم، و از طریق همین منبع معنوی است که همچنان بر عشق، پذیرش و خرد تکیه می‌کنم تا از بالا و پایین‌های زندگی حمایت و راهنمایی کنم، در حالی که درک می‌کنم که دقیقا به کجا تعلق دارم. من هستم.

ژانت

اگرچه مشتری شما ممکن است فوراً تشخیص ندهد که هر نوع شفای رخ داده است، اما شما به عنوان خواننده متوجه می‌شوید که بیشتر شفاهای در سوابق با گشایش‌های ظریفی در آگاهی مردم شروع می‌شوند. آن گشایش‌ها سپس به تغییرات عمیق‌تری منجر می‌شوند که افراد را قادر می‌سازد تا افکار و عادات ناسالم را رها کرده و آنها را با افکاری جایگزین کنند که به طور قابل توجهی زندگی آنها را غنی می‌کنند. و در هر صورت، آنچه که این شفاهای را مجاز می‌کند، درک این حقیقت است که ما هرگز از منبع خلقت خود جدا نیستیم. بنابراین، ما همیشه (در هر لحظه و با وجود همه ظواهر زمینی) خوب، کامل، خوب و سالم هستیم. همان‌طور که ما راه خود را برای درک این حقیقت در سطح روح باز می‌گردانیم، در حالتی از فیض قرار می‌گیریم که اجازه می‌دهد شفای مداوم رخ دهد (البته در ابتدا، در ظریف‌ترین سطوح).

به عنوان یک خواننده تمرین کننده آکاشیک، نقش ها و مسئولیت های من چیست؟

یکی از راه های نگریستن به نقش خود به عنوان یک خواننده تمرین کننده آکاشیک این است که خود را به عنوان بازسازی کننده مصنوعات و مشتریانان به عنوان ظروف شفافیت تصور کنید که در طول اعصار گرد و غبار جمع آوری کرده اند. برخی از رگ ها آنقدر با گرد و غبار پوشیده شده اند که دیدن زیبایی پنهان آنها دشوار است. هنگامی که به صورت سطحی نگاه می شوند، حتی ممکن است غیر جذاب یا ناقص به نظر برسند. با این حال، هنگامی که آنها با ارتعاش آگاهی و دعا تمیز می شوند، گرد و غبار کم و کمتر می شود و می توانید کمال آنها را ببینید. با این حال، باید این فرآیند را با ظرافت انجام دهید: افزایش ارتعاش خیلی سریع با بیش از حد می تواند به برخی از عروق آسیب برساند، اما افزایش ارتعاش با سرعت مناسب گرد و غبار را به آرامی از بین می برد و آنها را به یکپارچگی اولیه باز می گرداند.

به عنوان یک تمرین کننده رکوردهای آکاشیک، نقش شما این است که اجازه دهید ابتدا انرژی آکاشیک و در مرحله بعد اطلاعات را انتقال دهید. این ترتیب ضروری است زیرا ارتعاش پرانرژی رکوردها همان چیزی است که اطلاعات روی آن حرکت می کند. بنابراین با «حمام

کردن» مشتریان خود در این انرژی و دادن اطلاعات به آنها، به آنها اجازه می دهید «گرد و غبار خود را بریزند» تا بتوانند خود واقعی خود را در نور سوابق ببینند.

اگرچه نقش شما ممکن است در ظاهر ساده به نظر برسد، اما آمادگی لازم برای تبدیل شدن به یک خواننده خوب از اهمیت حیاتی برخوردار است و ممکن است کمی زمان و تلاش نیاز داشته باشد. آمادگی شخصی شما یک فرآیند درونی مداوم است که شامل درک خود در سطح روح و درک کامل و سلامتی در سطح روح خود است.

همان طور که شما در سوابق خود و در سوابق دیگران کار می کنید، یک شفا طبیعی رخ می دهد. با قرار دادن آگاهانه و مسئولانه خود در انرژی رکوردها، این فرآیند شفا را آغاز می کنید. هر بار که رکوردها را باز می کنید، صلح، عشق، نور و خوبی شما را احاطه کرده و القا می کند و شما و میدان انرژی شما را با کیفیت بالاتر نیروی زندگی آکاشیک پر می کند. همان طور که این اتفاق می افتد، ارتعاشات پرنرژی هم در داخل و هم در اطراف شما تسریع می شود و هر ارتعاشی که آماده حرکت با سرعت بیشتری باشد، این کار را انجام می دهد. سپس آن ارتعاشات تسریع شده را به عنوان احساسات بالا و حواس افزایش یافته تجربه می کنید.

هر زمان که به رکوردهای آکاشا دسترسی پیدا می کنید، انرژی آکاشا با انرژی انسانی شما ملاقات می کند و باعث نوعی "اشتعال می شود، همان طور که نور آکاشا (که بسیار سریع و تصفیه شده و در عین حال تخریب ناپذیر است) با انرژی آهسته تر و سنگین تر انسانی شما برخورد می کند. وقتی این اتفاق می افتد، انرژی های سبک تر به هم می پیوندند تا ارتعاش سریع تری ایجاد کنند و انرژی های سنگین تر و متراکم تر مرتبط با احساسات منفی و الگوهای فکری تکراری از بین می روند و توسط میدان انرژی زمین جذب می شوند. در آنجا، آنها به الگوهای انرژی تبدیل می شوند که در سطح فیزیکی مفیدتر هستند. بنابراین، صرفاً با قرار گرفتن در رکوردهای یک «تنظیم پرانرژی» دریافت می کنید که به شما کمک می کند انرژی خود را اصلاح و افزایش دهید و به طور مؤثرتری به مشتریان خود خدمت کنید. همان طور که در هنگام توضیح دعای مسیر اشاره کردم، رابط انرژی آکاشیک و انسان حدود هجده اینچ بالاتر از تاج شما، در چاکرای هشتم شما شروع می شود. در آن نقطه، انرژی آکاشیک از طریق یک لوله توخالی یا ستونی از نور جریان می یابد که از طریق آن انرژی آکاشیک به بعد داخلی و بینهایت شما حرکت می کند. این بعد شما را از طریق شخصی که در این زندگی هستید به کیهان متصل می کند. در این بعد، شما می توانید آرایش عاطفی فعلی خود، ساختار و الگوهای ذهن خود،

منابع اراده، رویاهای خود، روح خود، رابطه خود با خداوند و تمام بخش های دیگر خود را که می دانید واقعی هستند، بیابید. اما با چشمان فیزیکی خود نمی توانید ببینید.

تا کنون، من به آمادگی پزشک شما که از طریق سوابق آکاشیک رخ می دهد، پرداخته ام. با این حال، نوع دیگری از آمادگی وجود دارد که شامل مشارکت فعال و عمدی شما می شود. انجام کار مؤثر در رکوردها و تبدیل شدن به بهترین خواننده ای که می توانید باشید، مستلزم مسئولیت پذیری در قبال اینکه چه کسی هستید، کجای زندگی هستید و چگونه با زندگی ای که دارید سر و کار دارید. هر چه بیشتر مسئولیت حل مسائل شخصی خود را بر عهده بگیرید و آنها را از ذهن و بدن خود پاک کنید، فضای بیشتری در درون خود ایجاد می کنید تا نور و سلامت بیشتری را در خود جای دهید.

کار در *Akashic Records* نه تنها زندگی من را به سمت بهتر شدن تغییر داده است، بلکه به معنای واقعی کلمه زندگی من را نجات داده است. امروز خوشحال و آزاد هستم، با درک اینکه کی هستم و چرا اینجا هستم. من برای همیشه از استادان، معلمان و عزیزانم و برای انرژی خود رکوردها سپاسگزار خواهم بود.

پائول

فقط برای روشن بودن، مسئولیت پذیری خود را نباید با مقصر دانستن عقاید و اعمال دیگران اشتباه گرفت. شما فقط مسئول خودتان هستید و برای انجام بهترین کاری که می توانید انجام دهید. بنابراین در این زمینه، مسئولیت پذیری به معنای پذیرفتن زندگی خود بدون سرزنش و درک این است که هر چیزی هدفی الهی دارد حتی اگر همیشه آشکار نباشد. پذیرش در این راه نه نشانه استعفا است و نه شکست. در عوض به این معناست که به مکانی آرام برسید و بتوانید به خودتان بگویید، این چیزی است که من هستم و این زندگی من است. من هر چیزی را که بتوانم تغییر می دهم و آنچه را که نمی توانم تغییر دهم رها خواهم کرد. در هر صورت، من تمام تلاشم را می کنم. و با انجام تمام تلاشم به عنوان یک فرد، به عالی ترین خبر از همه کمک می کنم. دیگر نیازی نیست که برای بهتر کردن اوضاع برای من به شخص دیگری نگاه کنم. من مسئولیت زندگی ام را می پذیرم و برای خودم انتخاب خواهم کرد. و تا زمانی که اینجا روی این زمین هستم از نتایج آن انتخاب ها لذت خواهم برد.

رسیدن به مکانی پر از آرامش و مسئولیت شخصی مستلزم این است که به درون خود نگاه کنید تا الگوهای تفکر، احساس و رفتاری را بیابید که باعث درد شما شده است. خوشبختانه، شما رکوردهای آکاشیک را دارید که به شما در این فرآیند کمک می کند. با راهنمایی

استادان، معلمان و عزیزان خود، می توانید با خیال راحت بررسی کنید که چه کسی هستید و در مورد زمینه هایی که نیاز به کار دارند صادق باشید. سپس می توانید شروع به ایجاد تغییراتی در زندگی خود کنید که از جهت معنوی جدید شما پشتیبانی می کند، شما را برای تطبیق نور بیشتر باز می کند و به شما اجازه می دهد از مکانی سرشار از شفقت و فیض زندگی کنید.

همان طور که در حین کار در سوابق خود متوجه خواهید شد، راه برای تجربه بزرگترین آرامش، آزادی و شادی این است که توجه خود را از دیگران و کارهایی که انجام داده اند یا نکرده اند حذف کنید و در عوض خودتان را بررسی کنید. همان طور که از خود می پرسید، من چگونه پاسخ داده ام؟ سهم من در این شرایط چیست؟ چرا خودم را از مهربانی و دوست داشتن باز میدارم؟ شما شروع به کشف راه هایی برای درمان خود خواهید کرد.

از طریق کارم در رکوردها، خودم را شناختم. زندگی پر از معنا و هدف و وضوح است و در عین حال شگفت انگیز و اسرار آمیز است. احساس دوری و فشار وجودی که بر زندگی من مسلط شده بود از طریق کار من در رکوردها افزایش می یابد. من در پذیرش افراد آن طور که هستند بسیار توانمند تر شده ام و فکر نمی کنم وظیفه من است که آنها را درست کنم. حس قضاوت

من که دیواری بین من و دیگران بود آرام شده است. هنوز وجود دارد، اما به جای اینکه تهاجمی و انتقادی باشد، انرژی پذیرنده و مهربان است.

هما

روند خودیابی و شفا در حال انجام است. این مانند مدرسه ای است. زمان هایی وجود خواهد داشت که احساس آرامش و شادی و آزادی می کنید. مواقع دیگر در ایده ها و رفتارهای قدیمی گیر می کنید و احساس می کنید به سختی پیشرفت می کنید. چنین زمان هایی برای همه انسان ها اجتناب ناپذیر است. فقط یک مکان ساکت پیدا کنید و رکوردهای خود را باز کنید. استادان، معلمان و عزیزان شما خوشحال خواهند شد که از شما حمایت کنند و به شما در بازگرداندن هماهنگی و تعادل کمک کنند.

گاهی اوقات این اثر می تواند طاقت فرسا به نظر برسد، اما بخشی ضروری از یک خواننده مسئول آکاشیک است. همان طور که در این مسیر مسئولیت شخصی ادامه می دهید، در درک و عشق به خود و دیگران رشد خواهید کرد. این ویژگی ها از طریق شما می درخشد و شما را به چراغی از نور و شفا برای هر کسی که با آن روبرو می شوید تبدیل می کند. مهارت و موفقیت شما به عنوان یک تمرین کننده آکاشیک به رابطه تان با خودتان، روند بهبودی خودتان و تمایل شما

برای رهبری شدن توسط نیروهای نور بستگی دارد. همان طور که این کارها را انجام می دهید، به طور طبیعی پتانسیل خود را برای تابش عشق و اراده خوب به دنیای خود و کمک به دیگران با درک، مهربانی و قدرت از طریق خواندن رکورد آکاشیک خود درک خواهید کرد.

همان طور که عمیق تر به سمت انرژی درمانی در سوابق حرکت می کنید، متوجه خواهید شد که سطح آمادگی شخصی شما توانایی شما را برای کنار گذاشتن مسیر تعیین می کند تا درمان بتواند به بهترین شکل برای مشتریان شما اتفاق بیفتد. همچنین متوجه خواهید شد که دانش و درک شما از این فرآیند به بهبودی مشتریان شما کمک می کند. چند دلیل برای این وجود دارد:

- انجام کار انرژی درمانی خود در رکوردها به شما آگاهی مستقیمی از نحوه عملکرد این فرآیند می دهد. همان طور که با سه سطح انرژی درمانی (که به زودی در مورد آنها صحبت خواهیم کرد) بیشتر آشنا می شوید، تغییر انرژی را که در هر سطح اتفاق می افتد سریعتر تشخیص می دهید. سپس توانایی شما در تشخیص این تغییرات در طول خواندن خود به شما کمک می کند تا آنها را در خوانش مشتریان خود تشخیص دهید. در نتیجه، می توانید به مشتریان خود کمک کنید تا انرژی شتاب گرفته نور را آسان تر تطبیق دهند و ارتعاش شفابخش آن را عمیق تر تثبیت کنند.

- انجام کار انرژی درمانی خود در رکوردها به شما کمک می کند تا یاد بگیرید که به فرآیند اعتماد کنید، که به شما کمک می کند از مسیر خود خارج شوید. بخشی از دعای افتتاح را به خاطر می آورید که می گوید: «من را از هر گونه خود محوری محافظت کن و توجه من را به کاری که در دست دارم معطوف کن؟» اگر به فرآیند و توانایی خود در به کار گیری آن ایمان داشته باشید، می توانید در نور ثابت بمانید و بر مشتری خود تمرکز کنید بدون اینکه نگرانی ها با ترس های غیر ضروری شما را پرت کنند.
- صحبت از خروج از مسیر خود انجام کار انرژی درمانی خود در رکوردها سریعترین راه برای ایجاد یک سطح بالاتر و واضح تر از آگاهی است. یک سطح بالای آگاهی توسعه یافته به خوبی به بالا رفتن سطح آگاهی شما کمک می کند و کمک می کند خود را از «غبار» خود رها کنید که سبب میشود شما از قضاوت ها، نگرش ها و واکنش ها رها شوید. (چه در داخل و چه خارج از سوابق).
- اجازه دادن به احساسات شخصی شما در حین خواندن، مانع از جریان نور می شود و توانایی شما را در تشخیص حقیقت سطح روح در مورد یک شخص یا یک موقعیت مسدود می کند. با این حال، وقتی قضاوت های خود را پاک کرده اید و حقیقت را در

مورد خود می دانید، تشخیص حقیقت در مورد دیگری بسیار آسان تر است. بنابراین، به جای قضاوت کردن یک شخص از دیدگاه و آگاهی انسانی خود، می توانید به خود بگویید، چون من طبیعت الهی این روح را همان طور که خودم می شناسم می شناسم، می دانم که خوبی و تمامیت این شخص در آنجاست. من نور را دنبال خواهم کرد تا زمانی که جوهر واقعی این روح را ببینم و بتوانم به او کمک کنم تا آن را نیز ببیند. به نوعی، این فرآیند مانند حفاری برای طلا است: وقتی مطمئن هستید که وجود دارد، به کندن ادامه می دهید زیرا می دانید که هر چه عمیق تر می شوید، به ثروتمند شدن نزدیک تر می شوید. اما اگر با «تجهیزات معیوب» کار می کنید، این روند بسیار دشوارتر می شود.

بیایید تا اینجا چیزها را خلاصه کنیم. نقش شما به عنوان یک خواننده تمرین کننده آکاشیک این است که از انرژی و اطلاعات سوابق برای تشخیص حقیقت سطح روح جوهر خود و همچنین جوهر هر مشتری استفاده کنید. سپس همان طور که مطالعه می کنید، این شناخت در سطح روح، انرژی و دیدگاه مشتری شما را بالا می برد و تغییر می دهد تا او نیز بتواند حقیقت را تشخیص دهد و سپس بهبودی رخ دهد.

این هم نقش شماسست و هم هدف شما - متأسفانه، با این حال، ممکن است هدف آگاهانه مشتری که برای او مطالعه می کنید نباشد!

اگرچه در برخی از سطوح پایه، همه روح ها مایلند تمامیت و یگانگی خود را با تمام آفرینش تجربه کنند، اما همه انسان هایی که برای مطالعه به شما مراجعه می کنند آگاهانه از این میل آگاه نیستند. به عبارت دیگر، آنها در آن زمان «عشق» را احساس نمی کنند (برای خودشان یا دیگران). بنابراین، اگر برای مثال «جو» را می خوانید و شروع می کنید به او بگویید چقدر دوست داشتنی است (زیرا این جوهر واقعی او است که توسط اساتید، معلمان و عزیزانش آشکار شده است، او ممکن است آنچه را که شما می بینید ناراحت کننده بیابد و می گوید که اولین گزینه او رد کردن آن و اصرار بر این است که درست نیست. به خصوص اگر او برای راهنمایی در مورد «اشتباهی» که تصور می کند مرتکب شده است آمده باشد، افکار او در مورد خودش در آن لحظه چیزی جز مثبت و مهربان خواهد بود. بنابراین اطلاعات آکاشیک که با جو به اشتراک می گذارید با آنچه که او در مورد خودش می داند مطابقت ندارد و از نظر انرژی قادر به دریافت آن نخواهد بود.

در این شرایط چه می کنید؟ اول از همه، غیر قابل انعطاف باقی بمانید. مشکلی نیست. جو خوبه تو خوبی. حقیقت پشت واکنش جو را بشناسید و اجازه ندهید که شما را از نور بیرون بیندازد و به افکار،

ترس ها و قضاوتهایتان بیافزاید. در عوض، فقط یک لحظه ثابت بمانید. یک نفس عمیق بکشید، یک جرعه آب بنوشید و/یا دوباره قسمت بی صدا دعا را با خود بگویید. (به من کمک کنید تا «جوزف آلن وودساید» را در پرتو سوابق آکاشیک بشناسم، «جوزف آلن وودساید» را از چشم اربابان رکوردها ببینم، و به من کمک کنید تا در خرد و شفقت استادان، معلمان، و عزیزان «جوزف آلن وودساید» برای او هستندا) و اعتماد داشته باشید که استادان، معلمان و عزیزان جو شما را در نور متمرکز خواهند کرد تا بتوانید راهنمایی آنها را دریافت کنید.

در چنین لحظه ای، بسیار مهم است که بفهمیم این ممکن است برای اولین بار در مدت زمان زیادی باشد که جو چیزهای خوبی در مورد خود می شنود، و عدم تطابق در برداشت ها ممکن است آنقدر دلخراش باشد که او نه مایل باشد و نه قادر به پذیرش آنچه درست و واقعی است. برای مثال، در سطح یک، او ممکن است احساس کند که شما با تصویر «راحت» و آشنای او از خودش نا آشنایید مثل این است که او در آینه نگاه می کند و انتظار دارد آنچه را که همیشه می بیند ببیند، اما تصویری که شما منعکس می کنید. بازگشت به او آنقدر بیگانه است که آن را کاملاً ترسناک می یابد. در سطحی دیگر، جو ممکن است احساس کند که شما با مجهز بودن به نور لیزری آکاشا میخواهید نمای توهمی که او ساخته است را سوراخ می کنید و

بدینوسیله عدم تمایل خود را برای درک، بخشش، تغییر، تصمیم گیری، درمان و حرکت به سمت جلو را توجیه می کند. زندگی اما او برای مطالعه اینجاست، اینطور نیست؟ با وجود تمام لگد زدن ها و فریادهای جو انسانی، روح ابدی که در حال حاضر با نام جوزف آلن وودساید شناخته می شود، برای شفای خود ظاهر شده است. این روح شجاع به این دلیل که به تنهایی نمی تواند این کار را انجام دهد کمک میخواهد و شما به درخواست کمک او پاسخ دادید. و دقیقا در چنین لحظاتی است که تمام کارهای شفابخش شخصی شما در رکوردها از شما به عنوان یک خواننده تمرین کننده حمایت می کند. همچنین زمانی است که شما باید آنچه را که من سه سطح شفا در سوابق آکاشیک می نامم را دنبال کنید.

سه سطح شفا در سوابق آکاشیک

حل دائمی هر مشکلی مستلزم تکامل دائمی روح است. به عبارت دیگر، برای اینکه مردم هر نوع شفای را در سوابق داشته باشند، ابتدا باید تغییری دائمی در نحوه درک خود از خود تجربه کنند. سپس این ادراک جدید در نهایت می تواند منجر به تغییر در نحوه رفتار آنها با خود شود. اما گاهی، مانند مورد جو، مردم نمی توانند آن تغییرات را تجربه کنند، مگر اینکه شما، تمرین کننده خواندن آکاشیک، آنها را از

طریق سه سطح شفا هدایت کنید: داستان را از دیدگاه مشتری درک کنید، به دنبال علل و شرایط باشید. و حقیقت سطح روح را بشناسید.

سطح ۱: داستان را از دیدگاه مشتری درک کنید

در طول اولین سطح شفا، شما در سطح مشکل و تظاهرات فیزیکی آن کار خواهید کرد. وقتی مردم برای مطالعه به شما مراجعه می کنند، معمولاً به این دلیل است که مشکل یا موقعیتی دارند که نمی توانند به تنهایی حل کنند. آنها ممکن است ناراحت، عصبانی، آسیب دیده، گیج و حتی ناامید باشند و ممکن است شما آخرین راه حل آنها باشید. بنابراین اولین کاری که باید بعد از باز کردن رکوردهای مشتری انجام دهید این است که به داستان او گوش دهید. به مشتری خود اجازه دهید تا مشکل را همان طور که در حال حاضر می بیند توصیف کند این مشکل چیست، چگونه و چه زمانی شروع شده است، چه کسی در گیر است و چه عوارضی ایجاد کرده است. در حالی که گوش می دهید، بدون قضاوت یا پیش داوری، شخص و داستان را کاملاً بپذیرید، زیرا می دانید که این انسان بهترین کاری را انجام داده است که می تواند انجام دهد. شما همچنین می دانید که آنچه می شنوید حقیقت گذرا این شخص است، همان طور که از دیدگاه انسانی او گفته می شود، و لزوماً حقیقت سطح روح نیست.

از آنجایی که انرژی بر روی کلمه گفتاری حرکت می کند، تصدیق شفاهی مشکل از سوی مشتری شما اولین گام در روند بهبودی است. در اینجا مثالی از نحوه کار آن آورده شده است. بیایید بگوییم که «جیلیان» برای مطالعه به سراغ شما می آید. پس از به دست آوردن نام قانونی فعلی او، برای دسترسی به سوابق آکاشیک جیلیان، دعای افتتاح را می خوانید. هنگامی که رکوردهای او باز می شود، می گوئید: «می توانم ببینم که ناراحتی. میشه به من بگی جریان چیه؟» جیلیان سپس توضیح می دهد که به دلیل اینکه در میانه یک طلاق طولانی است، پریشان و غرق شده است. او عصبانی و تلخ است و دیگر نمی تواند تحمل کند. او در ادامه جزئیات طلاق را شرح می دهد، از جمله چگونگی و چرایی شروع روند رسیدگی و تأثیر طلاق بر زندگی او.

در حالی که جیلیان صحبت می کند، وظیفه شما این است که داستان او را بشنوید و آن را از دیدگاه او درک کنید. به جای قضاوت در مورد جیلیان، شوهرش یا خود روند طلاق، با او و داستانش بمانید. تجربیات خود را مطرح نکنید و او را با کسی که می شناسید مقایسه نکنید. فقط بنشینید و گوش کنید و مجرای باز باشید که اجازه می دهد اطلاعات در طول مدت مطالعه دریافت و منتقل شود.

ممکن است به نظر برسد که هیچ اتفاق مهمی در این سطح از خواندن جیلیان رخ نمی دهد. با این حال، اگر او بتواند داستان خود را برای

شما تعریف کند، و شما بتوانید بدون قضاوت آن را بشنوید، اولین سطح شفا رخ خواهد داد. اتفاقی که می افتد این است: وقتی جیلیان رکوردز را باز می کنید، «زنگ در آکاشیک» را به صدا در می آورید و از آکاشا می خواهید که وارد آگاهی شما شود و همچنین شما و جیلیان را در نور محاصره کند. سپس شفا را با درخواست از جیلیان برای گفتن داستان خود آغاز می کنید. همان طور که او شروع به صحبت می کند، انرژی کلمات او به نور آکاشا اجازه می دهد تا ارتعاش خود را تشدید و تسریع کند. هر چه بیشتر با دلسوزی و درک به جیلیان گوش دهید، سریعتر به نور اجازه می دهید کار خود را انجام دهد، و هر دو سریعتر به خود اجازه می دهید تا با ارتعاش شتابان نور طنین انداز شوید. هنگامی که این شتاب رخ داد، شما و جیلیان «جهش شروع» پرانرژی مورد نیاز خود را برای رفتن به سطح ۲ دریافت می کنید.

سطح ۲: به دنبال علل و شرایط باشید

این سطح از شفا شما را به حوزه علل و شرایط منتقل می کند. پس از اینکه مشتری توصیف مشکل خود را به پایان رساند، می توانید از سوابق بخواهید دلایل و شرایط آن را آشکار کند. گاهی اوقات یک علت می تواند فیزیکی باشد، مانند فردی که با بیماری خاصی متولد شده است یا پس از سال ها کار با آزبست به سرطان مبتلا شده است. در زمان های دیگر، یک علت می تواند ذهنی یا احساسی باشد، مثلاً در

مورد کسی که باور یا نگرش خاصی دارد که باعث می شود چیزی اتفاق بیفتد یا از وقوع آن جلوگیری می کند. در زمان های دیگر، یک علت می تواند «نامرئی» باشد و به دلیل تجربیات، انتخاب ها، باورها یا تأثیرات اجدادی خاص در زندگی گذشته باشد.

برخی از مشکلات را می توان در سطح ۲ التیام بخشید، زمانی که اطلاعات در مورد علت یا شرایط مورد نیاز باشد. به عبارت دیگر، وقتی مشکل کمبود درک است، اطلاعات راه حل است. به عنوان مثال، «لری» در حین گفتن داستان خود در طول سطح ۱ مطالعه، مشکل خود را به عنوان لارنژیت مزمن توصیف می کند که پزشکان او قادر به تعیین علت یا درمان آن نبوده اند. بنابراین از استادان، معلمان و عزیزان لری بخواهید که منشا مشکل او را فاش کنند. آنها زندگی گذشته ای را به شما نشان می دهند که در آن روحی که اکنون به نام لری شناخته می شود، به دلیل ابراز عقاید خود به دار آویخته شده است، و شما جزئیات این تجربه را به لری در زمانی که آنها را دریافت می کنید، مرتبط می کنید. وقتی کارتان تمام شد، لری می گوید: «اوه، مرد! الان فهمیدم! این مشکل حنجره چند سال پیش پس از تجمع اعتراضی که من ترتیب دادم شروع شد. در ابتدا خودم را به خاطر این مشکل سرزنش کردم: فکر می کردم آن روز بیش از حد فریاد زدم و به تارهای صوتی ام آسیب رساندم. اما وقتی پزشکان مرا معاینه کردند، معلوم شد

که این درست نیست. چیزی که اکنون می دانم درست است این است که ترس نهفته ام از دار زدن به دلیل صحبت کردن، باعث شد صدایم را آن روز از دست بدهم، هم به معنای واقعی کلمه و هم به صورت مجازی، زیرا این آخرین تجمعی بود که تا به حال سازماندهی یا شرکت کردم.»

برای لری، این لحظه حقیقت تنها چیزی است که او برای شفای خود نیاز دارد. او می بیند که می تواند ترس خود را از بیان عقایدش رها کند، زیرا می داند که در این عمر به خاطر بیان آنها در ملاء عام به دار آویخته نمی شود. این اطلاعات آکاشیک، همان طور که از طریق انرژی صدای شما منتقل می شود، لری را به آگاهی می رساند که هیچ مشکلی با او با صدایش وجود ندارد. او ترس خود را رها می کند و احساس آرامش می کند. و با گذشت زمان، او نه تنها صدای فیزیکی خود، بلکه شجاعت خود را برای صحبت در راهپیمایی های آینده باز می یابد.

اگرچه اطلاعات آشکار شده در سطح ۲ می تواند بسیار مفید باشد و شاید، مانند مورد لری، ممکن است تمام چیزی باشد که یک فرد برای حل یک مشکل به آن نیاز دارد هنوز هم حقیقتی گذرا در نظر گرفته می شود زیرا شما یک روح خاص را در این زمینه مشاهده می کنید.

یک تجسم انسانی گذشته و نه به عنوان جوهر واقعی آن به عنوان یک موجود ابدی الهی.

زمانی که اطلاعات فاش شده در این سطح برای رفع مشکل یا حتی باز کردن کنترل آن کافی نیست، وقت آن است که به سطح ۳ بروید.

سطح ۳: حقیقت سطح روح را بشناسید

در حالی که سطح ۱ در مورد شنیده شدن مشتریان شما است، سطح ۳ در مورد شناخته شدن آنها است. سطح ۳ حوزه حقیقت اساسی، دائمی و سطح روح است. این سطحی است که در آن شما به عنوان خواننده می توانید فردی را آن طور که در سوابق آکاشیک دیده می شود، شناخته شده و دوست داشته می شود ببینید. کار در این سطح به شما این امکان را می دهد که از قلمرو مشکل زمینی دنیوی فرد فراتر رفته و به قلمرو آگاهی الهی حرکت کنید. از این سطح است که می توانید ببینید هر آنچه که یک مشتری در حال حاضر تجربه می کند (اعتیاد به مواد مخدر، بیماری، طلاق، عواقب تصادف) در واقع کامل و ضروری است زیرا موثرترین وسیله برای رشد روح این مشتری است.

بیایید دوباره به جو برگردیم. اگر در این سطح با او صحبت می کردید، ممکن است به او بگویید که استادان، معلمان و عزیزانش چه روح قوی و شجاعی را برای انتخاب چنین درس یا مسیر دشواری می دانند.

حتی اگر او هنوز از شنیدن در مورد خوبی هایش خودداری می کند، زیرا هنوز در دیدن حقیقت مشکل دارد، شما با دیدن جو برای روح فوق العاده ای که هست، مشکلی نخواهید داشت. همچنین در درک این موضوع مشکلی نخواهید داشت که اگر چه جو ممکن است فکر کند «رگ» او لکه دار یا معیوب است، اما او همیشه پتانسیل و ابزار تغییر را در درون خود دارد. بنابراین اگر جو نمی تواند در حال حاضر «گرد و غبار خود را از بین ببرد»، او را هل ندهید. به دلایلی احساس می کند که باید آن را نگه دارد. عجله کردن یا اجبار کردن روند جو در حال حاضر می تواند به او آسیب برساند. بنابراین به جای اینکه او را به خاطر چنین احساسی قضاوت کنید، فقط به او حقیقتی را که سوابق او فاش می کند، بگویید.

به عنوان مثال، ممکن است به او بگویید که حتی اگر فعلاً آن را نداند، استادان، معلمان و عزیزانش می دانند که او بسیار بیشتر از جسم و شرایط جسمانی اش است، که روحش هرگز نمی تواند بیمار شود، و اینکه اگر چه ممکن است در حال حاضر کاملاً از خدا دور باشد، اما همیشه به خدا و همه مخلوقات خدا متصل است. از نظر انرژی، آنچه ما روی آن تمرکز می کنیم گسترش می یابد، بنابراین با اجازه دادن به جو برای تمرکز بر این حقایق، شما این فرصت را برای او فراهم می کنید که قلبش را باز کند و دیدش را نسبت به خودش گسترش دهد.

همان طور که با جو صحبت می کنید، به یاد داشته باشید که انرژی رکوردهای آکاشیک از طریق صدای شما منتقل می شود. شما نیازی به هدایت انرژی ندارید. نور به جایی که باید برود خواهد رفت و آنچه را که نیاز دارد فراهم خواهد کرد. تا زمانی که حقیقت را در مورد جو بیان کنید، او با ارتعاش آن طنین انداز می شود و شروع به دریافت شفای خود می کند حتی اگر این شفا شامل صلح با بیماری یا نقص انسانی زودگذر او باشد، و حتی اگر به معنای درک این باشد که گاهی اوقات این بیماری است. یا خود نقصی که منجر به عمیق ترین شفای روح و غنی ترین تجربه شناخت خدا می شود.

همان طور که از سطح ۳ خارج می شوید و برای بستن رکوردها آماده می شوید، مهم است که به یاد داشته باشید که نتیجه خواندن هرگز به شما بستگی ندارد. مسئولیت شما با این شروع می شود و به پایان می رسد که شما تا حد امکان از نظر روحی مناسب باشید تا یکپارچگی سوابق را حفظ کنید و به هر روحی در سفر کمک کنید. هر کاری که مشتریان شما با آنچه به آنها می دهید انجام دهند کاملاً به آنها بستگی دارد. برخی از مشتریان ممکن است از مطالعه خود دور شوند و به سرعت آنها را فراموش کنند. دیگران ممکن است اطلاعات را در طول زمان جذب کنند و آن را تا جایی که می توانند به کار ببرند. برخی دیگر ممکن است در پایان مطالعه خود از جای خود بپرند و تصمیم

بگیرند در آن لحظه زندگی خود را تغییر دهند. باز هم آنها هر چه تصمیم بگیرند در اختیار شما نیست. رها کردن این باور "شما را از همه اشکال خود محوری محافظت می کند. در عوض، این باور را حفظ کنید که افراد دقیقاً در زمان مناسب هر چه آنچه را باید دریافت کنند و به گوش جان بپارند و عمل کنند را دریافت می کنند یا «آن را دریافت خواهد کرد» (یا در این زندگی... یا بعد... یا بعدتر...)

چگونه می توانم سه سطح شفا را تشخیص دهم؟

تمرینات بعدی به شما کمک می کند تا با سه سطح شفا در رکوردها آشنا شوید.

اولین تمرین به شما کمک می کند تا کار در رکوردهای آکاشیک خود را تمرین کنید.

تمرین دوم به شما کمک می کند کار با شخص دیگری را تمرین کنید. توجه: اگر چه من هر تمرین را به سه خواندن جداگانه تقسیم کرده ام تا یادگیری شما را تسهیل کند، اما قرار است هر سه سطح در یک خواندن انجام شوند.

تمرین: سه سطح شفا (کار کردن در سوابق آکاشیک خود)

سطح ۱: داستان خود را از دیدگاه خود بگویید؟

۱. به مشکل یا موقعیتی فکر کنید که در حال حاضر برای شما «زنده» است و در مورد آن کمک می خواهید.

۲. برای دسترسی به سوابق آکاشیک خود از بخش دعای افتتاحیه را بخوانید.

۳. داستان خود را به استادان، معلمان و عزیزان خود بگویید. آن را یادداشت کنید یا با صدای بلند بگویید، هر کدام که برای شما راحت تر است. همان طور که مشکل را از دیدگاه خود توصیف می کنید، جزئیاتی مانند نحوه و زمان شروع آن، چه کسی درگیر بوده است، چه تاثیری تاکنون داشته است، و چه چیزی عوارضی که ایجاد کرده است.

۴. در حالی که مشکل خود را توضیح می دهید، هر چند وقت یکبار مکث کنید و این سوالات را از خود بپرسید:

در حال حاضر چه احساسی نسبت به خودم دارم؟

- آیا من خودم را در هر موردی قضاوت می کنم؟ (من خوبم / من بد هستم؛ من درست می گویم / من اشتباه می کنم؛ نباید چنین فکر می کردم، نمی گفتم یا انجام می دادم - یا به آن شکل خاص.)

• در مورد مشکل یا موقعیت چه احساسی دارم؟ آیا من در مورد آن قضاوت می‌کنم؟ (احمقانه است؛ دیوانه است؛ اشتباه است؛ هر روز من را بدبخت می‌کند؛ هرگز نباید اتفاق می‌افتاد. یا: من در اعمالم کاملاً توجیه شدم؛ بقیه اشتباه می‌کنند!)

۵. اگر متوجه شدید که به هر نحوی در حال قضاوت هستید، از استادان، معلمان و عزیزان خود بخواهید که به شما کمک کنند تا درک کنید که در این لحظه خاص، نه تصویر کاملی از مشکل دارید و نه خود را می‌بینید یا دیگران برای آنچه که واقعا هستند. همچنین از استادان، معلمان و عزیزان خود بخواهید که به شما کمک کنند تا ببینید که وضعیت شما نه خوب است و نه بد. فقط هست به همین ترتیب، احساسات شما در مورد خود و موقعیت نه خوب است و نه بد. آنها فقط هستند. البته که هستند و هر چه که هستند، در این زمان حالشان خوب است بنابراین بدون قضاوت داستان خود را به پایان برسانید.

۶. وقتی داستان خود را به پایان رساندید، احتمالاً تغییری را احساس خواهید کرد. ممکن است مانند یک آه تسکین به نظر برسد، گویی که بیان مشکل خود بدون قضاوت به شما کمک کرده است که آن را از سینه خود خارج کنید (به معنای واقعی کلمه انرژی سنگین آن را از فضای قلب خود پاک کنید و کمی راحت تر شروع به نفس کشیدن

می کنید. شما همچنین شروع به دیدن خود و مشکلاتان از منظری گسترده تر و دلسوزانه تر کرده اید.

۷. در این حالت آگاهی گسترده، دعای ختم را بخوانید تا از سوابق آکاشیک خود خارج شوید.

سطح ۲: درباره علل و شرایط برسید

۱. مشکل یا موقعیتی را که در طول مطالعه سطح ۱ خود توضیح دادید، به خاطر بیاورید. (اگر مشکل خود را نوشته اید، ممکن است بخواهید یادداشت های خود را مرور کنید. سپس از دعا به بخش «روند دعای مسیر برای دسترسی به قلب سوابق آکاشیک هنگام خواندن برای خود» مراجعه کنید تا رکوردهای آکاشیک خود را باز کنید.

۲. از استادان، معلمان و عزیزان خود بخواهید که علت مشکل شما را به شما نشان دهند. اگر برای شروع به کمک نیاز دارید، در اینجا چند سوال وجود دارد که ممکن است از آنها استفاده کنید:

- آیا مشکل در این دوران شروع شد؟ اگر چنین است، علت آن چه بوده است؟ (ارثی بود یا محیطی؟ آیا این کاری بود که من انجام دادم با گفتم؟ آیا این عقیده یا اعتقادی بود که من به آن اعتقاد داشتم یا هنوز دارم؟ آیا چیزی بود که نمی بینم؟)

- چه درسی می توانم از این مشکل خاص بیاموزم، و چگونه به رشد روح من کمک می کند؟
- چه اطلاعات دیگری می توانید به من بدهید که به من کمک کند دیدگاه فعلی خود را تغییر دهم و به سمت حل و فصل و بهبود حرکت کنم؟

یا

- آیا مشکل من در زندگی دیگری آغاز شد؟ اگر بله، آیا می توانید علل و شرایط را به من نشان دهید؟
- چگونه و چرا مشکل را به این دوره فعلی منتقل کردم؟
- اگر مشکل به هدف و فایده خود عمل کرده است، چگونه می توانم آن را رها کنم؟
- اگر هنوز هم باید در طول عمرم روی مشکل کار کنم، چه چیزی باید بدانم یا انجام دهم تا بتوانم آن را حل کنم؟

۳. همان طور که استادان، معلمان و عزیزان شما علت مشکل شما را آشکار می کنند، ممکن است متوجه شوید که «آها!» لحظه ای که به شما کمک می کند دیدگاه خود را به طور چشمگیری تغییر دهید و شروع به حرکت به سمت بهبودی کنید.

هنگامی که احساس کردید به اندازه کافی این تغییر را ثبت کرده اید، به ادعای پایانی «مراجعه کنید و سوابق آکاشیک خود را ببندید. یا:

۴. اگر در درک یا پذیرش آنچه استادان، معلمان و عزیزانتان می گویند مشکل دارید، تقلا نکنید. فقط رکوردهای آکاشیک خود را ببندید و مدتی با اطلاعات بنشینید. هنگامی که رکوردهای خود را برای سطح ۳ باز می کنید، شانس دیگری برای وضوح خواهید داشت.

سطح ۳: حقیقت سطح روح را بشناسید

۱. برای باز کردن سوابق آکاشیک خود از دعا استفاده کنید.

۲. خواندن سطح ۲ خود را به یاد بیاورید. اگر انرژی و اطلاعاتش بود. برای تغییر دیدگاه شما و تثبیت درمان شما کافی است، از خودتان بپرسید. استادان، معلمان و عزیزان تا به شما نشان دهند که چگونه در سوابق دیده می شوید، شناخته می شوید و دوست دارید. به عبارت دیگر، از آنها بخواهید جوهر واقعی روح شما را به گونه ای به شما نشان دهند که به شما کمک کند آن را نیز ببینید. همچنین از آنها بخواهید به شما نشان دهند که چگونه این مشکل خاص برای رشد روح شما عالی بوده است.

۳. زمان بیشتری را در سوابق خود بگذرانید و به خود اجازه دهید در نور آکاشا غسل شوید. بگذارید ارتعاش شما را تقویت کند و بالا ببرد و به شما کمک کند تا بفهمید که هستید. سپس وقتی احساس آمادگی کردید، دعای ختم را بخوانید و سوابق خود را ببندید.

یا:

۴. اگر هنوز در درک یا پذیرش آنچه دارید مشکل دارید:

استادان، معلمان و عزیزان در طول مطالعه سطح ۲ خود گفتند، از آنها بخواهید به شما کمک کنند تا حقیقت سطح روح خود را بینید. اگر در حال حاضر پذیرش آن حقیقت بسیار دشوار است، از آنها بخواهید به شما کمک کنند تا این واقعیت را بپذیرید که جایی که در این لحظه هستید همان جایی است که باید باشید. این زمینه عالی برای یادگیری این درس روح خاص است. و در نهایت، در زمان خود، به آرامش و حل و فصل خواهید رسید.

۵. هنگامی که احساس آمادگی کردید، «دعای ختم» را بخوانید و سوابق آکاشیک خود را ببندید.

تمرین: سه سطح شفا (کار در سوابق آکاشیک شخص دیگری)

سطح ۱: داستان را از دیدگاه مشتری درک کنید

۱. از شخصی که برای خواندن سوابق آکاشیک باز است بخواهید در این تمرین به شما کمک کند. به شخص بگویید که این تمرین را برای تمرین انجام خواهید داد و سه بار وارد رکوردهای او خواهید شد. از فرد بخواهید با فکر کردن به مشکل یا موقعیتی که در حال حاضر با آن دست و پنجه نرم می کند، برای اولین مطالعه آماده شود.

۲. قبل از اینکه سوابق شخص را باز کنید، به او بگویید که این سوال را به صورت دوره ای در طول مطالعه از خود بپرسد: آیا در حال حاضر به هیچ وجه در حال قضاوت هستم؟ (اگر پاسخ مثبت است، فرد باید به شما بگوید که چه زمانی اتفاق می افتد).

۳. برای دسترسی به سوابق آکاشیک، دعای افتتاحیه را بخوانید.

۴. از شخص بخواهید داستان خود را با شما و استادان در میان بگذارد. معلمان و عزیزان. همان طور که شخص مشکل یا موقعیت را توصیف می کند، به جزئیاتی مانند چگونگی و زمان شروع آن، گوش دهید. چه تاثیری تا کنون داشته است و چه عوارضی به همراه داشته است.

۵. همچنین در حین گوش دادن، این سوالات را از خود بپرسید:

● در حال حاضر چه احساسی نسبت به این شخص دارم؟

- آیا من او را به هیچ وجه قضاوت می کنم؟ (وای، چه آدم بدی / احمقی / آشفته‌گی! جای تعجب نیست که مردم از او دوری می کنند.)
- یا: این مرد به چه فکری است؟ من الان خیلی از او خوشم نمی آید.
- یا: وای، چه آدم نازنینی / متفکر امهربونی! ای کاش می توانستم بیشتر شبیه او باشم!
- یا: او چقدر شجاع و قوی است که باید با چنین رئیسی رفتار کند. او لیاقت چنین رفتاری را ندارد.
- یا: اوه، خدای من! این پسر دقیقا مثل من است. رئیس / همکار / دوست پسر / برادر. (من دقیقا تیپ او را می شناسم!)
- در مورد مشکل یا موقعیت چه احساسی دارم؟ آیا من در مورد آن قضاوت می کنم؟ (احمقانه است. اگر می خواهد این مشکل را حل کند، باید انجام دهد.)

۶. اگر متوجه شدید که به هر نحوی در حال قضاوت هستید، از استادان، معلمان و عزیزان آن شخص بخواهید که به شما کمک کنند تا درک کنید که در این لحظه خاص، تصویر کاملی از آنچه در حال رخ دادن است ندارید و همچنین آن شخص را نمی بینید. برای کسی که واقعا هست همچنین از اساتید، معلمان و عزیزان بخواهید که به

شما کمک کنند تا متوجه شوید که این شخص و مشکل نه خوب است و نه بد. آنها فقط هستند. سپس از این دیدگاه جدید، بدون قضاوت به گوش دادن ادامه دهید.

۷. هنگامی که فرد بیان داستان خود را به پایان رساند، احتمالا یکی یا هر دوی شما تغییری را احساس می کنید. برای شما، ممکن است احساس کنید که قلب شما باز شده و به شما اجازه داده است که این شخص را از منظری متفاوت و بدون قضاوت ببینید. برای طرف مقابل، ممکن است احساس کند که ارتباط دادن مشکل بدون قضاوت، آن را از فضای قلب او پاک کرده و دیدگاه او را نیز تغییر داده است.

۸ در این وضعیت جدید گسترش و آگاهی، بخش پایانی دعا را بخوانید تا از سوابق آکاشیک فرد خارج شوید.

سطح ۲: به دنبال علل و شرایط باشید

۱. برای باز کردن سوابق آکاشیک شخص، از دعا استفاده کنید.
۲. از استادان، معلمان و عزیزان بخواهید که علت مشکل را که در سطح ۱ توضیح داده شده است، آشکار کنند. اگر برای شروع به کمک نیاز دارید، در اینجا چند سؤال وجود دارد که می توانید از آنها استفاده کنید:

- آیا مشکل در این دوران شروع شد؟ اگر چنین است، علت آن چه بوده است؟ (ارثی بود یا محیطی؟ کاری بود که این شخص انجام داد یا گفت؟ آیا این نظر یا اعتقادی بوده که این شخص داشته یا دارد؟ آیا چیزی بود که این شخص نمی بیند؟)
- فرد چه درسی می تواند از این مشکل خاص بیاموزد، و چگونه به رشد روح او کمک می کند؟

یا:

چه اطلاعات دیگری می توانید به من بدهید تا به این فرد کمک کنم دیدگاه فعلی خود را تغییر دهد و به سمت حل و فصل و شفا حرکت کند؟

- آیا مشکل در زندگی دیگری آغاز شد؟ اگر چنین است، علل و شرایط آن چیست؟
- چگونه و چرا این شخص این مشکل را به زندگی فعلی منتقل کرد؟
- اگر مشکل به هدف و فایده خود عمل کرده است، چگونه این شخص می تواند آن را رها کند؟
- اگر شخص هنوز در طول عمرش نیاز به کار روی مشکل داشته باشد، چه چیزی باید بداند تا شروع به حل آن کند؟

۳. همان طور که استادان، معلمان و عزیزان شخص علت مشکل را آشکار می کنند، ممکن است فرد یک "آها!" داشته باشد. لحظه ای که دیدگاه او را به طور چشمگیری تغییر می دهد و شروع به شفا می کند. وقتی احساس کردی که شخص به اندازه کافی این تغییر را ثبت کرده است، می توانید به ادعای پایانی «مراجعه کرده و رکوردهای آکاشیک را ببندید».

۴. اگر فرد در درک یا پذیرش آنچه استادان، معلمان و عزیزان می گویند مشکل دارد، مبارزه نکنید. فقط Records را ببندید و اجازه دهید فرد برای مدتی با این اطلاعات جدید بنشیند. وقتی رکوردهای شخص را برای سطح ۳ باز می کنید، شانس دیگری برای شفافیت خواهید داشت.

سطح ۳: حقیقت سطح روح را بشناسید

۱. برای باز کردن سوابق آکاشیک شخص، از دعا استفاده کنید.
۲. اگر اطلاعاتی که در طول سطح ۲ دریافت کردید برای شفافیت و بهبود کافی بود، می توانید به مرحله بعدی بروید. از استادان، معلمان و عزیزان بخواهید تا به شما نشان دهند که این شخص چگونه دیده می شود، شناخته شده است. دریابید که چگونه این آگاهی را به فرد منتقل کنید. به عبارت دیگر، از آنها بخواهید جوهر واقعی این روح را به گونه ای به شما نشان دهند که به او نیز کمک کند تا آن را ببیند.

۳. مدتی را در سوابق آکاشیک فرد بگذرانید و به او اجازه دهید در انرژی و اطلاعات آنها غرق شود. اجازه دهید نور از آکاشا ارتعاش این شخص (و ارتعاش شما را تقویت کرده و بالا می برد همان طور که به او کمک می کنید حقیقت سطح روح را درک کند).

۴. وقتی زمان مناسب است، دعای «دعای ختم» را بخوانید و سوابق آکاشیک فرد را ببندید.

یا:

۵. اگر شخص هنوز در درک یا پذیرش آنچه استادان، معلمان و عزیزان در سطح ۲ گفته اند مشکل دارد، از آنها بخواهید که به شما کمک کنند تا حقیقت جوهر او را در سطح روح به او نشان دهید. اطمینان حاصل کنید که برای تشخیص کمال و شکوه مشتری خود آماده هستید.

از استادان، معلمان و عزیزان بخواهید که به شما و آن شخص کمک کنند.

بدون توجه به اینکه در کجای روند بهبودی هستند، بپذیرید و از حق با آنها در آن لحظه قدردانی کنید.

۶. هنگامی که وقت مناسب است، «دعای ختم» را بخوانید و سوابق آکاشیک را ببندید.

فصل ششم : شفای الگوهای اجدادی در سوابق آکاشیک

همان طور که بیشتر و بیشتر خوانش های آکاشیک را برای خود و دیگران انجام می دهید، ممکن است متوجه چیز جالبی شوید: دلایل مشکلات مردم در این زندگی اغلب به دلیل باورها، نگرش ها یا الگوهای رفتاری است که از اجداد خود به ارث برده اند. بنابراین کاوش در اصل و نسب اجدادی و رهایی خود از الگوهای مضر اجدادی، گام های منطقی بعدی برای کار شفابخش در رکوردها هستند.

خواندن کارهای اجدادی در سوابق طبیعی و منطقی است زیرا تمام اتفاقات گذشته و حال و همچنین همه احتمالات آینده در آکاشا نگهداری می شوند. بنابراین می توانید در رکوردها کار کنید تا نه تنها یاد بگیرید که چگونه در حال حاضر تحت تأثیر اجداد خود هستید، بلکه چگونه می توانید اکنون انتخاب هایی داشته باشید که بر نسل های آینده تأثیر بگذارد. در اصل، کار در آکاشیک رکوردها برای بهبود الگوهای محدود اجدادی به شما کمک می کند:

- ماهیت واقعی اجداد خود را کاوش کنید.
- الگوهای موروثی هوشیاری را که برای رشد روح شما و همچنین رشد کل گروه روح شما مضر است رها کنید.

- با بالاترین احتمالات تبار اجدادی خود هماهنگ شوید تا به تکامل آینده آن کمک کنید.

اجداد من چه کسانی هستند؟

مردم معمولاً اجداد خود را به عنوان «شجره خانواده» خود تعریف می کنند: نسل های گذشته خویشاوندانی که مستقیماً از آنها منشاء می گیرند. اگر چه این تعریف در سوابق آکاشیک صادق است، اما همچنین درست است که در سوابق، اجداد شما می توانند روح هایی باشند که شما از نظر آگاهی با آنها مرتبط هستید، اما نه لزوماً از طریق تولد. بعلاوه، با توجه به این حقیقت در سطح روح که ما همه یکی هستیم و با DNA مشترک خود به هم مرتبطیم، وقتی به آن مربوط می شود، همه جد شما هستند!

همان طور که زندگی را تجربه می کنید، اغلب در گروه های روحی اجدادی مختلف سفر می کنید که اهداف شخصی، جهانی و در سطح روح مشترک دارند. شما یک گروه خاص را انتخاب خواهید کرد تا به طور همزمان رشد روح خود و رشد روح گروه را ارتقا دهید. به این ترتیب، افراد گروه متعهد هستند که با هم بچسبند و به یکدیگر کمک کنند تا موقعیت هایی را تجربه کنند که به همه شما کمک می کند تا اهداف خود را تحقق بخشید. صرف نظر از اهداف کوچک یا متوسط گروه، هدف نهایی آن همیشه یکسان است: دستیابی به صلح در بین

همه اعضای آن. این هدف معمولاً به سرعت یا حتی در یک عمر محقق نمی شود. در عوض، این کار در طول زندگی هایی انجام می شود که در طی آن همه شما به صورت تدریجی رشد می کنید و یاد می گیرید «تضادهای کارمایی» خود را متعادل کنید. به عنوان مثال، فرض کنید که دو روح در یک گروه اجدادی توافق می کنند تا به یکدیگر کمک کنند تا درسی از عشق بی قید و شرط بیاموزند. در یک زندگی، این دو روح تجسم می یابند: یکی به عنوان یک کار آفرین باهوش و ثروتمند و دیگری به عنوان یک بیمار روانی بی خانمان که هر روز در خیابان از کنار او می گذرد. برای هر دوی این روح ها، نقش های «متضاد» آنها فرصت های بی شماری را برای تجربه عشق بی قید و شرط به آنها می دهد. سپس در زندگی های بعدی، همین دو روح به تغییر نقش های خود ادامه می دهند و زمینه هایی را برای اجرای آنها انتخاب می کنند تا بتوانند احساس کنند که در هر دو طرف سکه کارمایی بودن چه حسی دارد. در نهایت، وقتی هر دو روح یک ابراز کاملاً کامل از عشق بی قید و شرط را تجربه کردند، با یکدیگر در صلح خواهند بود و در هماهنگی وجود خواهند داشت. در آن مرحله، هر روحی آزاد خواهد بود که به گروه های اجدادی دیگر بپیوندد تا تجربیات دیگری داشته باشد و درس های دیگری بیاموزد.

در مورد گروه اجدادی شما در این دوران، بسیاری از اعضای آن در واقع از نظر بیولوژیکی با هم مرتبط هستند. با این حال، برخی دیگر به دلیل تمایلشان به انجام یک هدف مشترک مرتبط هستند. صرف نظر از اینکه گروه اجدادی شما چگونه به هم متصل هستند، شما در کنار هم خواهید ماند (چه خوب و چه بد) تا زمانی که کار کارمایی شما کامل شود و عاشق یکدیگر شوید. نحوه تعامل شما با یکدیگر متفاوت است: گاهی اوقات مهربان و دلسوز خواهید بود. در مواقع دیگر، انتقام جو و بداخلاق خواهید بود. تا زمانی که نقش های کارمایی خود را در خط اجدادی خود انجام می دهید واقعا مهم نیست و در نهایت وقتی همه چیز گفته شده و انجام می شود یکدیگر را دوست خواهید داشت.

چگونه روح ها به خطوط اجدادی می پیوندند؟

گروه روح اجدادی شما در این دوران متشکل از خطوط مختلف «مقاطع» اجدادی است. برخی از آنها را انتخاب کرده اید که در آنها متولد شوید و برخی از آنها را بعدا در زندگی خود انتخاب خواهید کرد. به این ترتیب، راه های مختلفی وجود دارد که روح شما می تواند به خطوط اجدادی مختلف پیوندد. راهی که بیشتر روح ها به خط اجدادی خود می پیوندند این است که در شجره نامه آن متولد شوند. در چنین حالتی، اعضای یک خط خاص، همه از طریق کد ژنتیکی

خود به هم مرتبط هستند. یکی دیگر از راه های پیوستن روح ها به نسل های اجدادی، پذیرفته شدن در آنهاست. هنگامی که گروهی از روح ها به این طریق به یکدیگر ملحق می شوند، تجربیات کارمایی متمایز برای فرزند خوانده، والدین بیولوژیکی، والدین و خانواده پذیرفته شده به وجود می آید. یکی دیگر از راه های پیوستن روح ها به نسل اجدادی، ازدواج با آنهاست. اغلب گفته می شود که وقتی با فردی ازدواج می کنید، تمام قبیله آن شخص را به عهده می گیرید. این به ویژه از دیدگاه آکاشیک صادق است، زیرا مهم نیست که چگونه با آن «قبیله» کنار بیایید، انتخاب شما برای بودن با آنها عمدی است و برای یک هدف روحی خاص است. حتی اگر بخواهید با طلاق قانونی همسران از خط همسران فرار کنید، ارتباط شما با این خط تا زمانی که کارتان با همسر سابقتان کامل نشود، فعال باقی خواهد ماند. بنابراین، اگر مدتی است که طلاق گرفته اید، اما همچنان به طور فعال از همسر سابق خود رنجیده اید، به عقب برگردید و اولین تمرین را در فصل ۵ انجام دهید. در حالی که تمرین را انجام می دهید، دریابید که برای التیام رنجش چه کاری می توانید انجام دهید. آن شفا فقط برای شماست. کاری را که می توانید انجام دهید، انجام دهید، زیرا تنها راه رهایی از یک شخص، داشتن یک فراق آرام است. اگر جدایی مسالمت آمیز نداشته باشید، اما در عوض با «پیوندهایی که به هم پیوند

می‌دهند» مبارزه می‌کنید، فقط این روابط را محکم تر و ناراحت کننده تر خواهید کرد. با این حال، اگر به بی‌طرفی و صلح دست یابید، پیوندها را شل کرده و به موقعیت راحت تری خواهید رفت. همان طور که قبلاً اشاره کردم، راه دیگری که روح‌ها به خط اجدادی می‌پیوندند، حق آگاهی مشترک است. در این صورت، هر روحی در یک سلسله اجدادی خاص پذیرفته است که بخشی از آن خط باشد تا آگاهی جمعی خود را بالا ببرد. اگر وظیفه کارمایی خط به ویژه چالش برانگیز باشد، حل آن ممکن است چندین عمر طول بکشد. با این حال، هنگامی که خط وظیفه خود را به پایان رساند، پیوندهای کارمایی سست و غیر فعال می‌شوند و شفا در میان خط رخ می‌دهد. آنگاه روح‌ها آزاد خواهند بود تا به پیش بروند و به دیگر سلسله‌های اجدادی بپیوندند.

مسئولیت من در قبال اجدادم چیست؟

شخصی که شما در این زندگی هستید، نقطه همگرایی تمام روابط و خطوط اجدادی شما در سراسر وجود روح شماست. همان طور که در این زندگی روی خود کار می‌کنید و دلسوزی و آرامش را در درون خود می‌یابید، قضاوت خود را نه تنها در مورد خود، بلکه دیگران در نسل اجدادی خود آزاد می‌کنید. و هر چه بیشتر بتوانید این کار را

انجام دهید، بیشتر می توانید رشد و شفا را برای کل گروه روح اجدادی خود، هم اکنون و هم در آینده به ارمغان بیاورید.

سوابق به من کمک می کند تا موانع رشد را شناسایی کنم و به من یاد می دهد که چگونه بر انرژی منفی خود غلبه کنم. برای مثال، من بین خودم و خانواده ام دیوار کشیده بودم، زیرا روشی که سعی کردم به آنها کمک کنم در واقع به آنها توهین می کرد. من این را نمی فهمیدم و سال ها ناامید بودم، زیرا آنها از دست من عصبانی بودند که سعی کردم به این طریق کمک کنم. وقتی الگوهای بین ما را فهمیدم، چندین دهه درد و سوء تفاهم از بین رفت. امروز من با خانواده ام رابطه صمیمانه تر و محبت آمیزی دارم که قبلا می شناختم.

کاترین

مؤثرترین راه برای یادگیری در مورد خود و درمان شکاف های کارمایی (هم در درون خود و هم بین شما و دیگران) این است که در سوابق آکاشیک خود کار کنید تا دیدگاهی را که آنها ارائه می دهند به دست آورید. هنگامی که بتوانید حقیقت سطح روح را که رکوردها ارائه می دهد بپذیرید، می توانید باورها، الگوها و رفتارهای قدیمی را تغییر دهید و آنها را برای همیشه درمان کنید. بنابراین روی خود تمرکز کنید، نه دیگران، و به دنبال راهنمایی در مورد چگونگی دیدن موقعیت

ها برای اهداف سطح روح و مزایای نهایی کارمایی باشید. همچنین بخواهید که نقش ها و مسئولیت های خود را در خط اجدادی خود نشان دهید.

همان طور که برای ایجاد صلح با خود تلاش می کنید، به شفای عمیق و تحول اجازه می دهید. حتی اگر شما تنها کسی باشید که از آنچه اتفاق می افتد آگاه هستید، تغییرات در شما فضایی را باز می کند که امکان جابه جایی در دیگران را فراهم می کند و کل خط شما صعود می کند. وقتی یاد می گیرید که دیگران را بیشتر بپذیرید، راحت تر می توانید هر آنچه را که دارید به اشتراک بگذارید. این، به نوبه خود، نیاز دیگران به کشیدن شما را کاهش می دهد تا آنچه را که نیاز دارند به دست آورید. هنگامی که دادن و گرفتن مناسب در جریان است، همه افراد درگیر از سطح جدیدی از هماهنگی و آرامش برخوردار می شوند.

رکوردها کمک بزرگی در رابطه با مشکل با یکی از بستگان من بوده است. این رابطه برای هر دوی ما بسیار دردناک بود و من برای توجیه احساسات منفی خود به دنبال رکوردها بودم. در عوض چیزی که روحم می خواست این بود که روزی سه بار برای این شخص دعا کنم!

نانسی

حتی اگر در خانواده خود به عنوان «گوسفند سیاه» در نظر گرفته می شوید، می توانید محیطی آرام تر و قابل قبول تری ایجاد کنید. در واقع، این امر کارمایی گوسفند سیاه است. بنابراین نگران نباشید که اینگونه به شما نگاه می شود. تو واقعا با بقیه فرق داری شما بخشی از یک نژاد کمیاب و غیر عادی هستید که از گله متمایز است، و شما کسی هستید که مردم نمی توانند از تماشای آن خودداری کنند. با همه نگاه ها به شما، این فرصت را دارید که مقاومت خود را برای پذیرش افراد متفاوت کنار بگذارید. از قضا، شما به عنوان یک گوسفند سیاه ممکن است خواهان عشق، درک و پذیرش دیگران باشید، اما پس از آن (از منظر سوابق) متوجه شوید که شما باید آن چیزها را ابتدا به کسانی بدهید که شما را دوست دارند، درک می کنند و می پذیرند.

همان طور که اجداد خود را برای اینکه چه کسانی و چه هستند و نیستند بپذیرید، همه شما آزاد شده اید. اینگونه از شفای نسل اجدادی خود حمایت می کنید. در محبت، پذیرش و قدردانی از همه اعضای خانواده، به ویژه کسانی که برای شما سخت هستند، جسور باشید. سوابق به شما وضوح و انرژی می دهد تا نقش خود را ایفا کنید، که به تکامل نسل اجدادی فعلی شما و همه روح هایی که در آینده به آن خواهند پیوست بیشتر خواهد کرد.

چگونه می توانم اجدادم و تأثیرات آنها بر زندگیم را کشف کنم؟

تمرین های زیر به شما کمک می کند یکی از خطوط اجدادی فعلی خود را کشف کنید. سؤالات به گونه ای تنظیم شده اند که بتوانید آنها را در سوابق خود بپرسید و همچنین می توانید به راحتی آنها را برای استفاده با مشتریان خود تطبیق دهید. با خیال راحت این تمرینات را هر چند وقت یکبار که می خواهید تکرار کنید تا خطوط اجدادی مختلف را در گروه روح بزرگتر خود کشف کنید.

همان طور که روی هر تمرین کار می کنید، ممکن است متوجه شوید که استادان، معلمان و عزیزان شما تصمیم می گیرند به سؤالات همان طور که نوشته شده اند پاسخ دهند. از طرف دیگر، آنها ممکن است تصمیم بگیرند که یک یا چند سوال را ترکیب کنند یا به ترتیبی متفاوت به آنها پاسخ دهند. با این حال آنها تصمیم به ارائه اطلاعات دارند، در پایان هر مطالعه، شما پاسخ های خود را خواهید داشت.

تمرین: هدف الهی نسب خود را مشخص کنید

قسمت A

۱. دعای افتتاحیه را بخوانید تا به سوابق آکاشیک خود دسترسی داشته باشید. سپس از استادان، معلمان و عزیزان خود سؤالات زیر را در مورد یکی از دودمان اجدادی خود بپرسید:

- اجداد من چه کسانی هستند؟
 - ویژگی های متمایز این سلسله اجدادی خاص چیست؟
 - نیت الهی از این خط چیست؟ (هدف آن در سطح روح چیست؟
اهداف کوتاه مدت آن چیست؟ اهداف بلند مدت ؟)
 - شما (استادان، معلمان و عزیزان من چگونه این اجداد را به عنوان یک گروه می بینید که در زمان و مکان حرکت می کنند؟
۲. از دعای ختم برای خروج از سوابق آکاشیک خود استفاده کنید. اگر در طول این مدت یادداشت برداری نکرده اید، هر اطلاعاتی را که از مطالعه خود برایتان جالب بود و می خواهید در آینده به خاطر بیاورید، یادداشت کنید.

قسمت B

۱. برای باز کردن دوباره سوابق خود از دعا استفاده کنید. سپس سوالات زیر را بپرسید:
- امتیازات و مسئولیت های این سلسله اجدادی خاص چیست؟
 - امتیازات و مسئولیت های فردی من در قبال این خط چیست؟
 - کدام مسئولیت های اجدادی را با این خط به درستی به عهده گرفته ام و چرا؟

- کدام مسئولیت های آبا و اجدادی را با این خط نابجا به عهده گرفته ام و چرا؟

- چگونه می توانم مسئولیت های اجدادی را که متعلق به من نیست و نباید رها کنم؟

۲. از دعای «دعای ختم» برای بستن سوابق خود استفاده کنید. اگر قبلا این کار را نکرده اید، هر اطلاعاتی را که می خواهید در آینده به خاطر بیاورید از مطالعه خود یادداشت کنید.

تمرین: فضای بین طول عمر را کاوش کنید

قسمت A

۱. برای باز کردن سوابق خود از دعا استفاده کنید.
۲. از استادان، معلمان و عزیزانتان بخواهید که شما را به یک «تور مجازی» در فضای بین عمرتان ببرند. این قلمرو گاهی اوقات منطقه انتخاب یا بعد انتخاب نامیده می شود، زیرا در این بعد روح شما برای تجسم بعدی خود انتخاب می کند. این بعد را برای مدتی کاوش کنید. به نظر شما چه حسی دارد؟ چه اتفاقی می افتد؟ کی یا چي هست؟
۳. هنگامی که درک معقولی از جایی که هستید و دانستن اینکه همیشه می توانید به این مکان باز گردید و در مطالعه های بعدی بیشتر آن را کشف کنید، به دست آوردید. از استادان، معلمان و عزیزان

خود بخواهید که به شما در بررسی خانواده کمک کنند. (خط اجدادی که شما در حال حاضر در آن هستید). سپس این سوالات را از اساتید، معلمان و عزیزان خود بپرسید:

- چرا این خط اجدادی خاص را بیش از همه انتخاب کرده ام؟
- چه چیزی می توانم از آنها یاد بگیرم یا به دست بیاورم؟
- وقتی این گروه را انتخاب کردم، چه قصدی داشتم؟
- آیا قبلاً با این گروه بوده ام؟
- این گروه چگونه به من کمک می کند تا اهداف روحم را درک کنم؟
- آیا فرد خاصی وجود دارد که به من کمک می کند و اگر بله، چگونه؟
- آیا راهنمایی دارید که چگونه می توانم قصد خود را در این مرحله از زندگی ام محقق کنم؟

۴. از دعا استفاده کنید.

سوابق. اگر قبلاً این کار را نکرده اید، هر اطلاعاتی را که می خواهید در آینده به خاطر بیاورید از مطالعه خود یادداشت کنید.

قسمت B

۱. برای باز کردن دوباره سوابق خود از دعا استفاده کنید. از استادان، معلمان و عزیزان خود بخواهید که شما را به بعد انتخاب باز گردانند. سپس سوالات زیر را در مورد خانواده ای که در حال حاضر در آن هستید بپرسید:

- احترام به اجداد در این دوران برای من چه معنایی دارد؟
- چگونه می توانم عظمت این سلسله اجدادی خاص را گسترش دهم؟
- چه کمک یا مشارکتی باید از طرف فرزندان آینده این خط انجام دهم؟
- چگونه می توانم «به آینده برسم» و در حال حاضر از قدرت این فرزندان استفاده کنم؟

۲. از دعا استفاده کنید

سوابق. هر اطلاعاتی را که می خواهید در آینده به خاطر بسپارید از مطالعه خود یادداشت کنید.

تمرین: شناسایی و پاک کردن تأثیرات ناخواسته اجدادی در زمان حال

۱. برای باز کردن سوابق خود از دعا استفاده کنید.

۲. از استادان، معلمان و عزیزان خود بخواهید که به شما کمک کنند تا الگوی محدود کننده ای را که از اجداد خود به ارث برده اید ببینید.

سپس سوالات زیر را بپرسید:

- این الگوی محدود کننده از کجا شروع شد؟ هدف اصلی پشت آن چه بود؟ چی شد؟
- آیا راهی وجود دارد که این الگو در خدمت من و بالاترین احتمال نسل اجدادی من باشد؟
- اگر این الگو دیگر کاربردی نداشته باشد، چه چیزی لازم است تا فراتر از آن تکامل پیدا کنم؟
- کدام یک از دودمان اجدادی پدر و مادرم کلید آزادی من از این الگوی محدود کننده را دارد؟

۳. برای بستن خود از دعا استفاده کنید

سوابق. هر اطلاعاتی را که می خواهید در آینده به خاطر بسپارید از مطالعه خود یادداشت کنید.

تمرین : التیام یک پیوند یا گره دشوار

۱. با دعا سوابق خود را باز کنید.

۲. از استادان، معلمان و عزیزان خود بخواهید که یکی از اعضای خانواده را که برای شما مشکل خاصی پیدا می کند به شما نشان دهند.

سپس این سوالات را بپرسید:

- من و اعضای خانواده ام در این سلسله اجدادی چه کار می کنیم؟
- ماهیت واقعی دشواری چیست؟
- چرا پذیرش این شخص آنچنان که هست برای من سخت است؟
- چه اتفاقی بین ما افتاد که ما را در این تنش نگه داشت؟
- در این شرایط برای چه یادگیری در سطح روح تلاش می کنم؟
- چگونه می توانم این شخص را بپذیرم و با او صلح کنم تا بتوانم شروع به بهبود وضعیت کنم؟
- بیشترین احتمال این رابطه چقدر است؟

۳. برای بستن خود از دعا استفاده کنید

سوابق. هر اطلاعاتی را که می خواهید در آینده به خاطر بسپارید از مطالعه خود یادداشت کنی.

فصل هفتم : شفای زندگی های گذشته در سوابق آکاشیک

اکنون که اصل و نسب خود را بررسی کرده اید تا بفهمید که امروز چه کسی هستید، فصل بعدی در داستان روح شما این است که برخی از زندگی های گذشته خود را کشف کنید. انجام این کار به شما در ک حتی گسترده تری از اینکه امروز چه کسی هستید به شما می دهد و راه دیگری برای کمک به رشد آگاهی شما از روحتان فراهم می کند.

از آنجایی که آکاشا رکورد تمام طول عمر ما را در اختیار دارد، و از آنجا که زمان و مکان آن طور که ما می شناسیم در سوابق آکاشیک وجود ندارد، اطلاعات مربوط به مشکلات ما و منشأ آنها همیشه به راحتی در سوابق موجود است. با این حال، می خواهیم روشن کنم که رکوردها برای ما به عنوان حوض ماهیگیری بزرگ در آسمان عمل نمی کنند. ما نمی توانیم فقط پرونده هایمان را باز کنیم، خط خود را انتخاب کنیم و اطلاعاتی درباره زندگی های مختلف گذشته خود به دست آوریم. **Lords of the Records** فقط به استادان، معلمان و عزیزان اجازه می دهد اطلاعاتی را که ما آماده شنیدن آن هستیم به اشتراک بگذارند. بنابراین، تا زمانی که مشکلی که شخص ارائه می کند در یک دوره زندگی متفاوت شروع شده باشد، آن شخص اطلاعات زندگی گذشته خود را در طول خواندن آکاشیک به دست نخواهد آورد.

این ممکن است برای برخی از مشتریان شما که به ویژه مجذوب تناسخ هستند ناامید کننده باشد. با این حال، کسانی که به خوبی از زمان بندی الهی و توکل الهی آگاه هستند، متوجه خواهند شد که دریافت اطلاعات مربوط به زندگی های گذشته در سوابق چه زمانی مناسب است و چه زمانی مناسب نیست. شفای زندگی گذشته در سوابق مشابه انرژی درمانی است که خوانش های شما سطوح مختلفی را دنبال می کند تا به شما کمک کند :

- زندگی های گذشته ای که روح شما در آن زندگی کرده است را کاوش کنید.
- الگوهای هوشیاری را که در طول زندگی های دیگر ایجاد کرده اید و دیگر در این زندگی به شما خدمت نمی کنند، درک کرده و رها کنید.
- با بالاترین احتمالات عمر فعلی خود هماهنگ شوید تا تکامل روح خود را در آگاهی از آن تسهیل و تسریع کنید.

یگانگی با خالق

زندگی های گذشته چیست؟

از دیدگاه آکاشیک، همه ارواح ابدی هستند. روح شما در طول زمان در حال تناسخ بوده است تا الوهیت خود را در شرایط مختلف تجربه کرده و ابراز کند. عمرهای انسانی که روح شما قبل از این تجسم فعلی

تجربه کرده است به عنوان زندگی های گذشته روح شما شناخته می شود. (مسئله حرکت از شکل انسان به شکل حیوانی در طول چرخه تناسخ در سوابق آکاشیک مطرح نمی شود. در عوض، ما فقط سفر روح را در تجسم های انسانی آن می بینیم. اینکه آیا روح از انسان به حیوان خانگی تبدیل می شود یا نه در سوابق ذکر شده است.)

در شروع هر زندگی جدید، روح شما برای یادگیری درس های خاصی و دستیابی به اهداف خاصی شروع می شود. در برخی موارد، روح شما در طول یک عمر درس خاصی می آموزد. در پایان چنین عمری، روح شما بدن فیزیکی خود را می ریزد و حکمت آن درس را در آگاهی خود ادغام می کند. به عبارت آشناتر، این زمانی است که بدن می میرد اما روح زنده می ماند – (و به دلیل درک جدیدش بیش از همیشه تکامل یافته است.)

با این حال، گاهی اوقات، تسلط بر یک درس خاص بیش از یک عمر طول می کشد. در چنین حالتی، آنچه زمانی صرفاً درسی برای آموختن در سطح انسانی بود، به یک انسداد یا مشکل پرانرژی تبدیل می شود که باید در سطح روح برطرف شود. این چیزی است که اتفاق می افتد. بیایید بگوییم که روح شما به عنوان «کتی» با برنامه ای برای کار روی درس «تعصبات» وارد زندگی آینده می شود. اما به نظر می رسد که

این یک دستور بلند است، بنابراین با وجود بهترین تلاش های انسانی کتی، او بدون تسلط بر درس به پایان عمر خود می رسد.

از استادان، معلمان و عزیزانم پرسیدم که چرا من همیشه در کلاس های مختلف در تمام زمینه های زندگی (هنر، عکاسی، اسکوبا، اسکی، بداهه پردازی، درس صدا، پیانو) شرکت می کنم و هرگز در هیچ یک از آنها مهارت پیدا نمی کنم. از آنجایی که برخی از آنها بسیار گران و وقت گیر هستند، همیشه از این رفتار احساس بدی داشتم. در یک مطالعه، پاسخی که دریافت کردم این بود که در زندگی گذشته من یک بالرین روسی بودم. من تمام آن زندگی را گذراندم که باید در آن یک هنر نظم و انضباط داشته باشم، بنابراین اکنون در این زندگی می توانم هر کاری را که می خواهم امتحان کنم. کاملاً منطقی بود و به من این امکان را داد که در این بخش از زندگی ام احساس خوبی داشته باشم. من فکر می کنم آنچه دانش فراهم می کند، توانایی درک و رها کردن، مانند تمام لحظه های لامپ است. درک کن و رها کن.

باربارا

به عنوان انسانی که به نام کتی شناخته می شود، روح شما پیشرفت های زیادی در جهت غلبه بر تعصب داشت. با این حال، در این درس خاص، روح شما هنوز کار برای انجام دادن دارد. در پایان زندگی شما

به عنوان کتی روح شما بدن فیزیکی کتی را می ریزد، اما انرژی درس ناتمام همچنان به عنوان یک انسداد در آگاهی سطح روح شما وجود دارد. این انسداد انرژی در جسم و ذهن تجسم بعدی روح شما ساکن می شود: «مالک». (مالک نام جسم بعدی است که روح کتی انتخاب می کند)

با بزرگ شدن مالک، برخی از باورها و اعمال تعصب آمیز او مستقیماً تحت تأثیر مشکلات حل نشده ای است که کتی پشت سر گذاشته است. والدین مالک از رفتار او گیج شده اند. آنها نمی توانند بفهمند که چگونه، علیرغم این واقعیت که همه فرزندان خود را به یک شیوه بزرگ کردند، مالک عقاید متفاوتی با بقیه اعضای خانواده خود دارد. در واقع، خود مالک همیشه نمی فهمد که چرا همان طور که احساس می کند، رفتار می کند. فقط چیزی در اعماق وجود او وجود دارد که هرگز نمی تواند آن را کاملاً توضیح دهد.

در طول زندگی خود به عنوان کتی، و اکنون به عنوان مالک، روح شما این امکان را داشته است که انواع تعصبات را از طریق چشمان مختلف مشاهده کند تا یاد بگیرد که بر این مشکل غلبه کند. اگر روح شما در طول زندگی خود به عنوان مالک موفق شود، مشکل و انسداد انرژی آن را برطرف می کند، حکمت درس را یکپارچه می کند و به یادگیری ادامه می دهد.

یک چیز دیگر. اگر مالک موفق نشود، ممکن است روح او تصمیم بگیرد که به عنوان «پیر» برگردد و دوباره تلاش کند.

این فرآیند یادگیری برای تمام عمری که برای روح شما لازم است تا مشکل خود را حل کند و درس خود را یکپارچه کند، تکرار خواهد شد. سپس، هنگامی که مشکل حل شد، روح شما آزاد خواهد شد تا بقیه عمر خود را ادامه دهد (یا به طور دقیق تر، عمر خود را بدون تأثیر این درس خاص و همه مشکلات ناشی از آن).

مهم است که در اینجا توقف کنیم و توجه داشته باشیم که این یک غیر ممکن پر انرژی برای یک روح است که در تکامل خود به عقب برگردد. تجربه انسانی ممکن است به نظر یک پسرفت نسبت به الگوهای تفکر و رفتار گذشته باشد، اما این بدان معنا نیست که روح در حال عقب نشینی است. رفتارها و شیوه های وجودی که محدود کننده و ناراحت کننده هستند (برای مثال، فعالیت های مجرمانه، اعتیاد، فقر شدید و خشونت) همگی راه های معتبری هستند که روح در مسیر یادگیری عشق و پذیرش خود قرار می گیرد. آنها بدون توجه به شرایط، فرصت هایی برای درک حضور الهی هستند. پس گول ظواهر را نخورید: هیچ راه برگشتی وجود ندارد.

درک این مفهوم شبیه به درک حرکت یک سیاره «پس رونده» است. سیارات به عقب برنمی گردند، اما گاهی اوقات در حرکت مدارشان

آنقدر کاهش می یابند که به نظر می رسد در حال حرکت برعکس هستند، زیرا اجرام آسمانی اطراف آنها با سرعت منظم خود حرکت می کنند. مانند آن اجرام آسمانی در حال رتروگراد، در برخی از زندگی ها ما انسان ها «جسم آسمانی» با سرعت کمتری نسبت به سایرین اطراف خود عمل می کنیم. یا تصمیم می گیریم در چالشی خاص زندگی کنیم که تمام تمرکز و توجه ما را به خود اختصاص می دهد، بنابراین به نظر می رسد پیشرفت ما حداقل است. اما اشتباه نکنید، در جهان ما فقط پیشرفت وجود دارد، همیشه در حال گسترش است، همیشه در حال آشکار شدن و همیشه در حال تکامل است. گاهی اوقات تشخیص آن تکامل آسان است و گاهی غیر قابل تشخیص است.

چگونه شفای زندگی گذشته در سوابق آکاشیک رخ می دهد؟

شفای زندگی گذشته در رکوردها شبیه انرژی درمانی است، زیرا هر دو شکل شفا از سه سطح یکسانی از بیان داستان شما، جستجوی علل و شرایط، و شناخت حقیقت سطح روح پیروی می کنند. با این حال، تفاوت ها در درمان زندگی گذشته این است که وقتی به دنبال علل و شرایط مشکل خود در سطح ۲ می گردید، استادان، معلمان و عزیزانتان به شما کمک می کنند تا با تجسم زندگی گذشته (شخص) ملاقات کنید. در طول عمری که مشکل ایجاد شده بود. سپس آن تجسم زندگی گذشته توضیح خواهد داد که چگونه و چرا مشکل شروع

شد، و چگونه می توانید اکنون آن را درمان کنید. سپس، وقتی در سطح ۳ به حقیقت سطح روح نگاه می کنید، به شما این فرصت داده می شود که تجسم زندگی گذشته خود را دعوت کنید تا با خود را در آگاهی روح شما ادغام کند یا به نور سوابق باز گردد.

همان طور که ممکن است تصور کنید، این یک کار عمیق در رکوردها است. فقط زمانی سعی کنید که احساس راحتی کنید و آماده شنیدن اطلاعات هستید. هنگامی که آماده شدید، می توانید از تمرین زیر برای آشنایی با روند بهبود زندگی های گذشته در رکوردها استفاده کنید. بسته به تجربیاتی که در طول این تمرین دارید، ممکن است نیاز داشته باشید که شخصا در هر سه سطح بهبودی پیشرفت کنید. با این حال، به خاطر یادگیری این فرآیند و دانستن اینکه چگونه از تمام سطوح برای خود و دیگران در آینده استفاده کنید، باید کل تمرین را بخوانید. وقتی از این تمرین با شخص دیگری استفاده می کنید، سه سطح و روند یکسان خواهد بود، فقط شما هستید که خواندن را انجام می دهید و روند را تسهیل می کنید.

تمرین: کار در سوابق آکاشیک برای شفای زندگی گذشته

سطح ۱: داستان خود را از دیدگاه خود بگویید

- ۱. در طول این سطح از شفا، شما در سطح مشکل خود و تظاهرات فیزیکی آن کار خواهید کرد. بنابراین به مشکلی در

زندگی خود فکر کنید که نتوانسته اید آن را حل کنید. سپس دعای باز کردن سوابق آکاشیک خود را بخوانید.

● ۲. این سطح را با گفتن داستان خود برای استادان، معلمان و عزیزان خود آغاز کنید. آن را یادداشت کنید یا با صدای بلند بگویید، هر کدام که برای شما راحت تر است. همان طور که مشکل را از دیدگاه خود توصیف می کنید، جزئیاتی مانند نحوه و زمان شروع آن، چه کسی درگیر بوده است، چه تاثیری تاکنون داشته است، و چه عوارضی که ایجاد کرده را بگویید.

● ۳. در حالی که صحبت می کنید یا می نویسید، هر چند وقت یک بار مکث کنید و متوجه خودتان باشید که آیا به هیچ وجه قضاوت می کنید یا خیر. اگر دارید قضاوت می کنید، به خود یادآوری کنید که در این لحظه خاص، تصویر کاملی از مشکل ندارید. سپس داستان خود را بدون قضاوت تمام کنید.

● ۴. وقتی داستان خود را به پایان رساندید، احتمالا تغییری را احساس خواهید کرد. ممکن است مانند یک نفس راحت به نظر برسد، گویی که بیان مشکل خود بدون قضاوت به شما کمک کرده است که آن را از سینه خود دور کنید به معنای واقعی کلمه انرژی سنگین آن را از فضای قلب خود پاک کنید و کمی راحت

تر شروع به نفس کشیدن می کنید. شما همچنین شروع به دیدن خود و مشکلاتان از دید گسترده تر و وسیع تر کرده اید.

- ۵. اگر صحبت کردن در مورد مشکل شما تنها چیزی است که برای رفع انسداد انرژی آن لازم بود، از دعا به بخش «دعای پایانی» مراجعه کنید و سوابق آکاشیک خود را ببندید.
- اگر هنوز حس وضوح ندارید، سوابق خود را باز نگه دارید و به سطح ۲ بروید.

سطح ۲: درباره علل و شرایط زندگی گذشته پرسید

- ۱. این بخش از خواندن را با درخواست از استادان، معلمان و عزیزان خود شروع کنید تا به شما کمک کنند تا ستونی از نور را ایجاد کنید که به شما این فرصت را می دهد تا با روح خود همان طور که در زندگی قبلی وجود داشت ملاقات کنید. این ستون نور به عنوان «اتاق ملاقات آکاشیک» شما عمل خواهد کرد. ستون نور حدود ۱۸ اینچ مقابل شما قرار میگیرد و شما توسط پلی از نور که از مرکز قلب شما تا ستون کشیده میشود به آن متصل میشوید. استادان، معلمان و عزیزان شما این فضا را برای مدت زمان مطالعه به عنوان راهی برای حفظ جدایی بین تجسم فعلی روح شما (شما) و تجسم زندگی گذشته آن حفظ می کنند. این جداسازی به شما این امکان را می دهد که در راحتی و وضوح

کار کنید. هنگامی که ستون نور مستقر شد، استادان، معلمان و عزیزان شما از آن به عنوان مجرای انتقال تمام انرژی، اطلاعات، پرسش ها و پاسخ های مطالعه استفاده می کنند.

● ۲. مشکلی را که در سطح ۱ توضیح دادید به خاطر بیاورید. سپس از استادان، معلمان و عزیزان خود بخواهید شخصی را که سبب شروع مشکل در عمر شما شده بود در ستون نور قرار دهند.

● ۳. در حضور اساتید، معلمان و عزیزان خود، با تجسم زندگی گذشته خود گفتگو کنید. اگر برای انجام گفتگو به کمک نیاز دارید. (به یاد داشته باشید که استادان، معلمان و عزیزان شما آن شخص را در نور نگه می دارند و فضایی را برای انجام این کار برای شما حفظ می کنند.) شروع شده است، ممکن است نام آن شخص را بپرسید. سپس برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد مشکل خود، ممکن است یکی با همه این سوالات را بپرسید:

○ اتفاقی که در طول زندگی شما افتاد که باعث ایجاد این

مشکل شد چه بود؟

○ چگونه و چرا این مشکل برای شما شروع شد؟

○ قرار بود این مشکل به شما چه درسی بدهد؟

○ چرا اینقدر برای شما سخت بود؟

○ چرا من هنوز در این زندگی فعلی این مشکل دارم؟

○ آیا چیزی وجود دارد که بتوانید به من بگویید که به من کمک کند این مشکل را به گونه ای ببینم که به درمان آن کمک کند؟

○ چه چیز دیگری دوست دارید بدانم؟

○ من می دانم که نمی توانم آنچه را که در طول زندگی شما اتفاق افتاده تغییر دهم، اما آیا اکنون کاری می توانم برای شما انجام دهم؟ آیا چیزی وجود دارد که شما نیاز دارید؟

۴. در طول مکالمه، مدام از خود بپرسید که آیا اطلاعاتی که دریافت می کنید عملی، مفید و مرتبط هستند یا خیر. اگر اینطور نیست، از شخص بخواهید روی مشکل شما متمرکز بماند. اگر چنین است، ادامه دهید تا زمانی که همه چیز روشن شود. همه را ثبت کنید.

«آها!» لحظه ای که دیدگاه شما را تغییر می دهد و شروع به حرکت شما به سمت شفا می کند.

۵. بعد از اینکه این تغییر در دیدگاه را تجربه کردید، ممکن است احساس کنید که هر آنچه را که نیاز داشتید به دست آورده اید و آماده بسته شدن سوابق خود هستید. قبل از خواندن دعای پایانی، از استادان، معلمان و عزیزان خود تشکر کنید که به شما کمک کردند تا زندگی گذشته خود به بررسی علت مشکل خود بپردازید. همچنین از شخصی که از زندگی گذشته شما برای کمک به شما در بهبودی شما

آمده است تشکر کنید. خداحافظی کنید و سپس با صدای بلند بشمارید: «یک ... دو ... سه!» بعد از اینکه گفتی «سه!» یک بار دست بزن این کار هم به آن شخص اجازه می دهد برود و هم انرژی مسدود شده ای را که روح شما به دلیل مشکل حمل می کرد، پراکنده می کند. کف زدن ستون نور و همچنین پل شما را به آن پراکنده می کند.

۶. برای بستن سوابق خود از دعا استفاده کنید.

یا:

اگر در برقراری صلح با شخصی که بودید یا با کاری که آن شخص در طول زندگی قبلی انجام می داد، مشکل دارید، سوابق خود را باز نگه دارید و به سطح ۳ بروید.

سطح ۳: حقیقت سطح روح را بشناسید

- ۱. به یاد داشته باشید که شما هنوز در سوابق خود هستید و ستون نوری که استادان، معلمان و عزیزان شما در ابتدای سطح ۲ ایجاد کردند، هنوز سر جای خود است. اکنون از استادان، معلمان و عزیزان خود کمک بخواهید آنها به شما کمک می کنند تا سطح آگاهی خود را تغییر دهید تا زمانی که بتوانید تجسم زندگی گذشته خود را از منظر سوابق آکاشیک ببینید. صرف نظر از اینکه آن شخص چه به نظر می رسد یا چه می کند، بخواهید

جوهر واقعی او را در پرتو سوابق ببینید. و به جای قضاوت با عشق به روح ابدی خود بنگرید. بخواهید توهم جدا بودن از آن شخص را با شناخت یگانگی خود جایگزین کنید و در عوض آن را با شفقت در آغوش بگیرید.

- ۲. در صورت لزوم، کمی بیشتر با تجسم زندگی گذشته خود صحبت کنید. از آن بخواهید تا به شما نشان دهد که چگونه بهترین کار را انجام داده است و آن را به خاطر تلاش های انسانی اش دوست داشته باشید. جرقه الهی آن را به عنوان حقیقت ذاتش در آغوش بگیرید و از رد شکل زمینی آن دست بردارید.
- ۳. اکنون از استادان، معلمان و عزیزان خود بخواهید مرکز قلب شما را گسترش دهند تا بتوانید تجسم زندگی گذشته خود را به قلب خود دعوت کنید. در درون خود برای این بیان خود جایی باز کنید و آن را در آغوش قلب خود بچسبانید. سپس از تجسم زندگی گذشته خود بپرسید که آیا مایل است بماند و خود را در آگاهی روح شما ادغام کند یا اینکه می خواهد ترک کند و به ستون نور باز گردد. هر کاری که تصمیم بگیرید انجام دهد بهترین راه برای شما برای دستیابی به شفا خواهد بود، پس اعتماد کنید آنچه را که انتخاب می کند برای بالاترین خیر و صلاح است.

● ۴. اگر تجسم زندگی گذشته شما تصمیم به ادغام دارد، از استادان، معلمان و عزیزان خود بخواهید که در این فرآیند کمک کنند. اگر تصمیم گرفت به نور باز گردد، خداحافظی کنید و در حالی که تا سه می‌شمارید و کف می‌زنید، آن را رها کنید. پس از اتمام، انرژی مشکل شما پراکنده می‌شود و ستون نور و پل شما به آن نیز پراکنده می‌شود.

● ۵. برای بستن سوابق خود از دعا استفاده کنید. به طور معمول، پیروی از این سه سطح از شفای زندگی گذشته برای از بین بردن بیشتر مشکلات و رفع انسداد انرژی آنها کافی است. با این حال، اگر مشکلی دارید که به ویژه چالش برانگیز است، می‌توانید به رکوردهای خود بروید و این روند را هر چند بار که لازم است تکرار کنید تا وضوح و آرامش پیدا کنید. همچنین ممکن است درست باشد که شما زندگی‌های گذشته دیگری داشته‌اید که در این مشکل خاص نقش داشته‌است. اگر اینطور است، وقتی به سطح ۲ رسیدید، از شما بخواهید که زندگی متفاوتی را به شما نشان دهند که در طی آن همین مشکل وجود داشت، و با یکی دیگر از تجسمات روح خود صحبت کنید تا دیدگاه او را به دست آورید. مثل همیشه، مطمئن شوید که اطلاعاتی که دریافت می‌کنید کاربردی، مفید و مرتبط

هستند. اگر اینطور نیست، در هر زمانی آزاد هستید که خواندن را با شمردن تا سه، کف زدن و بستن رکوردهای آکاشیک خود پایان دهید.

مهمترین چیزی که باید در حین انجام این کار شفافبخش به خاطر بسپارید این است که شما در تعیین تجربیات خود صاحب اختیار هستید. به عبارت دیگر، شما هستید که می دانید آیا مشکلی برطرف شده است یا نیاز به کار بیشتری دارد. همچنین می دانید که در هر زمان چقدر می توانید تحمل کنید، بنابراین این به شما بستگی دارد که سرعت راحت خود را تنظیم کنید. نیازی به عجله در فرآیند نیست. در واقع، انجام این کار می تواند تأثیر منفی داشته باشد که اوضاع را پیچیده تر می کند. پس مرجع معنوی خود باشید. اطلاعاتی را که از استادان، معلمان و عزیزان خود دریافت می کنید، بگیرید و از آن برای تعیین بهترین استراتژی خود برای شفا استفاده کنید.

کاوش در زندگی مثبت گذشته در سوابق آکاشیک

اگر چه کاوش در زندگی های گذشته برای بهبود مشکلات موجود بسیار مفید است، اما مواقعی نیز وجود دارد که کاوش در زندگی های گذشته می تواند از شما در موقعیت هایی که از قبل خوب هستند حمایت کند. به عنوان مثال، فرض کنید در محل کار شما مدیر شده اید. در حالی که شما از این رای اعتماد به توانایی و تخصص خود

هیجان زده هستید، همچنین به نوعی عصبی هستید. ارتقاء به این موقعیت جدید ناشناخته های زیادی را در بر می گیرد. آرزو می کنید که یک مربی داشته باشید کسی که قبلا «آنجا بوده و این کار را انجام داده است» ، که می تواند هنگام شروع به حرکت در موقعیت جدید تان نکاتی را به شما بدهد. خوب حدس بزن چي؟ شما یک مربی دارید. این تو هستی یعنی این شما هستید، همان طور که در زندگی گذشته که در آن در مدیریت دیگران متخصص بودید. تنها کاری که برای دریافت توصیه آن متخصص زندگی گذشته باید انجام دهید این است که به سوابق خود بروید و آن را بخواهید.

می توانید از تمرین زیر برای کشف یک زندگی مثبت گذشته در سوابق خود استفاده کنید. فرآیندی که دنبال خواهید کرد، یک نسخه ساده شده از فرآیندی است که برای شفاهای زندگی گذشته استفاده کرده اید. اگر تصمیم گرفتید در حین مطالعه برای شخص دیگری زندگی مثبت گذشته را بررسی کنید، می توانید از روندی که در زیر توضیح داده شده است استفاده کنید و سؤالات را در صورت لزوم دوباره بیان کنید.

تمرین: بررسی تجربیات مثبت زندگی گذشته

● ۱. به موقعیتی فکر کنید که در مورد آن اطلاعات و مشاوره یک «کارشناس زندگی گذشته» را می خواهید. سپس دعای اتصال به سوابق آکاشیک خود را باز کنید.

● ۲. از استادان، معلمان و عزیزان خود بخواهید که به شما کمک کنند تا ستونی از نور را ایجاد کنید که به شما این فرصت را می دهد که با روح خود همان طور که در زندگی قبلی وجود داشت ملاقات کنید. این ستون نور به عنوان «اتاق ملاقات آکاشیک» شما عمل خواهد کرد. شما با یک پل نوری به ستون متصل خواهید شد که از مرکز قلب شما تا ستون، حدود هجده اینچ در جلوی شما امتداد دارد. استادان، معلمان و عزیزان شما این فضا را برای مدت زمان مطالعه به عنوان راهی برای حفظ جدایی بین تجسم فعلی روح شما («شما») و تجسم زندگی گذشته آن حفظ می کنند. این جداسازی به شما این امکان را می دهد که در راحتی و وضوح کار کنید. هنگامی که ستون نور مستقر شد، استادان، معلمان و عزیزان شما از آن به عنوان مجرای استفاده می کنند که از طریق آن تمام انرژی، اطلاعات، پرسش ها و پاسخ های مطالعه جریان می یابد.

• ۳. موضوعی را که در مورد آن به دنبال مشاوره هستید را به خاطر بیاورید. سپس از استادان، معلمان و عزیزان خود بخواهید شخصی را که در زندگی گذشته خود بوده اید و می تواند به بهترین نحو در مورد موضوع مورد نظر کمک کند، در ستون نور قرار دهند.

• ۴. در حضور استادان، معلمان و عزیزان خود، با تجسم زندگی گذشته خود گفتگو کنید. اگر برای دریافت این کار به کمک نیاز دارید. (به یاد داشته باشید که استادان، معلمان و عزیزان شما آن شخص را در نور نگه می دارند و فضایی را برای انجام این کار برای شما حفظ می کنند).

مکالمه شروع شد، ممکن است نام آن شخص را بپرسید. سپس ممکن است برخی از این سوالات را بپرسید، یا برخی از سوالات خود را مطرح کنید:

• در طول زندگی شما چه اتفاقی افتاد که باعث شد تا این حد موفق باشید؟

• چه ویژگی هایی دارید که به موفقیت شما کمک کرده است؟

• اگر یکی از آن صفات در من نهفته باشد، چگونه می توانم آنها را پرورش دهم و از آنها استفاده کنم؟

• آیا مشکلاتی وجود دارد که بتوانید به من کمک کنید از آن اجتناب کنم؟

• چه توصیه یا اطلاعات مرتبط دیگری می خواهید به من بدهید؟

• به نظر تخصصی شما چه کاری می توانم انجام دهم تا موفقیت زمینی خود را در آینده تضمین کنم؟

• چگونه روح من می تواند از این موقعیت به حداکثر رشد دست یابد؟

۵. در طول مکالمه، مدام از خود بپرسید که آیا اطلاعاتی که دریافت می کنید عملی، مفید و مرتبط هستند یا خیر. اگر اینطور نیست، از فرد بخواهید که روی مشکل شما متمرکز بماند. اگر چنین است، ادامه دهید تا زمانی که به وضوح میرسید.

«آها!» لحظه ای که دیدگاه شما را تغییر می دهد و شما را به درک بیشتر سوق می دهد.

۶. وقتی احساس می کنید که مکالمه شما رو به پایان است، می توانید یکی از این دو کار را انجام دهید:

یا:

• می توانید تجسم زندگی گذشته خود را دعوت کنید تا در آگاهی شما ادغام شود.

• می توانید از تجسم زندگی گذشته خود برای کمک به شما در یادگیری تشکر کنید و شخص را به نور باز گردانید. اگر این انتخاب شماست، خداحافظی کنید و با صدای بلند بشمارید: «یک ... دو ... سه!» بعد از اینکه گفتی «سه!» یک بار دست خود را بزنید تا آن شخص برود.

۷. برای بستن سوابق خود از دعای موجود در بخش با عنوان «دعای پایانی» استفاده کنید.

تمرینات قبلی زندگی گذشته دقیقه یکسان عمل می کنند، چه در حال بررسی زندگی مثبت گذشته خود باشید و چه به افراد دیگر کمک کنید تا زندگی آنها را کشف کنند. نتایج بسته به میزان پذیرش و سطح درک هر فرد متفاوت خواهد بود. با این حال، در هر مورد، همان طور که با «جو» در فصل ۵ در مورد انرژی درمانی در رکوردها آموختیم، بهبودی در سطحی آغاز شده است، حتی اگر فوراً آشکار نباشد. همان طور که پس از مدتی کار در رکوردهای آکاشیک خود متوجه خواهید شد، روش ها و راه های درمانی زیادی برای کشف وجود دارد. با توجه به اینکه این یک کتاب سطح مبتدی است، من روش هایی را ارائه کرده ام که احساس می کنم قوی ترین پایه را برای شما فراهم می

کند. آنها می توانند به عنوان یک سکوی پرش قدرتمند عمل کنند که به شما کمک می کند در سفر شخصی شفا و رشد معنوی خود شیرجه بزنید.

فصل هشتم : زندگی با سوابق آکاشیک

چیزی که من از کار در Akashic Records یاد گرفتم این است که آنها دیدگاه خاص خود را دارند، که دیدگاهی در حال گسترش از جوهر همیشه در حال آشکار شدن روح من را ارائه می دهد. زمانی که به آن چشم انداز (به آن سطح بالای آگاهی) عادت کردم، دریافتم که کار در رکوردها فرصتی اساسی است تا خودم و کل زندگی ام را از زاویه ای بسیار متفاوت بینم. من همچنین شروع به درک برخی از حقایق اساسی کردم که آنها را «مطلق» می نامم. از دیدگاه رکوردز، این چیزها کاملا برای هر روحی، مطلقا در همه زمان ها صادق است. در حالی که من آنها را برای وضوح در زیر شماره گذاری کرده ام، لطفا بدانید که آنها بدون ترتیب خاصی فهرست شده اند، زیرا همه مطلق ها «مطلقا» اهمیت یکسانی دارند!

«مطلق ها»

۱. همیشه چیزی بیشتر از چیزی که به چشم (انسان) می رسد

وجود دارد.

از منظر انسان در یک زندگی مجرد، افراد و رویدادهای خاص می توانند بد، وحشتناک، اشتباه و حتی ویرانگر به نظر برسند، همان طور

که در مورد بلایای طبیعی مانند طوفان، سونامی، و زلزله صدق می کند. و آنها واقعا وحشتناک هستند. با این حال، از دیدگاه ابدی سوابق آکاشیک، همیشه چیزی بیش از آنچه که به نظر می رسد وجود دارد دلایلی که ما نمی فهمیم و مزایای نهایی که نمی بینیم. حتی اگر این درست باشد، استادان، معلمان و عزیزان هرگز رنج انسانی ما را به حداقل نمی رسانند. در عوض، آنها پیشنهاداتی را ارائه می دهند تا نه تنها از طریق یک موقعیت دشوار عبور کنید، بلکه ارزش کارمایی آن را نیز درک کنید. با کمک آنها می توانیم معنای رنج خود را بیاموزیم و از آن رشد کنیم. و در نهایت، از دیدگاه سطح روح، ممکن است متوجه شویم که مطلقا همه رویدادها، و همه افراد درگیر، نقش خود را در فراهم کردن فرصت هایی برای رشد، وضوح، هدف و شفا انجام می دهند. نمونه هایی از این را در اطراف خود می بینیم.

به عنوان مثال، پس از اینکه سیل یک شهر را زیر آب می برد (جان ها را می گیرد، خانه ها را خراب می کند و مشاغل را فلج می کند) ساکنان شهر برای بازسازی و تعمیر به یکدیگر کمک می کنند، در حالی که مقامات با هم متحد می شوند تا راه هایی برای بهبود زیرساخت های شهر بیابند. یا به عنوان مثال دیگر، یک کودک بی گناه در تیراندازی گروهی کشته می شود. این همه محله را شوکه می کند. با این حال، همسایه ها پس از سوگواری از دست دادن دلخراش فرزند

شروع به انجام دعای دسته جمعی و برگزاری جلسات شهری می کنند، نگهبانی محله ترتیب می دهند، و خیابان ها و پارک های خود را زیبا می کنند. و در نهایت، محله آنها مکان بهتری برای زندگی می شود.

بنابراین، علیرغم درد و زیان اولیه ای که برخی افراد یا رویدادها می توانند ایجاد کنند، سوابق آکاشیک به ما نشان می دهد که چگونه حتی ویرانگر ترین شرایط فرصت هایی را برای دگرگونی فراهم می کند که در آن یک هدف بزرگتر پدیدار می شود هدفی که به ما کمک می کند فراتر از نیازهای فردی به نیازها نگاه کنیم. کل یکپارچه تا خوبی ذاتی خود را تجربه کند. وقتی رویدادها را این گونه نگاه می کنیم، می توانیم ببینیم که چرا به نظر می رسد چیزهای بد برای افراد خوب اتفاق می افتد». در حقیقت، این رویدادها اصلا شخصی نیستند و هیچ شخص یا چیزی «خوب» یا «بد» نیست. چشم انداز ابدی خوب و بد را نفی می کند. این بدان معنی است که هیچ فرد یا گروهی هرگز برای مجازات، بازپرداخت یا تلافی کارمایی انتخاب نشده است. (به شماره ۶ مطلق مراجعه کنید). در عوض، این روح ها و گروه های روح شجاع در واقع شرایط خود را تحمل می کنند تا آگاهی سیاره را بالا برند.

۲. ما همه یکی هستیم.

همه انسان ها در یگانگی مطلق خدا وجود دارند. ما نمی توانیم از آنچه که هستیم بگریزیم یا از سفر روح خود به سوی خدا انصراف دهیم. به

عبارت دیگر، چیزی به عنوان خارج از احدیت یا قطع ارتباط با آن وجود ندارد. فقط حالت آگاه شدن از وجود خود در کل وجود دارد. بنابراین، از منظر آکاشیک، همه ارواح در راه کشف این هستند که ما یکی هستیم، که توسط نور محبت آمیز خدا به هم متصل شده ایم و در درون آن قرار داریم.

۳. همه چیز و هر کس الهی است.

نه تنها همه ما یکی هستیم، بلکه جوهر درونی ما کاملاً الهی است. اگر در سوابق آکاشیک باشیم و به اندازه کافی نگاه کنیم، جوهر الهی (آن نقطه نور و خوبی) را در مطلق در هر روح موجود در وجود خواهیم یافت.

۴. همه همیشه فعالانه در پی صلح هستند.

از دیدگاه آکاشیک، مطلقاً همه می خواهند در آرامش زندگی کنند و برای رسیدن به آن تلاش زیادی می کنند. از منظر انسانی، تلاش های برخی افراد برای دستیابی به صلح کم یا بی معنی است. هیتلر، استالین و بسیاری از رهبران دیگر در سراسر جهان، در ذهن خود، آنقدر متعهد به تامین صلح خود بوده اند که آرامش دیگران را از بین می برند. گرچه روش های آنها در چشم اکثر جهان کاملاً دیوانه کننده به نظر می رسد، از دیدگاه آکاشیک، حتی آن روح ها نیز در راه بیداری به الوهیت

خود و تشخیص ارتباط خود با یگانگی بودند (و هستند). فقط برای برخی از روح ها طول عمر بیشتری لازم است تا راه های دلسوزانه به سوی صلح را بیاموزند. با این حال، این بدان معنا نیست که آنها به آنجا نخواهند رسید. در نهایت، هر روحی این کار را می کند.

۵. تناسخ مربوط به زندگی «خوب» و «بد» نیست.

همان طور که تناسخ را از سطح بالایی از آگاهی درک کرده ام، متوجه شده ام که در مورد «زندگی های خوب» و «بد» نیست. برای مثال، یک عمر جنایت در مقابل یک عمر بشردوستی. در عوض، تناسخ درباره سفری است که یک روح خاص انتخاب می کند تا از خود در سطح فیزیکی آگاه شود. این سفر در سطح فیزیکی به روح اجازه می دهد تا خود را به عنوان الهی بشناسد، در گستره ای از عمرهای مختلف و در زمینه های گوناگون در آگاهی خود از خود رشد کند.

هنگامی که یک روح خود را می شناسد، فرصت های متعددی برای یادگیری شفقت و عشق به خود و همچنین برای سایر ارواح به او تعلق می گیرد. بنابراین، برای مثال، در طول زندگی خود به عنوان یک «جنایتکار»، آن روح فرصتی منحصر به فرد و قدرتمند برای از بین بردن موانع کاذبی دارد که در درک خودش از خوبی هایش وجود دارد. می توان فهمید که مانع در ادراک است و رفتار از آن ادراک بیرون می آید. (به عبارت دیگر، این که چگونه آن روح فکر می کند که خود را

در آن زندگی می شناسد، تعیین می کند که چگونه عمل کند. اما هر چه آن روح روشن تر شود، از حقیقت مطلق آگاه تر می شود که بیان فیزیکی نور بی نهایت است. ، و سخاوتمند و دوست داشتنی رایگان است. چنین درک می تواند در یک عمر اتفاق بیفتد، مانند مورد جنایتکار سرسخت که «برای دیدن نور می آید.» از طرف دیگر، ممکن است در طول چندین زندگی اتفاق بیفتد. در هر صورت، اشکالی ندارد. از آنجایی که زمان همان طور که می دانیم در سوابق وجود ندارد، و همه ارواح ابدی هستند، ما «تمام زمان» (و طول عمر) مورد نیاز را در اختیار داریم.

۶. کارما در مورد پاداش و مجازات نیست.

با آموختن اینکه تناسخ سفر همه ارواح است که به خیر و یگانگی نهایی منجر می شود، همچنین دریافتم که کارما جنبه تنبیهی ندارد. در عوض، کارما مجموعه ای از روابط علت و معلولی است که به ما فرصت هایی را می دهد تا بفهمیم وقتی انواع مختلف انتخاب می کنیم، چه نتیجه ای می گیرد. در سوابق آکاشیک، مبنای ارزیابی همیشه بر پایه شفقت است. استادان، معلمان و عزیزان هرگز اعمال ما را قضاوت نمی کنند. آنها فقط به ما کمک می کنند تا آنها را درک کنیم. آنها می دانند که ما در حال تبدیل شدن به پتانسیل هایمان هستیم. در عوض، آنها هم عوامل محرکی را که قبل از اقدامات ما انجام

می دهند و هم نتایجی را که به احتمال زیاد به دنبال آن ها خواهد آمد، آشکار می کنند. سپس (و همیشه) به ما بستگی دارد که اقدام بعدی را انتخاب کنیم. آنچه از آن عمل حاصل می شود، کارهای ما را ایجاد می کند. خوب نخواهد بود؛ بد نخواهد بود فقط خواهد بود.

بدون مفهوم کارما به عنوان پاداش و مجازات، ما آزادیم که خود را با پذیرش و درک ببینیم. بنابراین، از نقطه نظر سوابق، می توانم با اطمینان کامل بگویم که من انسانی هستم که به طور فزاینده ای از خوبی ذاتی و «خداوندی» ذاتی خود آگاه می شوم. در این لحظه و در همه لحظات، من کاملاً دوست داشتنی و کامل هستم فقط همیشه این واقعیت را به خاطر نمی آورم. اما به خدا دارم روی آن کار می کنم و چیزی که وقتی از چشمان رکوردها نگاه می کنم می بینم نیازی به بخشش ندارد زیرا هیچ محکومیتی وجود ندارد. فقط یک داستان عاشقانه بدیع وجود دارد: داستان وجود روح من. اگرچه این سفر گاهی مملو از سختی ها و کشمکش های وحشتناک بوده است، اما به همان اندازه با غنا و عشق وصف ناپذیری همراه بوده است. و همیشه، در تمام طول سفر، همان طور که من همچنان به نگاه اجمالی از خود واقعی خود در چشمان دیگر روح ها ادامه می دهم، عمیق تر عاشق یگانگی می شوم که هستیم. چقدر سپاسگزارم که در این لحظه زنده هستم و

دنیا را از این سطح از آگاهی می بینم. چه زیبا همه ما در پرتو سوابق
آکاشیک ظاهر می شویم!

سه نکته

نسخه مختصر هر آنچه که گفتم چیزی است که من آن را «سه نکته»
می نامم: نترس. قضاوت نکن؛ مقاومت نکن این ها رهنمودهایی هستند
که استادان، معلمان و عزیزان ما از ما می خواهند که زندگی خود را
بگذرانیم اگر آنها حق انتخاب داشتند.

من متوجه شدم که این سه می توانند مانند یک نظم بلند به نظر
برسند! به یاد داشته باشید که این زندگی یک سفر است. در مسیر
رسیدن به Fear Not کمتر می ترسیم. در مسیر قضاوت نه کمتر
قضاوت می کنیم. تا زمانی که مقاومت نکنیم کمتر مقاومت می کنیم.
هم اکنون به چگونگی کارکرد آن می پردازیم.

نترس

پس از مدتی کار در رکوردهای آکاشیک، شروع به آرامش می کنیم
زیرا می بینیم که هر موقعیتی که تا به حال وجود داشته یا برای
بهترین خیر حل شده است یا خواهد شد. ممکن است امروز یا حتی
در این عمر اتفاق نیفتد، با این حال هر موضوعی در واقع به صلح و
خیر می انجامد. بازی زندگی تا زمانی که ما جانها به این هدف مشترک
دست یابیم به پایان نمی رسد.

ما همچنین می توانیم ببینیم که بخشی از ما وجود دارد که نابود نشدنی است، که هیچ چیز نمی تواند آن را محو کند، که برای همیشه زنده است. ما می بینیم که عمری از فقر وحشتناک، جنگ، بلایای طبیعی، ظلم انسانی داشته ایم و با این حال هنوز دست نخورده هستیم. ماهیت این که ما هستیم تغییر ناپذیر است. هیچ چیز نمی تواند ما را از الوهیت اساسی درونمان جدا کند، و وقتی این را واقعی می دانیم، ترس شروع به از بین رفتن می کند تا زمانی که چیزی برای ترسیدن باقی نماند.

قضاوت نکن

ما نه قاضی جهان هستی هستیم، نه قاضی دیگران و نه حتی قاضی خودمان! واقعا! ما شروع می کنیم به دیدن همه مردم، از جمله خودمان، که به آگاهی خود رشد می کنند، اقتدار خود را توسعه می دهند، و از طرف خودشان تصمیم می گیرند. برای ما کاملاً روشن می شود که افراد دیگر کاملاً توانا هستند و می توانیم در زندگی و تصمیمات خود به آنها اعتماد کنیم. ما «مسئول» یا در هیچ مقامی بر دیگران به اندازه کافی برای قضاوت در مورد آنها نیستیم.

البته ما هنوز برای خودمان انتخاب می کنیم، زیرا این تنها جایی است که اختیار و قدرت داریم. افراد دیگر نیز می توانند انتخاب های خود را انجام دهند، حتی اگر ما با آنها موافق نباشیم. وقتی این اتفاق می

افتد، تنها کاری که می توانیم انجام دهیم این است که انتخاب کنیم با آنها شرکت کنیم یا نه. در هر صورت، تنها چیزی که می توانیم «قضاوت» کنیم این است که چیزی برای ما مناسب است یا نه.

مقاومت نکن

اگر دلیلی برای قضاوت وجود نداشته باشد و چیزی برای ترس وجود نداشته باشد، تنها کاری که انجام ندهید این است که در مقابل چیزی که ما را ناراحت می کند مقاومت کنید. علل ناراحتی از فردی به فرد دیگر و از زندگی به زندگی دیگر بسیار متفاوت است. برخی از افراد ممکن است از درگیری در روابط یا حتی موفقیت بیش از حد ناراحت باشند. افراد دیگر ممکن است از تحقیر یا رفتار شرم آور ناراحت باشند. به هر دلیلی، وقتی مقاومت می کنیم و از چیزی که ما را ناراحت می کند مقاومت می کنیم، شروع به ساختن دیواری پر انرژی می کنیم که در اطراف ما رشد می کند تا زمانی که همان چیزی که در مقابل آن مقاومت می کنیم به مانعی تبدیل شود که ما را از حرکت در آن باز می دارد.

مقاومت یک طرد است. اگر در مقابل بخشی از خودم مقاومت می کنم، آن قسمت از خودم را رد می کنم. اگر من در مقابل کسی مقاومت می کنم با این شخص سعی می کند به من بدهد، من تمام یا بخشی از آن شخص را رد می کنم. اگر مقاومت نکنم و فقط بگذارم چیزی باشد،

به راهش خوش خواهد رفت. به عنوان مثال، اگر در برابر احساسات جریحه دار شده ام در مورد چیزی مقاومت کنم، آنها در اطراف و درون من جمع می شوند و مانع حرکت من در آنها می شوند. با این حال، اگر بتوانم فقط با احساسات آسیب دیده خود کنار بیایم، در نهایت می توانم آنها را رها کنم و جایی برای احساسات مختلف باز کنم.

اهمیت تمرین **The Three Nots** این است که به خودتان فرصت دهید تا عمیق تر در رکوردها رشد کنید. با سرعتی پیش بروید که احساس راحتی کنید. هر بار یک قدم و یک موقعیت بردارید و در صورت نیاز کمک بخواهید. همان طور که آنچه را که به شما داده شده است اعمال می کنید، چیزهای بیشتری به شما خواهد رسید. ایده این است که به نور بی نهایت رشد کنیم، نه اینکه تحت تاثیر آن قرار بگیریم یا کور شویم.

در ژانویه ۲۰۰۸ در یک کلاس آکاشیک مطالعه مستقل شرکت کردم که در آن از من خواسته شد که به رکوردهای خود بروم و چیزی را انتخاب کنم که می خواهم در زندگی ام نشان دهم. در رکوردهایم، می دانستم که می خواهم و آماده هستم که دوباره عشق را در زندگی ام داشته باشم. (هفت سال بود که طلاق گرفته بودم.) کمی نگران بودم، اما تصمیم گرفتم که هدفم برای کلاس همین باشد.

چند روز بعد با یکی آشنا شدم. همان طور که برای جلسه کلاس در مورد قالب آماده می شدم، او به من گفت که من را دوست دارد. وقتی در حال بررسی جلسه کلاس در مورد ذهن بودم، دیدم که ما دو نفر در یک اجتماع در کوهستان زندگی می کنیم. قبل از اینکه فرصتی پیدا کنم درباره دیدم به او بگویم، او از من پرسید که آیا می خواهم برای تعطیلات به کارولینای شمالی بروم - نزدیک کوه ها! او گفت که ممکن است بخواهد روزی به آنجا بر گردد و می خواست من آن را بینم.

چند ماه بعد از اتمام کلاس، من و او نامزد کردیم. یک سال بعد ازدواج کردیم.

سیندی

افکار نهایی در مورد سوابق آکاشیک: گذشته، حال... و آینده

قبلا توضیح دادم که رکوردهای آکاشیک حاوی داستان روح شما در طول زندگی است و این تجسم فعلی داستان منحصر به فرد خود را دارد. اما در مورد آینده چطور؟ احتمالات و احتمالات آینده شما نیز در سوابق شما نگهداری می شود.

ما عمیق ترین معنی و واقعی ترین ارزش رکوردها را در نحوه استفاده از آنها برای حمایت و راهنمایی در حین حرکت به سوی آینده خود

می بینیم. همان طور که آن راهنمایی را به کار می گیرید و بر انرژی رکوردها تکیه می کنید، آینده شما شکل زندگی شما را خواهد گرفت که همیشه می خواستید. همه جزئیات همان چیزی نیست که ابتدا تصور می کردید، اما جهت کلی و کیفیت زندگی شما با نیت اصلی شما مطابقت دارد. بنابراین اگر آرزوی یک زندگی پرماجرا داشته اید، آن را خواهید داشت. اگر خواهان یک زندگی پر شور بوده اید، مال شما خواهد بود. هر چه روح شما به دنبال آن بوده است، در نهایت آن را خواهید یافت. شما بیشتر و بیشتر به بهشت شخصی خود روی زمین رشد خواهید کرد. آیا این زندگی بدون چالش، موانع و استرس خواهد بود؟ البته که نه. این یک زندگی انسانی با رویدادهای فیزیکی، فعالیت های ذهنی و تحولات عاطفی خواهد بود. با این حال، شما آن را از جایی پر از لطف زندگی خواهید کرد تا با آشکار شدن شرایط، شما، دوست من و تمرین کننده جدید آکاشیک، دریابید که می توانید شاد، مهربان، محترمانه و سخاوتمند باشید، حتی زمانی که اوضاع برای شما خوب نیست. هر چه بیشتر از رکوردها استفاده کنید، بیشتر می توانید از زندگی خود لذت ببرید. زندگی شما بیشتر و بیشتر به چیزی تبدیل خواهد شد که همیشه می خواستید.

چیز دیگری که می خواهم بدانید این است که وقتی نور در شما درخشان تر از همیشه می درخشد، جفتهای روحتان و همراهان سفر

شما را خواهند یافت. تشخیص آن روح های همفکر برای شما بسیار آسان تر خواهد بود. و شما اوقات فوق العاده ای را با هم خواهید داشت. هنگامی که برای اولین بار شخصا ملاقات می کنید، به نظر می رسد که یک دیدار مجدد از دوستان طولانی مدت است. و میدونی چیه؟ دقیقا همین خواهد بود!

می خواهم از شما برای پاسخ دادن به انگیزه های درونی که شما را ترغیب کرد این کتاب را بردارید، قدردانی کنم. این گامی شجاعانه و زیبا است که ندای روح خود را گرمی بدارید و در این مسیر قدم بگذارید. بدانید که هرگز تنها نیستید، هرگز گم نشدید. فقط سوابق Akashic خود را باز کنید و کمک بخواهید. اگر چه استادان، معلمان و عزیزان شما هرگز دخالت نخواهند کرد، آنها همیشه خوشحال هستند که به شما کمک کنند. اگر رکوردها را با دوستان خود به اشتراک بگذارید، می توانید به روش های قابل توجه و قدرتمند در کنار یکدیگر باشید. به تنهایی نوری قوی خواهید شد. اما با هم، شما نقطه کانونی نور حیاتی و درخشان خواهید بود. ما در زمانه ای جذاب زندگی می کنیم. آنچه عصر ما را از سایرین متمایز می کند این ایده است که افراد اکنون می توانند مسئولیت درک خود و رابطه خود با اقتدار معنوی خود را بر عهده بگیرند. این یک مفهوم رهایی بخش برای افراد است و به طور بالقوه برای وضعیت موجود خطرناک است.

هنگامی که برای اولین بار به رکوردهای آکاشیک دسترسی پیدا کردم، احساس عشق و حمایت بی قید و شرطی را داشتم که بر خلاف هر چیزی که تا به حال شناخته بودم. می دانستم که اگر همه بتوانند رکوردها را تجربه کنند، صلح جهانی نتیجه آن خواهد بود. از خودم پرسیدم: «اگر همه احساس خوبی داشته باشند، چگونه ممکن است درگیری و ناامیدی جهانی وجود داشته باشد؟» این مأموریت من شد که به این عشق از رکوردها کمک کنم تا به سیاره زمین لنگر بزنم.

رکوردها روشن کردند که برای موفقیت در ماموریتم باید ابتدا قضاوت ها و نظرات منفی خود را در مورد خودم و زندگیم پاک کنم. من تشویق شدم که بیشتر روی آنچه در مورد من درست است تمرکز کنم تا آنچه که من اشتباه می دانم. من از مقایسه خودم با دیگران دست کشیدم و یاد گرفتم واقعا به فردیت خودم احترام بگذارم. من زندگی خود را با آگاهی از عظمت خودم شروع کردم. از همین جاست که من به اشتراک خرد و حمایتی که رکوردها برای بشریت دارند ادامه می دهم.

کریستینا

همیت فرآیند دعای مسیر برای دستیابی به قلب سوابق آکاشیک در این است که این یک وسیله معنوی برای بعد معنوی است که انرژی،

قدرت و خرد را در خود جای داده است. دعای راه ما را به قلب این بعد می برد تا انرژی (قدرت) و اطلاعات (خرد) قلب را آگاه کرده و از آن استفاده کند تا بتواند ذهن و اراده را هدایت کند. ذهن فوق العاده است، اما آن چیزی که ما امیدوار بودیم برای بشریت نبوده است: آن حساسیت یا شفقت مورد نیاز مردم واقعی را ندارد. دانش ضروری است، اما بدون راهنمایی قلبی، ناقص است. اراده برای تجلی و تحقق ایده های ذهن حیاتی است. با این حال، بدون قلب، اراده می تواند سرد و بی رحم باشد. اگر قلب حرف خود را نگوید، اراده می تواند نتایجی را نشان دهد که در نهایت رضایت بخش نیست.

در این مرحله از تاریخ رشد معنوی انسان، زمان آن فرا رسیده است که افراد به منابع معنوی دسترسی مستقیم داشته باشند. فرآیند دعای مسیر دسترسی مستقیم به منابع معنوی سوابق آکاشیک را فراهم می کند و این کتاب ابزار آموزشی است که شما برای پرورش رابطه خود با قدرت معنوی به آن نیاز دارید. این یک ایده جدید است. ریشه در این آگاهی دارد که هیچ فردی پتانسیل الهی را برای تغییر زندگی ما برای ما ندارد. این درک جدید این است که هر یک از ما نور یکسانی در درون داریم و هیچکس نمی تواند نقش ما را انجام دهد - اینکه فقط من می توانم نقش خودم را انجام دهم و فقط شما می توانید نقش خود را انجام دهید. ما دیگر نمی توانیم منتظر کسی خارج از

خودمان باشیم که ما را از دوراهی هایمان خارج کند و به جریان نیروی حیات معنوی، چه در سطح شخصی و چه در سطح جهانی، برود.

برای اولین بار در تاریخ بشریت، از همه افراد خواسته می شود تا با فرصتی جدید و شگفت انگیز از خواب بیدار شوند و به بهترین شکل ممکن مشارکت کنند. مشارکت اکنون خود تعیین شده است: اگر بخواهم می توانم به آن بپیوندم. هیچ کس دیگری برای من تصمیم نمی گیرد. مشارکت دیگر بر اساس جنسیت، نژاد یا طبقه نیست. مسئولیت پذیری و انجام وظیفه بر اساس انتخاب فردی است. هر یک از ما می توانیم ببینیم که چه کاری باید انجام شود و فیض لازم برای انجام آن را داریم. من در درونم توانایی و انرژی لازم برای انجام وظیفه شخصی خود را دارم. با این حال، من توانایی با انرژی لازم برای انجام وظیفه شما را ندارم. به همین ترتیب، شما آنچه را که برای انجام نقش من لازم است ندارید، اما دقیقا آنچه را که برای انجام بهترین کار لازم است دارید. این یک سیستم افسانه ای است و مستقیما با در دسترس بودن Akashic Records برای هر کسی که می خواهد به آنها دسترسی داشته باشد، مرتبط است. در اعماق همه انسان ها احساس روشن و عمیقی از ذات الهی وجود دارد. ممکن است زیر انواع مسائل و ترسهای حل نشده مدفون باشد، با این حال مطمئن باشید آنجاست. سوابق آکاشیک راهی برای برقراری ارتباط آگاهانه و مستقیم با حضور

الهی در قالبی صمیمی و قابل مدیریت فراهم می کند. پرونده به روی افراد غیر روحانی مانند من و شما که امید آینده هستیم باز می شود. شما خواننده ی عزیز با یک انگیزه درونی به سمت این کتاب کشیده شده اید. تصادفی نیست که اکنون آن را در دستان خود می گیرید. چیزی در درون شما فعال است که شما را به این جنبش رساند. اربابان رکوردها به شما اشاره می کنند تا تحولی را که به دنبال آن هستید آغاز کنید. استادان، معلمان و عزیزان شما منتظر هستند تا تمام پشتوانه و خرد پرانرژی مورد نیاز برای درک پتانسیل باورنکردنی خود را در اختیار شما قرار دهند. الان وقت شماست.

ما در یک نسل در حال گذار هستیم. والدین ما مسئولیت شخصی را آن طور که ما اکنون می دانیم نمی دانستند، و هرگز به این فکر نمی کردند که مستقیماً به اقتدار روحانی خود دسترسی داشته باشند. خوب، بعضی ها می دانستند، اما نسل آنها به طور کلی این را نمی دانستند. سوابق آکاشیک تا به حال به طور گسترده در دسترس نبودند، زیرا باید به اندازه کافی رشد آگاهی جمعی وجود داشته باشد تا بتواند این منبع را مدیریت کند. حالا این اتفاق افتاده است. ما شاهد انفجاری در مدیتیشن، کار ارتباط قلب و ذهن، شفای شخصی و شفای نور برای خود و دیگران بوده ایم. همه این شیوه ها توده ها را قادر می سازد تا به اندازه کافی بالغ شوند تا آماده استفاده از سوابق آکاشیک به بهترین

روش ها برای رشد شخصی و شفای جهانی باشند. کودکان ما ممکن است به ابزاری مانند این نیاز نداشته باشند. آنها ممکن است آن را بدیهی بگیرند و تصور کنند که حق دارند از منبع معنوی انتخابی خود بینش و حمایت دریافت کنند. ما نسلی هستیم که به آموزش نیاز داریم. ما پل نور هستیم. همان طور که ما این پل را با فرآیند دعای مسیر می سازیم، کار را برای کسانی که بعد از ما می آیند آسانتر می کنیم. فرزندان ما طبیعی ترین چیز در جهان خواهند بود که در رابطه مستقیم و آگاهانه با الوهیت درونی خود و بیان متناظر آن در جهان هستند.

و بنابراین، دوستان من، از شما بسیار سپاسگزارم که همراه با بسیاری دیگر که متعهد به قدم زدن در نور حقیقت، نور صلح، نور قدرت، نور عشق هستند، در راه شما قدم گذاشتید. ما شانه به شانه کنار هم می ایستیم و در زندگی معمولی خود با چشم اندازی فوق العاده به جلو می رویم. شما نقطه ای از نور درون نوری شگفت انگیز و بی نهایت هستید که در تمام زندگی و هر روح در جهان نفوذ می کند. می خواهم بدانی که می دانم نوری وجود دارد که فقط تو می توانی آن را بتابانی. می دانم که نور تو برای روشنایی بشریت بی نظیر و حیاتی است. چراغ های ما با هم میدرخشند و مسیر را برای همه کسانی که انتخاب می کنند ملحق شوند روشن خواهد کرد. شما متوجه خواهید شد که چه

زمانی برای شما مناسب است. و هنگامی که آن لحظه فرا رسد، پاهای
خود را در مسیر قرار خواهید داد. و با هم کاری را انجام خواهیم داد
که هرگز به تنهایی نمی توانستیم انجام دهیم.

عشق بسیار و برکات بسیار، لیندا هاو

کار گروهی

راهنمای کار گروهی

تمام سوالات ارائه شده در اینجا برای حمایت از شما در سفر شما در فرآیند یادگیری ارائه شده در کتاب طراحی شده است. قرار است ابتدا به تنهایی و سپس در یک محیط گروهی به آنها پاسخ داده شود. کار کردن با سوالات در این دو مرحله بسیار مهم است. رشد معنوی واقعی مستلزم خودآزمایی دقیق است. کاوش شخصی فقط توسط شما و برای شما انجام می شود. انجام کارهای درونی خود به تنهایی رابطه شما را با خودتان تقویت و عمیق تر می کند. حتی زمانی که به تنهایی به سوالات پاسخ می دهید، مفید است که تا حد امکان در پاسخ های خود دقیق باشید و به خود فرصت دهید تا پاسخ های خود را بررسی کنید.

مرحله دوم شامل تعامل گروهی با دیگران در همان مسیر است. کار کردن در کتاب با گروهی از افراد همفکر راه قدرتمندی برای تسریع رشد معنوی شماست. به اشتراک گذاشتن حقایق خود با دیگرانی که می توانند آنچه را که می گوئید بشنوند، شما را به جلو سوق می دهد. گوش دادن به سفر شما اعتبار می بخشد، شما را با همراهان خود مرتبط می کند و آگاهی و درک شما را گسترش می دهد و تجربه شما

را غنی می کند. اطلاعات دادن از طریق صحبت کردن و دریافت آن از طریق گوش دادن به ایجاد یک منطقه همگرایی برای انرژی رکوردها کمک می کند، که از آشکار شدن هر فرد در گروه پشتیبانی می کند و گروه به عنوان یک کل است. با به اشتراک گذاشتن یافته های خود با گروه مطالعاتیتان برای توانمندسازی خود و اعضا، از فرصت استفاده کنید و از خودت لذت ببر.

۱. به داستان شخصی خود فکر کنید

یکی از ایده های اولیه ارائه شده در این کتاب این است که سوابق آکاشیک طرح اولیه خود را بررسی کنید. آنها حاوی داستان تکامل معنوی شما در طول زمان هستند. همان طور که نویسنده داستان سفر معنوی خود را در این زندگی به اشتراک می گذارد، به داستان خود فکر کنید.

۱. چه اتفاقاتی شما را در این زندگی به جلو سوق داده است؟ آیا احساس می کنید هدف بزرگ تری در مسیر زندگی تان وجود دارد؟ چرا و چرا نه؟

۲. آیا خود را «روحانی» می دانید؟ چرا و چرا نه؟ برای شما «روحانی» بودن به چه معناست؟

۳. آیا در این زندگی یک سوال غالب برای شما وجود دارد؟ آیا یک ایده اصلی وجود دارد که شما در تلاش برای آشتی دادن خودتان با آن هستید؟

۴. سفر معنوی شما با پیشرفت زندگی شما چگونه پیش می رود؟

۲. تلاش شما

نویسنده این کتاب معتقد است که کسی که این کتاب را میخواند توسط یک «تشویق درونی» برای یافتن سوابق آکاشیک فراخوانده یا احضار شده اید.

۱. فکر می کنید چرا به سوابق آکاشیک کشیده شده اید؟ آیا فکر

می کنید دلیل الهی وجود دارد که این کتاب را می خوانید؟

۲. چه اتفاقی در زندگی شما افتاده است که باعث شده فکر کنید

ممکن است زمان یادگیری خواندن رکوردها فرا رسیده باشد؟

۳. چه افراد با شرایطی بر شما در یافتن این کتاب در این زمان

تأثیر گذاشته اند؟ در این مرحله از سفر معنوی خود، از چه

طریقی از سوی کیهان حمایت شده اید؟

۳. کار شما در سوابق

۱. آیا فکر می کنید تا به حال به طور تصادفی در رکوردهای آکاشیک بوده اید؟ اگر چنین است، چه اتفاقی افتاده است؟ چه چیزی باعث می شود فکر کنید در آن زمان در رکوردها بودید؟
۲. آیا از طریق سیستم دیگری مانند ریکی یا هیپنوتیزم در Records کار کرده اید؟ نتایج چه بود؟
۳. امید دارید از یادگیری نحوه خواندن سوابق آکاشیک چه چیزی به دست آورید؟

۴. شهود و سوابق آکاشیک

- تمایز بین شهود و سوابق آکاشیک به اندازه کافی مهم است که سزاوار بخش خاص خود در اینجا باشد!
۱. در کتاب، نویسنده توضیح می دهد که چگونه شهود متفاوت از رکوردهای آکاشیک است؟ آیا توضیح او برای شما منطقی است؟ چرا و چرا نه؟
 ۲. آیا خود را شهودی می دانید؟ اگر اینجوریه، به چه روشی؟ اگر نه، چرا که نه؟
 ۳. یک فرد «شهودی» بودن به چه معناست؟ چه احساسی دارید؟

۴. هر گاه به افراد به اصطلاح شهودی فکر می کنید در مورد آنها چه چیزی به ذهنتان می آید؟

۵. آیا تا به حال آگاهانه تلاش کرده اید که شهود خود را توسعه دهید؟ اگر چنین است، چگونه؟ نتایج چه بود؟ اگر نه، چرا که نه؟

۵. عواملی که مشترکا شما را در این سفر همراهی می کنند

نویسنده تفاوت اساسی بین فرشتگان، مقدسین و راهنمایان روح و اساتید، معلمان، عزیزان و اربابان سوابق را شناسایی می کند. دسته اول را با شخصیت و هویت به خواننده می شناسند و دسته دوم را با انرژی خود می شناسند.

۱. آیا با تصور موجودی پرانرژی و بدون شخصیت خاص راحت هستید؟

۲. آیا انرژی برای شما واقعی است؟ حضور انرژی را در زندگی خود چگونه تجربه کرده اید؟

۳. آیا رابطه فعلی با فرشتگان، مقدسین و راهنمایان روح دارید؟

۴. آن رابطه چه نقشی در زندگی معنوی شما دارد؟

۶. دیدگاهی متفاوت

«آگاهی برتر» موجود در سوابق به شخص اجازه می دهد تا خود و دیگران را از منظر متفاوت ببیند.

۱. فکر می کنید منظور نویسنده از «آگاهی برتر» و «بالا رفتن سطح آگاهی» چیست؟ این کلمات برای شما چه معنایی دارند؟
۲. آیا در مواقع دیگر از این نوع دیدگاه بهره برده اید؟ براتون بدرد بخور بود؟

۷. خداوند

نویسنده در خود از خدا و سوابق را به عنوان راهی به سوی آگاهی الهی مورد بحث قرار می دهد

۱. چگونه خدا را می فهمی یا نمی فهمی؟ تصور شما از خدا چیست؟ ویژگی ها یا ویژگی های کلیدی خدای تجربه شما چیست؟
۲. در مورد کلمه خدا چه احساسی دارید؟ آیا در زندگی خود از آن استفاده می کنید؟ چرا و چرا نه؟
۳. آیا تجربیاتی داشته اید که می گویند به خاطر خدا به وجود آمده است؟

۴. آیا داشتن درک از خدا برای شما در زندگی مفید است؟ چرا و چرا نه؟

۸. انرژی درمانی

در بخش مربوط به انرژی درمانی در سوابق آکاشیک، نویسنده پیشنهاد می کند که بین دانستن در مورد شفا و تجربه شفا تفاوت وجود دارد.

۱. شفا را چگونه تعریف می کنید؟

۲. آیا شما معتقدید که شفای معنوی واقعی است؟ چرا و چرا نه؟

۳. آیا تا به حال جلسه «شفا» داشته اید؟ اگر چنین است، چه انتظاری از آن داشتید؟ تجربه شما از چه جهت با انتظارات شما مطابقت داشت یا نه؟

۴. آیا تا به حال تجربه شفای خود به خودی داشته اید؟ اگر چنین است، آن رویداد چه چیزی برای شما شفابخش بود؟

۹. روابط اجدادی

فرض اساسی در مورد روابط اجدادی این است که خویشاوندان ما برای اهداف سطح روح انتخاب می شوند.

۱. وقتی نقش خانواده خود را در این زندگی، تاثیر گذار و گسترده در نظر می گیرید، رابطه خود را با این گروه چگونه می بینید؟

۲. آیا می توانید گروه های مختلف اجدادی را که به آنها تعلق دارید از جمله خانواده اصلی خود، خانواده ای که از طریق ازدواج به آن ملحق شده اید، خانواده معنوی خود و غیره شناسایی کنید؟ چه شباهت ها و تفاوت هایی در روابط شما با این گروه ها وجود دارد؟

۳. موضوعات اصلی برای شما با توجه به اجدادتان چیست؟

۴. نویسنده مفهوم "گوسفند سیاه" را به عنوان عضوی از خانواده ارائه می دهد. درس های زندگی آنها بدیهی و اجتناب ناپذیر است که به نفع خود فرد و سایر افراد گروه است. آیا شما گوسفند سیاه خانواده خود هستید؟ اگر چنین است، این برای شما چگونه بوده است؟ اگر نه، چه کسی در خانواده شما گوسفند سیاه است؟ چرا؟

۱۰. زندگی های گذشته

درک زندگی های گذشته و تناسخ جزء لاینفک سوابق آکاشیک است.

۱. آیا با ایده زندگی های گذشته ارتباط برقرار می کنید؟ چرا و چرا نه؟ درک شما از تناسخ چیست؟

۲. سوالات زیر ممکن است تشخیص امکان زندگی های دیگر در زندگی روزمره را برای شما آسان تر کند:

- آیا تا به حال با کسی ملاقات کرده اید و این حس را به شما داده باشد؟
- آیا تا به حال از یک مکان جدید بازدید کرده اید و حس کردید آنجا به نوعی مانند وطن شماست؟
- آیا تا به حال به جایی رسیده اید که بدون هیچ دلیل واضحی بلافاصله مضطرب و فوری باشید که از آنجا خارج شوید؟
- آیا تا به حال شیفته مکان یا زمان خاصی در تاریخ یا حتی یک شخصیت تاریخی شده اید؟
- آیا جایی در جهان وجود دارد که به طور غیر قابل توضیحی به سمت آن کشیده شوید؟
- آیا جایی وجود دارد که بدون هیچ دلیل مشخصی واکنش منفی ایجاد کند؟
- آیا نوعی مبلمان، طراحی، هنر، موسیقی، ادبیات یا مد وجود دارد که شما بدون هیچ دلیل مشخصی دوست داشته باشید و با آن ارتباط برقرار کنید؟
- آیا افرادی هستند که بدون هیچ دلیل معقولی به آنها پاسخ اعم از مثبت یا منفی داشته باشید؟

۱۱. زمان تغییر

به عقیده نویسندگان، اوایل قرن بیست و یکم زمان تغییر در نحوه درک ما انسان ها از ماهیت الهی و رابطه ما با ذات ضروری است.

۱. آیا ایده های او در مورد سفر معنوی بشریت برای شما صادق است؟ اگر چنین است، این چگونه در زندگی شما به کار می رود؟ اگر نه، چرا که نه؟

۲. آیا فکر می کنید با ادامه تکامل معنوی خود از ابزار رکوردهای آکاشیک استفاده کنید؟ چرا و چرا نه؟ اگر چنین است، چگونه؟
۳. آیا احساس می کنید که اکنون زمان بیداری شماست؟ چرا و چرا نه؟

۴. آیا مایلید در زندگی روزمره خود «پیروی از نور» را امتحان کنید؟

۵. آینده شما در سفر معنوی شما چیست؟

درباره نویسنده

لیندا هاو بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات آکاشیک است. لیندا که بیش از بیست سال در هنرهای درمانی فعال بود، تحت تأثیر قدرت رکوردها در درون خود و مشتریانش قرار گرفت و الهام گرفت. او در سال ۱۹۹۶ آموزش این اثر را به دانش آموزان آغاز کرد و امروز با موفقیت به هزاران دانش آموز خواندن دقیق سوابق آکاشیک را آموزش داده است. او در منطقه شیکاگو ساکن است.